



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علوم قرآن (مقدماتی)

نویسنده:

صدیق حسین

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	علوم قرآن (مقدماتی)
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	سخن ناشر
۱۷	فهرست
۲۶	درآمد
۳۲	۱- مفهوم شناسی علوم قرآنی و سیر تاریخی آن
۳۲	اشاره
۳۲	علوم قرآنی
۳۳	پیشینه علوم قرآنی
۴۰	۲- مفهوم شناسی وحی
۴۰	اشاره
۴۲	وحی در لغت
۴۳	وحی در اصطلاح
۴۳	وحی در قرآن
۴۵	اقسام وحی نبوی
۴۷	چگونگی نزول وحی
۵۰	۳- نزول قرآن
۵۰	اشاره
۵۳	نزول اجمالی و نزول تفصیلی (انزال و تنزیل)
۶۰	۴- عناوین، سوره ها و آیات قرآن
۶۰	اشاره
۶۱	اسامی قرآن

۶۴	سوره های قرآن
۶۶	آیات قرآن
۷۰	۵- آیات و سوره های مکی و مدنی
۷۰	اشاره
۷۱	فایده و ضرورت شناخت آیات مکی و مدنی
۷۱	معیار تقسیم به مکی و مدنی
۷۳	چگونگی تشخیص سوره های مکی و مدنی
۷۵	تعداد سوره ها و آیات مکی و مدنی
۷۸	۶- اسباب نزول
۷۸	اشاره
۸۰	فوائد شناخت اسباب نزول
۸۰	اشاره
۸۲	العبره بعموم اللفظ
۸۴	دستیابی به اسباب نزول
۸۸	۷- نگارش و جمع آوری قرآن کریم
۸۸	اشاره
۸۹	حفظ و نگارش در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
۸۹	۱- مرحله حفظ قرآن
۹۰	۲- مرحله کتابت قرآن
۹۲	کاتبان وحی
۹۳	نگارش قرآن در زمان ابوبکر (رضی الله عنه)
۹۵	روش زید در جمع قرآن
۹۷	مصاحف صحابه
۹۸	یکسان سازی مصحف ها (توحید قراءات)
۱۰۴	۸- قرائات سبعة
۱۰۴	اشاره

۱۰۶	تدوین قرائت های معروف
۱۰۷	تعریف قرائت
۱۰۸	عوامل اختلاف قرائات
۱۱۱	انحصار قرائت ها به هفت
۱۱۲	قاریان هفت گانه و راویان آنها
۱۱۶	۹- ویژگی های قرائت عاصم و حجیت قرائات
۱۱۶	اشاره
۱۱۶	ویژگی های قرائت عاصم به روایت حفص
۱۱۸	تواتر و حجیت قراءات سبعة
۱۲۰	حدیث سبعة احرف و قرائات هفتگانه
۱۲۶	۱۰- نزهت قرآن کریم از تحریف
۱۲۶	اشاره
۱۲۷	مفهوم تحریف
۱۲۷	استعمال تحریف در قرآن
۱۲۸	انواع تحریف
۱۳۰	ادله مصونیت قرآن از تحریف
۱۳۰	اشاره
۱۳۰	۱- دلیل قرآنی
۱۳۰	الف) آیه حفظ
۱۳۱	ب) آیه عزّت
۱۳۲	۲- دلیل عقلی
۱۳۳	۳- سیره مسلمین و گواهی تاریخ
۱۳۳	۴- اجماع مسلمین
۱۳۶	۱۱- قرآن کریم معجزه جاودان
۱۳۶	اشاره
۱۳۸	مفهوم شناسی اعجاز

۱۳۸	ضرورت معجزه
۱۳۹	تحدی و مبارزه طلبی قرآن
۱۴۱	معارضه با آیات تحدی
۱۴۲	یادآوری
۱۴۴	مراحل تحدی
۱۴۸	۱۲- جلوه های اعجاز قرآن (۱)
۱۴۸	اشاره
۱۴۸	ابعاد اعجاز قرآن کریم
۱۴۸	اشاره
۱۴۹	۱- اعجاز بیانی
۱۴۹	اشاره
۱۵۰	الف) گزینش کلمات
۱۵۳	ب) سبک و شیوه بیان
۱۵۳	ج) نظم آهنگ قرآن یا اعجاز صوتی
۱۵۷	د) وحدت موضوعی (تناسب معنوی آیات)
۱۵۸	ه) نکته ها و ظرافت ها
۱۵۸	۲- اعجاز تشریحی
۱۵۸	اشاره
۱۶۵	جامعیت احکام اسلامی
۱۷۶	۱۳- جلوه های اعجاز قرآن (۲)
۱۷۶	اشاره
۱۷۶	۳- اعجاز علمی قرآن
۱۷۶	اشاره
۱۷۷	الف) زوجیت در قرآن
۱۷۹	ب) عمل لقاح بادها
۱۷۹	ج) گهواره بودن زمین

۱۸۰ (د) گسترش زمین
۱۸۱ (ه) آب، اصل حیات
۱۸۲ (و) حرکت فلکها
۱۸۳ (ز) پوشش هوایی حافظ زمین
۱۸۳ ۴- اعجاز غیبی
۱۸۷ ۵- اعجاز سلامت قرآن از تناقض
۱۸۹ ۶- اعجاز عددی قرآن
۱۹۲ ۱۴- ناسخ و منسوخ
۱۹۲ اشاره
۱۹۴ شرایط نسخ
۱۹۵ اهمیت بحث نسخ
۱۹۶ حقیقت نسخ
۱۹۷ انواع نسخ در قرآن
۱۹۸ آیات منسوخه
۲۰۰ آیه نجوی
۲۰۱ آیات صفح
۲۰۴ ۱۵- محکم و متشابه
۲۰۴ اشاره
۲۰۵ تعریف محکم و متشابه
۲۰۸ اهمیت محکم و متشابه
۲۱۰ اقسام تشابه در قرآن
۲۱۲ حکمت وجود متشابهات در قرآن
۲۱۵ تفسیر و تأویل
۲۱۶ تأویل متشابهات را چه کسی می داند؟
۲۱۸ آیا حروف مقطعه از متشابهات است؟
۲۲۰ نمونه هایی از آیات متشابه

۲۲۰ اشاره

۲۲۰ ۱- نفی تحیّز از خدا

۲۲۲ ۲- اراده و اختیار

۲۲۴ کتابنامه

۲۳۰ درباره مرکز

سرشناسه: حسین، صدیق، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: علوم قرآن (مقدماتی) / صدیق حسین.

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۱۵ص.

فروست: مجتمع عالی مذاهب واحد گران؛ ۷۹۱.

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۸۷۱-۰؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۹۳ (فپا).

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۱۱] - ۲۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: قرآن -- علوم قرآنی

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره: BP۶۹/۵ح/۸۵۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۱۰۸۱

ص: ۱

اشاره

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش‌ها و پدید آمدن دانش‌های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ‌گویی به آن، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت چهره‌های متخصص را ضروری می‌نماید. از این رو کتاب‌های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی‌ها تألیف شود.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

در این بستر، حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

«جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)» با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای صدیق حسین مؤلف کتاب علوم قرآن) مقدماتی) و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته اند، آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)

ص: ۶

درآمد ۱۳

۱. مفهوم شناسی علوم قرآنی و سیر تاریخی آن ۱۹

علوم قرآنی ۱۹

پیشینه علوم قرآنی ۲۰

۲. مفهوم شناسی وحی ۲۷

وحی در لغت ۲۹

وحی در اصطلاح ۳۰

وحی در قرآن ۳۰

اقسام وحی نبوی ۳۲

چگونگی نزول وحی ۳۴

۳. نزول قرآن ۳۷

نزول اجمالی و نزول تفصیلی (انزال و تنزیل) ۴۰

۴. عناوین، سوره ها و آیات قرآن ۴۷

اسامی قرآن ۴۸

سوره های قرآن ۵۱

آیات قرآن ۵۳

۵. آیات و سوره های مکی و مدنی ۵۷

فایده و ضرورت شناخت آیات مکی و مدنی ۵۸

معیار تقسیم به مکی و مدنی ۵۸

چگونگی تشخیص سوره های مکی و مدنی ۶۰

تعداد سوره ها و آیات مکی و مدنی ۶۲

۶. اسباب نزول ۶۵

فواید شناخت اسباب نزول ۶۷

العبره بعموم اللفظ ۶۹

دستیابی به اسباب نزول ۷۱

۷. نگارش و جمع آوری قرآن کریم ۷۵

حفظ و نگارش در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ۷۶

۱. مرحله حفظ قرآن ۷۶

۲. مرحله کتابت قرآن ۷۷

کاتبان وحی ۷۹

نگارش قرآن در زمان ابوبکر (رضی الله عنه) ۸۰

روش زید در جمع قرآن ۸۲

مصاحف صحابه ۸۴

یکسان سازی مصحف ها (توحید قراءات) ۸۵

۸. قراءات سبعة ۹۱

تدوین قرائت های معروف ۹۳

تعریف قرائت ۹۴

عوامل اختلاف قراءات ۹۵

انحصار قرائت ها به هفت ۹۸

قاریان هفت گانه و راویان آنها ۹۹

۹. ویژگی های قرائت عاصم و حجیت قرائت ۱۰۳

ویژگی های قرائت عاصم به روایت حفص ۱۰۳

تواتر و حجیت قراءات سبعة ۱۰۵

حدیث سبعة احرف و قرائت هفتگانه ۱۰۷

ص: ۸

۱۰. نزاهت قرآن کریم از تحریف ۱۱۳

مفهوم تحریف ۱۱۴

استعمال تحریف در قرآن ۱۱۴

انواع تحریف ۱۱۵

ادله مصونیت قرآن از تحریف ۱۱۷

۱. دلیل قرآنی ۱۱۷

الف) آیه حفظ ۱۱۷

ب) آیه عزّت ۱۱۸

۲. دلیل عقلی ۱۱۹

۳. سیره مسلمین و گواهی تاریخ ۱۲۰

۴. اجماع مسلمین ۱۲۰

۱۱. قرآن کریم معجزه جاودان ۱۲۳

مفهوم شناسی اعجاز ۱۲۵

ضرورت معجزه ۱۲۵

تحدی و مبارزه طلبی قرآن ۱۲۶

معارضه با آیات تحدی ۱۲۸

یادآوری ۱۲۹

مراحل تحدی ۱۳۱

۱۲. جلوه های اعجاز قرآن (۱) ۱۳۵

ابعاد اعجاز قرآن کریم ۱۳۵

۱. اعجاز بیانی ۱۳۶

الف) گزینش کلمات ۱۳۷

ب) سبک و شیوه بیان ۱۴۰

ج) نظم آهنگ قرآن یا اعجاز صوتی ۱۴۰

د) وحدت موضوعی (تناسب معنوی آیات) ۱۴۴

ه) نکته ها و ظرافت ها ۱۴۵

۲. اعجاز تشریحی ۱۴۵

جامعیت احکام اسلامی ۱۵۲

ص: ۹

۱۳. جلوه های اعجاز قرآن (۲) ۱۶۳

۳. اعجاز علمی قرآن ۱۶۳

الف) زوجیت در قرآن ۱۶۴

ب) عمل لقاح بادها ۱۶۶

ج) گهواره بودن زمین ۱۶۶

د) گسترش زمین ۱۶۷

ه) آب، اصل حیات ۱۶۸

و) حرکت فلکها ۱۶۹

ز) پوشش هوایی حافظ زمین ۱۷۰

۴. اعجاز غیبی ۱۷۰

۵. اعجاز سلامت قرآن از تناقض ۱۷۴

۶. اعجاز عددی قرآن ۱۷۶

۱۴. ناسخ و منسوخ ۱۷۹

شرایط نسخ ۱۸۱

اهمیت بحث نسخ ۱۸۲

حقیقت نسخ ۱۸۳

انواع نسخ در قرآن ۱۸۴

آیات منسوخه ۱۸۵

آیه نجوی ۱۸۷

آیات صفح ۱۸۸

۱۵. محکم و متشابه ۱۹۱

تعریف محکم و متشابه ۱۹۲

اهمیت محکم و متشابه ۱۹۵

اقسام تشابه در قرآن ۱۹۷

حکمت وجود متشابهات در قرآن ۱۹۹

تفسیر و تأویل ۲۰۲

تأویل متشابهات را چه کسی می داند؟ ۲۰۳

آیا حروف مقطعه از متشابهات است؟ ۲۰۵

ص: ۱۰

نمونه هایی از آیات متشابه ۲۰۷

۱. نفی تحیُّز از خدا ۲۰۷

۲. اراده و اختیار ۲۰۹

کتابنامه ۲۱۱

ص: ۱۱

الحمد لله الذي علم القرآن خلق الانسان علمه البيان، و الصلاة والسلام على محمد النبي الأمي الذي أنزل الله عليه القرآن، فكان مصدر العلم والنور والهدايه والخير ما دام الزمان، وعلى آله واصحابه واتباعه وانصاره الى يوم الجزاء والاحسان، وبعد:

قرآن كريم، اصلى ترين منبع دين مبين اسلام و عالى ترين گنجينه معارف غيب الهى است كه همراه با آهنگى روح نواز به عالميان هديه شده است. (وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ... (۱))

قرآن، سند حقانيت نبى رحمت است كه در هدايت ثقلين حريص ترين انسان ها و نسبت به آنها رثوف و رحيم بودند. (لَقَدْ جَاءَكُمْ

ص: ۱۳

رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ (۱)

قرآن، چشمه سار بی پایان و فوران آب حیات است. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...) (۲)
قرآن اکسیر سعادت و شراب جاودانی است. شعاع پرفروغش، روشنی بخش ظلمتکده عالم ملک است. (یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا) (۳) قرآن چراغ هدایت و خورشید ظلمات و امید بخش قلوب مؤمنین و رهنمون به جاده نجات است. (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) (۴)

قرآن، از جهت لفظ و معنا معجزه و دستور العمل انس و جن جهت نیل به سعادت و رستگاری است. کتابی است که به استوارترین و کامل ترین راه هدایت می کند. (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا) (۵)

قرآن، در اوج فصاحت و بلاغت در میدان تحدی ندای «هل من مبارز» سر می دهد و مدعیان را به زانوی عجز می کشاند. (قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا) (۶)

قرآن به جان ها امید و به ملت ها نیرو می دهد. با ترسیم صراط مستقیم حق پویان پاک نهاد را به مهمانی خویش دعوت می کند. کلام الهی تجلی جمال و جلال حق تعالی و مظهر و مظهر رحمت و جبروت باری تعالی است.

نقش قرآن چونکه در عالم نشست

ص: ۱۴

۱- (۱) . توبه، آیه ۱۲۸.

۲- (۲) . انفال، آیه ۲۴.

۳- (۳) . نساء، آیه ۱۷۴.

۴- (۴) . ابراهیم، آیه ۱.

۵- (۵) . اسراء، آیه ۹.

۶- (۶) . اسراء، آیه ۸۸.

قرآن کریم معارف بلند هدایت را در بهترین و زیباترین الفاظ و عبارات بیان نموده که از همان آغاز نزول، جهانیان را به خود مجذوب ساخته است به طوریکه به هیچ کتابی به اندازه قرآن توجه و عنایت نشده است. در طول تاریخ مسلمانان با عشق و علاقه غیر قابل وصف به حفظ و ضبط آن پرداخته و در محافظت و مراقبت، نشر و تفسیر آن و معارف بلندش از هیچ کوششی دریغ نوزیدند و چه بسا در این راه جان و مال های خود را خالصانه و آگاهانه بذل نمودند.

تدوین هزاران تفسیر با شیوه ها و گرایش های گوناگون در قالب و سبک های مختلف، استخراج ده ها علم و فن از دل قرآن همانند صرف و نحو، تجوید و وقف، وجوه و نظایر، مفردات و غرایب، اعجاز، معانی و بیان، احکام و عقاید، آداب و اخلاق و غیره گواه روشن بر این ادعا است. با پیشرفت علوم، طراوت و تازگی قرآن بیشتر هویدا می شود و صفحات تازه ای از اعجاز و حقانیت آن کشف می شود. جذابیت و اهمیت قرآن باعث شده که علاوه بر دانشمندان اسلام، اجانب و مستشرقان نیز با انگیزه های مختلف در این عرصه قدم نهاده خواسته و ناخواسته، خدمات قابل توجهی را به ساحت این کتاب آسمانی ارائه نمایند.

قرآن از زاویه های گوناگون مورد توجه بوده که حفظ، ترجمه، قرائت، تفسیر و علوم قرآنی بخشی از آنهاست. علوم قرآنی، نگاه برونی و مقدماتی به قرآن کریم است همانطور که تفسیر، نگاه درونی و سیر در بحر بی کران این امانت الهی است.

مباحث علوم قرآنی، یکی از زمینه های مهم در فهم کتاب الهی است و تشنگان معارف آسمانی را به اقیانوس معرفت آن نزدیک می کند.

هرچند منابع و تألیفات ارزشمندی در این موضوع عرضه شده است، اما متنی که دارای سه ویژگی: فارسی روان، مقدماتی و آموزشی و منعکس کننده اجمالی نظرات مذاهب مختلف باشد، وجود ندارد.

این تلاش، چکیده نظرات دانشمندان متقدم و معاصر است که در جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه - واحد گرگان، بارها توسط نگارنده و اساتید فن تدریس شده و با اصلاح و تکمیل به صورت متن آموزشی درآمده است. نگارنده در ذکر مطلب جدید هیچ ادعایی ندارد و هرچه دارد از سفره با برکت دانشمندان این فن است: جزاهم الله خیرا الجزاء.

به امید آن که این بضاعت مزجات، مشام جان ما را از نسیم های عطرآمیز این بوستان پرطراوت تازه گرداند، و حیات نوینی را در وجود ما بدمد، و اراده و عزم ما را برای بدست آوردن گوهرهایی از دانش بیدار سازد، تا گامهای ارزنده ای بسوی کتاب خدا برداریم و قرآن نوری باشد که هدایت دنیا و آخرت را در آن بجوئیم و روش زندگی خود را هماهنگ و همگام آن گردانیم؛ حب الله المتین باشد که با تمسک به آن الفت و اتحاد خود را ایجاد نماییم؛ راه مستقیمی باشد به سوی خدای تعالی که ملت اسلام با پیمودن آن به سعادت و کرامت دنیا و آخرت نائل گردد.

یادآوری چند نکته

با توجه به ویژگی جامعه المصطفی العالمیه - واحد گرگان که محل تحصیل مشتاقان قرآن و سنت از مذاهب و اندیشه های مختلف اسلامی است، سعی بر آن بوده که به نقاط مشترک و مورد اتفاق اندیشه ها، تأکید شود و در ارائه مطالب از منابع فریقین و آرای اندیشمندان برجسته فن استفاده شود.

در این کتاب ده موضوع مهم علوم قرآنی در قالب پانزده فصل در حد دو واحد درسی، با بیانی ساده و قلمی روان آورده شده است که با مطالعه آن می توان به مطالب اساسی علوم قرآنی آشنایی پیدا کرد.

سطح این نوشتار در حد آشنایی و برای اولین گام ورود در فن علوم قرآن است، به همین خاطر از ذکر نظرات عمیق و استدلال‌های پیچیده علمی خودداری شده است.

این نوشتار، آموزشی است و لذا در نحوه طرح مباحث و فصل بندی آن، این ویژگی مد نظر بوده است.

در پایان هر فصل جهت خود آزمایی سؤالاتی مطرح شده که حل آنها جهت مرور دو باره درس مفید خواهد بود.

در هر فصل، دو پژوهش آمده که سبب تعمیق مطالب در ذهن دانش پژوه و وسیله ای برای آموختن روش تحقیق و ارائه مطلب در جلسه درس خواهد شد.

جمع آوری، نگارش و انتشار این اثر، مدیون ارشادات، تشویقات و حمایت های جمعی از استادان، پژوهشگران و مسئولین بزرگوار جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه می باشد که بدین وسیله برای تمامی آن عزیزان اجر و پاداش بی پایان الهی را آرزو و سپاس و تشکر صمیمی خود را تقدیم محضرشان می نمایم.

سرانجام باید عاجزانه اذعان نمود که این نوشتار در آغاز شکل گیری و تکامل قرار دارد، لذا خالی از سهو و خطا نمی باشد. اساتید بزرگوار و قرآن پژوهان گرامی با پیشنهادهای سازنده خود، علاوه بر سهیم بودن در اصلاح و تکمیل آن، سپاس و دعای نگارنده را ضمیمه برکات خویش خواهند ساخت.

صدیق حسین

رمضان المبارک ۱۴۳۳ ه. ق

جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه - واحد گرگان

ص: ۱۷

اشاره

هدف کلی: آشنایی با تعریف علوم قرآنی، پیشینه تاریخی آن و منابع مهم این فن.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود پس از مطالعه این فصل، فراگیر بتواند:

۱. علوم قرآنی را تعریف نماید؛

۲. تفاوت علوم قرآن با تفسیر را توضیح دهد؛

۳. سیر تاریخی علوم قرآنی را بشناسد؛

۴. نخستین تألیفات در این موضوع را بیان نماید؛

۵. منابع مهم این علم را بشناسد.

علوم قرآنی

علوم القرآن، ترکیبی است از دو واژه علوم و قرآن به معنای دانش هایی مربوط به قرآن کریم.

اصطلاحاً به مجموعه ای از علوم و مباحث مقدماتی اطلاق می شود که برای شناخت قرآن و آگاه شدن از شئون مختلف آن فراگرفته می شود.

پس، مقصود از علوم قرآنی، همه معارفی است که از یک سنخ و در خدمت فهم بهتر قرآن قرار می گیرد و یا مرتبط با قرآن است و چون قرآن جنبه های متعددی دارد، تلاش برای فهم هر یک از آنها از آغاز تا کنون، سبب پیدایش

علوم گوناگونی نظیر علم اسباب النزول، علم قرائات، علم تجوید، علم ناسخ و منسوخ و تاریخ جمع و تدوین قرآن شده است. از سوی دیگر، به لحاظ آن که همه این علوم، یک حیثیت را که همان قرآن باشد، مورد توجه قرار داده اند، به مجموعه آنها «علوم القرآن» اطلاق شده است.

این عنوان، امروزه علم برای این علم است و بر اساس این تلقی از علوم قرآنی نمی توان مباحث آن را در عناوینی معین و ثابت محدود کرد. پس این علم در مقام معرفی شئون مختلف قرآن همانند شناسنامه ای عموماً نگاهی از بیرون به قرآن دارد نه از درون؛ بر خلاف علم تفسیر و معارف قرآنی که مستقیماً به محتوا و فهم و مراد خداوند متعال از آیات قرآن کریم می پردازد.

زرقانی در تعریف علوم قرآن چنین آورده است:

«انه مباحث تتعلق بالقرآن الکریم من ناحیه نزوله، و ترتیبه و جمعه و کتابته و قرائته و تفسیره، و اعجازه، و ناسخه و منسوخه، و دفع الشبه عنه، و نحو ذلك».^(۱)

علوم قرآنی، مباحثی است مربوط به قرآن به لحاظ نزول قرآن، ترتیب، جمع، کتابت، قرائت، تفسیر، اعجاز، ناسخ و منسوخ، پاسخ به اشکالات و نظایر اینها.

پیشینه علوم قرآنی

بی تردید نخستین محفل های علمی مسلمانان همان «دار القرائه» بود که مسلمانان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) با اشتیاق ایمانی در آن گرد می آمدند و آیات نو فرود آمده قرآن را مکرر قرائت می کردند و معانی آنها را می آموختند. این معهد علمی - ایمانی با حضور و اشراف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تشکیل و استمرار یافت و علاوه بر عامه مسلمانان که آیین اعتقادی و رفتاری خویش را از خلال آن فرا می گرفتند، تعدادی

ص: ۲۰

۱- (۱). زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۱.

از صحابیان و یاران پیامبر نیز بودند که در این عرصه از اهتمام و توفیقات خاصی برخوردار بودند و در قرائت قرآن و بهره‌مندی از افاضات قرآنی و تفسیری پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) جایگاه ممتازی داشتند. این گروه همان کسانی بودند که پس از رحلت آن حضرت قرائت و تفسیر را استمرار بخشیدند که نتیجه آن شکل‌گیری مدارس تفسیری در نقاط مختلف کشور پهناور اسلامی گردید. (۱)

به جز تشکیل مدرسه‌های قرائت و تفسیر از سوی صحابیان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شاید نخستین اقدام در تدوین و تأسیس علمی، همان جمع قرآن در مصحف واحد توسط زید بن ثابت (رضی الله عنه) با دستور حضرت ابوبکر (رضی الله عنه) و یکسان‌سازی قراءات توسط حضرت عثمان بن عفان (رضی الله عنه) و نگارش مصحف بلافاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) توسط علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) و پایه‌گذاری اعراب قرآن و قواعد ادبی و زبانی علم نحو بود که ابوالاسود دؤلی (م ۶۹ هـ) با تعلیم ایشان تدوین کرد. (۲)

علوم قرآن از همان صدر اسلام زایش یافت و مسایل مربوط به قرائت و تفسیر، لغت‌شناسی و اعراب، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه... یک یک پا در عرصه فرهنگ دینی - قرآنی مسلمانان نهاد. آنگاه به مرور زمان مجموعه‌ای از این دانش‌ها تحت عنوان «علوم قرآنی» در اواخر قرن سوم تا اوایل قرن پنجم از تفسیر جدا و به صورت مستقل شکل گرفت. (۳)

ص: ۲۱

-
- ۱- (۱). بر اساس منابع تاریخی در صدر اسلام پنج مدرسه تفسیری در شهرهای مکه، مدینه، کوفه، بصره و شام تأسیس گردید که سرپرستی هر کدام از آنها را یکی از اصحاب بزرگوار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عهده داشتند.
 - ۲- (۲). مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۴.
 - ۳- (۳). رومی، فهد بن عبدالرحمن، دراسات فی علوم القرآن، ص ۴۵؛ صبحی الصالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۲۲؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۹.

البته اصطلاح رایج «علوم قرآنی»، با آنچه در سده های نخستین مصطلح بود، متفاوت است. علوم قرآنی، در گذشته بر مباحث تفسیری قرآن نیز اطلاق می شد. در واقع، علم تفسیر، علمی از علوم قرآنی بوده است؛ همانند علم اعجاز قرآن، علم تاریخ قرآن، علم ناسخ و منسوخ و...، اما به تدریج، کثرت و تنوع مباحث، سبب شد میان مباحث علوم قرآنی و علم تفسیر نوعی مرزبندی به وجود آید. (۱)

زرقانی می گوید:

میان نویسندگان فن علوم قرآنی معروف است که نخستین زمان ظهور این اصطلاح، قرن هفتم است، ولی در دارالکتب المصریه به کتابی از علی بن ابراهیم بن سعید، مشهور به حوفی (م ۴۳۰ ق.) برخوردیم به نام البرهان فی علوم القرآن در سی مجلد، که پانزده مجلد آن فعلاً موجود است. بنابر این، ما می توانیم تاریخ این فن را آغاز قرن پنجم بدانیم. (۲) وی پس از بحثی در تاریخچه علوم قرآنی چنین نتیجه گیری می کند که علوم قرآنی، به صورت یک فن، از پایان قرن چهارم، به دست ابراهیم بن سعید حوفی به وجود آمد و در قرن ششم و هفتم هجری در دامان ابن جوزی (م ۵۹۷ ق.) و سخاوی (م ۶۴۱ ق.) و ابوشامه (م ۶۶۵ ق.) پرورش یافت. در قرن هشتم به همت زرکشی و در قرن نهم با تلاش کافجی و جلال الدین بلقینی به کمال خویش رسید. آنگاه در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم، سیوطی تکسوار این میدان، آن را به جنبش و اهتزاز درآورد. (۳)

ص: ۲۲

۱- (۱). امروزه علم تجوید نیز که پیش از این در شمار علوم قرآنی بود، به صورت علمی مستقل مطرح است.

۲- (۲). مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۵.

۳- (۳). همان، ص ۳۹، برخی از محققان بر این باورند که کتاب حوفی، کتابی علوم قرآنی به معنای مصطلح نیست، بلکه کتابی تفسیری، با دقت، نظم و تفکیک مطالب است. ر. ک: مهدوی راد، محمد علی، سیری در نگارش های قرآنی، فصلنامه بینات، ش ۵، ص ۳.

تدوین جامع انواع علوم قرآنی، از قرن هشتم با تألیف کتاب البرهان فی علوم القرآن اثر ابو عبدالله زرکشی آغاز شد. جامعیت کتاب وی در زمینه انواع علوم قرآنی، تا آن زمان، بی سابقه بود؛ به گونه ای که سیوطی ضمن انتقاد از پیشینان خود در تدوین نکردن کتابی جامع درباره انواع علوم قرآنی، پس از مطالعه البرهان، اظهار سرور و شادمانی کرده، خود نیز برای تألیف کتابی مبسوط در این باره مصمم می گردد. (۱)

کتاب الاتقان فی علوم القرآن، نوشته جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ق)، از جمله مهم ترین منابع علوم قرآنی است. یکی از منابع مهم سیوطی در این اثر، کتاب البرهان بوده است.

پس از الاتقان، رشد و بالندگی نگارش و تدوین علوم قرآنی تا مدت ها متوقف شد. بیشتر نگارش های علوم قرآنی، تنها در زمینه های خاص صورت گرفت و از شدت آهنگ گرایش به علوم قرآنی کاسته شد.

خوشبختانه در قرن اخیر، بسیاری از دانشمندان در زمینه های مختلف علوم قرآنی، تألیفات گرانسنگی عرضه کرده اند که به بعضی از آنها اشاره می شود:

کتاب «مناهل العرفان فی علوم القرآن» نوشته محمد عبد العظیم زرقانی، موسع ترین کتاب در علوم قرآنی در عصر اخیر است و مجلس اعلای «الازهر» مصر این کتاب را برای تدریس در دانشگاه های «الازهر» مقرر نموده است.

کتاب «التمهید فی علوم القرآن» نیز از جوامع علمی در علوم قرآن که دستاورد سالیان بسیار ممتد محقق ارجمند علامه استاد محمد هادی معرفت در عصر حاضر است که در موضوعات مهم علوم قرآنی در ده مجلد به چاپ رسیده است.

برخی از منابع معاصر در این موضوع عبارتند از: مباحث فی علوم القرآن،

ص: ۲۳

۱- (۱). سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۶۷.

صبحی صالح؛ تاریخ القرآن، ابو عبدالله زنجانی؛ المعجزه الخالده، محمد ابوزهره؛ التبیان فی علوم القرآن، محمد علی صابونی؛
البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی؛ موجز علوم القرآن، داود العطار؛ تاریخ قرآن، محمود رامیار؛ علوم القرآن، آیه
الله حکیم؛ پژوهشی در علوم قرآن، حبیب الله احمدی؛ قرآن شناسی عبد الله احمدیان و علوم قرآنی علامه معرفت. (۱)

ابن ندیم در کتاب الفهرست خویش نام بسیاری از دانشمندان و کتب آنان را که تا زمان او (قرن چهارم) در زمینه های قرآنی
وجود داشت، ذکر کرده که گویای کثرت تألیفات در زمینه های مختلف است و ما تنها به ذکر تعداد آن اکتفا می کنیم:
تفسیر: حدود ۴۵ کتاب. معانی القرآن: بیش از ۲۰ کتاب. لغات القرآن: ۶ کتاب. قرائات: بیش از ۲۰ کتاب. النقط و الشكل
للقرآن: ۶ کتاب. متشابه القرآن: ۱۰ کتاب. ناسخ القرآن و منسوخه: ۱۸ کتاب. (۲)

ص: ۲۴

۱- (۱). برای آگاهی بیشتر در باره کتاب ها و نویسندگان فوق ر. ک: خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی،

ج ۱ و ۲.

۲- (۲). ابن ندیم، ابوالفرج، الفهرست، ص ۵۲ - ۵۹.

۱. علوم قرآنی را تعریف و تفاوت آن را با تفسیر بیان نمایید.
۲. شکل گیری علوم قرآنی مربوط به کدام زمان می باشد و نخستین گام ها در این زمینه چه بوده است؟
۳. نخستین اقدام علمی در باره قرآن در صدر اسلام چه فعالیت هایی بوده است؟
۴. نخستین مجموعه «علوم قرآنی» در کدام قرن نگاشته شده است.
۵. دو منبع مهم از منابع علوم قرآنی را معرفی نمایید.

پژوهش

۱. گزارشی توصیفی از الاتقان سیوطی و التمهید ارائه نمایید.
۲. یکی از تفاسیری را که در مقدمه آن مباحث علوم قرآنی مطرح شده است معرفی و مباحث آن را فهرست گونه ذکر کنید.

هدف کلی: آشنایی با مفهوم وحی و کاربردهای آن در قرآن و کیفیت نزول قرآن.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود پس از مطالعه این فصل، فراگیر بتواند:

۱. مفهوم وحی را از جهت لغت بشناسد؛

۲. وحی را در اصطلاح علوم قرآن و تفسیر بداند؛

۳. استعمالات وحی را در قرآن کریم توضیح دهد؛

۴. اقسام وحی نبوی را با توجه با آیه ۵۱ شوری برشمرد؛

۵. چگونگی نزول وحی بر نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) را بیان کند.

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ) (۱) «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید!» آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست!»

بحث در باره وحی از اساسی ترین مباحث علوم قرآنی به شما می رود.

زیرا اولاً: قرآن مجید نتیجه و حاصل وحی است و تاریخ قرآن با پدیده وحی آغاز می گردد؛ ثانیاً: وحی پایه و اساس شناخت کلام الهی است. از همین رو بررسی این موضوع نقطه آغازین مباحث علوم قرآنی محسوب می شود.

وحی پدیده ای است مرموز و اسرار آمیز و در چارچوب قالب های ذهنی و عقلی متداول بشر نمی گنجد، زیرا این پدیده فرا عقلی یکی از بالاترین مقاماتی

ص: ۲۷

است که صف پیامبران را از دیگران جدا می سازد. (۱) و انبیای الهی (علیهم السلام) عالی ترین پیام غیبی را با علم حضوری و شهودی از این طریق تلقی می نمایند، از این رو فهم حقیقت و کُنه آن تنها برای خدا و انبیاء (علیهم السلام) مقدور است و آن چه برای دیگران می ماند درک پرتوی از آن حقیقت است که از طریق آثار و علایم آن کشف می گردد.

و از آنجا که قبول این امر فوق عقلانی برای مشرکین دشوار بود، ناگزیر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت جنون و سحر می دادند. (۲)

قرآن در پاسخ آنها اعلام می کند که پیامبران (علیهم السلام) همگی بشرند و از این جهت تفاوتی با دیگران ندارند تنها تفاوت در «وحی پذیری» آنهاست: (قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...) (۳) «بگو: من هم مثل شما بشری هستم، جز این که به من وحی می شود...»

انبیاء عظام، پیام های الهی (وحی) را بدون هیچ گونه شک و تردید از طرف فرشته وحی دریافت نموده و با اطمینان کامل و اعتقاد قلبی یقین داشتند که برگزیده خدا بوده و مأموریت هدایت مردم را به عهده دارند. آنان آنچه را دریافت می کردند در کمال امانت داری و بدون هیچ گونه نقص و اضافه به مردم ابلاغ می نمودند. (۴) آیات چهارم و پنجم سوره نجم در اوج قداست و عصمت جایگاه وحی را چنان تبیین می نماید که گرد هوا و خطا بر دامن آن ننشیند: (وَ مَا

ص: ۲۸

۱- (۱). سوره کهف، آیه ۱۱۰ و فصلت، آیه ۶.

۲- (۲). مؤمنون ۲۴ و ۲۵ و مدثر، آیه ۲۴ و ۲۵.

۳- (۳). کهف، آیه ۱۱۰ و فصلت، آیه ۶.

۴- (۴). به همین علت هر آنچه در برخی منابع راجع به شک و تردید رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در نبوت خویش یا اشتباه آن حضرت در ابلاغ برخی آیات مثل «افسانه غرانیق» آمده افترا عظیم به مقام عصمت آن بزرگوار می باشد.

(يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنَّ هُوَ إِلَّا - وَحْيٌ يُوحَىٰ) ؛ (۱) و از سر هوس سخن نمی گوید؛ این سخن به جز وحیی که وحی می شود نیست.

وحی در لغت

وحی در لغت به معانی مختلفی آمده است؛ از جمله: اشارت، کتابت، پیام، سخن پوشیده، اعلام در خفا، شتاب و عجله و به هر چه از کلام، نوشته، پیغام یا اشاره که به دیگری - و به دور از توجه دیگران - القاء و تفهیم شود وحی گفته می شود.

ابن منظور در لسان العرب می گوید:

«الوحی الاشارة و الكتابه و الرساله و الالهام و الکلام الخفی و کل ما القیته الی غیرک، و وَحَى الیه و أوحى: کلمه بکلام یخفیه من غیره» (۲).

راغب اصفهانی نیز می گوید: «وحی پیام پنهانی است که اشارت گونه و با سرعت انجام گیرد. و این ممکن است در کلامی رمزی و کنایه ای باشد و یا آوازی باشد خالی از الفاظ و کلمات و یا به صورت اشاره به بعضی از اعضا و یا به نوشتن» (۳).

البته برخی از محققین معتقدند که مخفیانه و سرعت در اصل معنای لغوی وجود نداشته است، اما در اثر استعمال عرب در این موارد، این دو ویژگی در معنای آن لحاظ شده است. (۴) لذا در استعمالات قرآنی مواردی یافت می شود که هیچ یک از این دو ویژگی در آن وجود ندارد. (۵)

ص: ۲۹

۱- (۱) . نجم، آیه ۳ و ۴.

۲- (۲) . ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ماده وحی.

۳- (۳) . راغب اصفهانی، حسین بن احمد، مفردات الفاظ القرآن، ماده وحی، شبیه این تعاریف را ابن فارس نیز ذکر کرده است.

۴- (۴) . علامه معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳.

۵- (۵) . به عنوان نمونه رجوع شود به سوره مریم، آیه ۱۱.

با توجه به آثار وحی و برداشت های بشری می توان وحی را چنین تعریف نمود.

«وحی اتصال و ارتباط معنوی است میان پیامبران الهی (علیهم السلام) و خداوند جهت دریافت پیام آسمانی، برای هدایت مردم که به جز انبیاء (علیهم السلام) کسی شایستگی و توان چنین دریافتی را ندارد». این ارتباط به سه صورت انجام می گیرد که بدان اشاره خواهد شد.

زرقانی در تعریف وحی اصطلاحی آورده است:

«اما الوحی فمعناه فی لسان الشرع: أن یعلم الله تعالی من اصطفاه من عباده کلّ ما أراد اّطلاعہ علیہ من ألوان الهدایه و العلم، و لكن بطریقہ سرّیہ خفیہ، غیر معتاده للبشر». (۱)

وحی در لسان شریعت عبارت است از تعلیم خداوند نسبت به بندگان برگزیده خویش (انبیاء) به صورت پنهان و مخفی آنچه را که در رابطه با هدایت و علم لازم باشد با روش غیر متداول میان انسان ها.

وحی در قرآن

واژه وحی در قرآن کریم در مورد فرشتگان، شیاطین، انسان، حیوان و جمادات به کار رفته است. بیشترین استعمال این واژه و مشتقات آن در خصوص وحی مربوط به پیامبران است. در استعمالات قرآن، معانی گوناگونی مورد نظر است که همگی با معنای لغوی هماهنگی دارند. (۲)

ص: ۳۰

۱- (۱). مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۶۶.

۲- (۲). جهت آگاهی بیشتر درباره «وحی در قرآن» نک: بخش اول از کتاب: جوادی آملی، عبدالله، وحی و نبوت در قرآن.

به نمونه هایی از آن موارد اشاره می شود:

۱. الهام ربّانی به ملائکه: (إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْي مَعَكُمْ...) (۱) «هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می کرد که من با شما هستم...»

۲. الهام ربّانی به انسان (غیر انبیاء): (وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ...) (۲) «و به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده...»

۳. الهام ربّانی به جمادات:

الف) (يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا* بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحِي لَهَا) (۳) «آن روز است که زمین خبرهای خود را باز گوید* همانگونه که پروردگارت بدان وحی کرده است.»

ب) (... وَ أَوْحِي فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرًا...) (۴) «... و در هر آسمانی کار آن [آسمان] را وحی [مقرر] کرد...»

۴. وسوسه شیطانی:

الف) (وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ...) (۵) «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان های انس و جن بر گماشتیم. بعضی از آنها به بعضی - برای فریب - سخنان آراسته القا می کنند...»

ب) (... وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ...) (۶) «... و در حقیقت شیطان ها به دوستان خود وسوسه می کنند تا به شما ستیزه نمایند...»

ص: ۳۱

۱- (۱). انفال، آیه ۱۲.

۲- (۲). قصص، آیه ۷.

۳- (۳). زلزله، آیه ۴ و ۵.

۴- (۴). فصلت، آیه ۱۲.

۵- (۵). انعام، آیه ۱۱۲.

۶- (۶). انعام، آیه ۱۲۱.

۵. اشاره: (فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا) (۱) «پس [زکریا] از محراب بر قوم خویش در آمد و ایشان را آگاه گردانید [اشاره کرد] که روز و شب به نیایش پردازید».

۶. هدایت غریزی: یعنی رهنمودهای طبیعی و ذاتی که در نهاد تمام موجودات به ودیعت نهاده شده است تا راه بقا و تداوم حیات خود را پیدا کنند. (وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ) (۲) «و پروردگار تو به زنبور عسل، وحی [الهام غریزی] کرد که از کوه و درخت و داربست هایی که مردم می سازند، خانه هایی درست کن».

۷. وحی نبوی: یعنی اتصال و ارتباط غیبی میان خداوند و پیامبران جهت القای پیام ها و تعالیم برای هدایت انسان ها. وحی به این معنا شاخصه نبوت است و در قرآن بیش از هفتاد مرتبه آمده است: (وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...) (۳) «و چنین قرآن فصیح عربی را به تو وحی کردیم تا مردم ام القری (شهر مکه) و هر که را که در اطراف آن است از خدا بترسانی...»

تذکر: هرچند کلمه «وحی» در قرآن و زبان عربی در معانی دیگر هم کاربرد دارد اما اطلاق آن در خصوص انبیاء (علیهم السلام) تقریباً تعین یافته است، لذا:

«ادب دینی در اسلام اقتضا می کند که ما این تعبیر را در غیر انبیاء به کار نبریم.» (۴)

اقسام وحی نبوی

بنابر تصریح قرآن کریم وحی نبوی به سه گونه است:

ص: ۳۲

۱- (۱) . مریم، آیه ۱۱.

۲- (۲) . نحل، آیه ۶۸.

۳- (۳) . شوری، آیه ۷.

۴- (۴) . طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۹۲.

وَمَا كَانَ لِيُشِيرَ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا - وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ * وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا... (۱) «و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می فرستد و بفرمان او آنچه را بخواهد وحی می کند؛ چرا که او بلند مقام و حکیم است! * همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم...»

در آیه فوق اقسام تکلیم الهی با بشر منحصرأ در سه صورت بیان گردیده است:

الف: وحی مستقیم: القای مستقیم و بدون واسطه وحی بر قلب پیامبر.

(ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى * فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى) (۲) «سپس نزدیکتر و نزدیکتر شد * تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود * در اینجا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود.»

ب: وراء حجاب: گفتار خداوند که از پشت حجاب به پیامبر القا شود و به جز پیامبر (صلی الله علیه و آله) کسی نشنود. این گونه شنیدن صوت و ندیدن صاحب صوت مانند آن است که کسی از پس پرده سخن می گوید؛ و به همین علت با تعبیر (مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ) از آن یاد شده است. وحی به حضرت موسی * به ویژه در کوه طور چنین بود و نیز وحی و گفتگو با پیامبر اسلام در قسمتی از معراج به همین گونه انجام گرفت.

ج: القای وحی به وسیله فرشته: جبرئیل * پیام الهی را بر قلب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرود می آورد؛ چنان که در قرآن آمده است: (نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ) (۳) «روح الامین آن را نازل کرده است * بر قلب (پاک)

ص: ۳۳

۱- (۱). شوری، آیه ۵۱ و ۵۲.

۲- (۲). نجم، آیه ۸ - ۱۰.

۳- (۳). شعرا، آیه ۱۹۳ و ۱۹۴.

تو، تا از انداز کنندگان باشی» و (... فَأَيُّهَا نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ...) (۱) «او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است».

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره می فرمایند: «إِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ يَنْفِثُ فِي رُوحِي». (۲) (روح القدس بر درون من می دمدم).

با توجه به آیه شریفه: (وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا...) (۳) «و همین گونه، روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم...»، و با عنایت به روایات صحیح، روشن می گردد که «وحی قرآن» از هر سه طریق بوده است، هرچند خود جبرئیل به انواع گوناگون به آن حضرت پیام می رسانده است. (۴)

چگونگی نزول وحی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هنگام نزول وحی بر خود احساس سنگینی می کرد و از شدت سنگینی که بر او وارد می شد، بدنش داغ می شد و از پیشانی مبارکش عرق سرازیر می گشت. اگر بر شتری یا اسبی سوار بود، کمر حیوان خم می شد و به نزدیک زمین می رسید.

عباده بن صامت (رضی الله عنه) می گوید: هنگام نزول وحی گونه های پیامبر (صلی الله علیه و آله) در هم کشیده می شد و رنگ آن حضرت تغییر می کرد. در آن حال سر خود را فرو می افکند و اصحاب نیز چنین می کردند. (۵)

ص: ۳۴

۱- (۱). بقره، آیه ۹۷.

۲- (۲). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۴.

۳- (۳). شوری، آیه ۵۲.

۴- (۴). مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۶۶.

۵- (۵). ابوعبدالله بصری، محمد بن سعد، طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۳۱.

در صحیح بخاری از ام المؤمنین عایشه نقل شده که حارث بن هشام از چگونگی نزول وحی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید، آن حضرت در جواب فرمودند:

«أحياناً يأتيني مثل صلصلة الجرس - وهو أشده علي - فيفصم عني وقد وعيت عنه ما قال؛ و أحياناً يتمثل لي الملك رجلاً فيكلمني فأعي ما يقول»^(۱) گاهی مانند صدای زنگ می آید و این شدیدترین حالت وحی بر من است که مرا کوفته و خسته می نماید و در عین حال همه گفته ها را حفظ می کنم. و گاه فرشته ای به صورت مردی متمثل شده آن چه می گوید حفظ می شوم. حضرت عایشه گوید: «در روز بسیار سرد، بر آن حضرت وحی نازل شد، پس از آن احساس خستگی در او دیده می شد و عرق از پیشانی مبارکش جاری می گشت».

ص: ۳۵

۱- (۱). بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۵۸.

سؤالات

۱. چرا حقیقت و کُنه وحی قابل درک نیست؟
۲. وحی در لغت و اصطلاح به چه معناست؟
۳. وحی در قرآن به چند معنا آمده است؟
۴. با توجه به آیه ۵۱ سوره شوری اقسام وحی را توضیح دهید و بگویید که قرآن از کدام قسم است؟
۵. چگونگی دریافت وحی را با ذکر روایتی توضیح دهید.

پژوهش

۱. با مراجعه به دو کتاب تفسیری، پژوهشی از تفسیر آیات ۵۱ و ۵۲ سوره شوری ارائه نمایید.
۲. دو آیه را ذکر نمایید که در آن «وحی» به معنای اصطلاحی ذکر شده باشد.

هدف کلی: شناخت نزول اجمالی و تفصیلی قرآن کریم (انزال و تنزیل).

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود پس از مطالعه این فصل، فراگیر بتواند:

۱. تفاوت قرآن را با سایر کتب آسمانی از جهت نزول بداند؛

۲. به حکمت های نزول تدریجی آیات آشنا شود؛

۳. فرق میان نزول اجمالی را با نزول تفصیلی ذکر نماید؛

۴. نظرات محققین را در رابطه با نزول قرآن توضیح دهد؛

۵. قول اصح را در رابطه با نزول قرآن با دلیل بیان کند.

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بنا بر قول مشهور در ماه ربیع الاول سال عام الفیل (۱) حدود ۵۷۰ میلادی دیده به جهان گشود. آن حضرت عادت داشتند که بر اساس آیین حضرت ابراهیم* و به خاطر دوری از انحراف های جاهلی و تقرب به خداوند، به غار حراء (۲) رفته به عبادت و نیایش (تَحَنُّث) پردازند. چهل سال از عمر پاک او می گذشت که در یکی از نوبت های مرسوم عبادت خویش، در غار حراء فرشته وحی جبرئیل امین* با پیام خداوند و نخستین آیات سوره

ص: ۳۷

۱- (۱). از آنجا که در آن سال حادثه حمله لشکر فیل سوار ابرهه به خانه کعبه و شکست آنها رخ داد، به «عام الفیل» مشهور شده است.

۲- (۲). این غار در جبل النور در شمال شرقی مکه و با فاصله ۶ کیلومتری از خانه کعبه قرار دارد.

علق بر او وارد شد و آغاز رسالت او را اعلام داشت: (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۲) «بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، همان ذاتی که انسان را از خون بسته ای خلق کرد! بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان ذاتی که بوسیله قلم تعلیم نمود، و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد».

ابلاغ این آیات به منزله ابلاغ رسالت برای پیامبر اسلام بود و آن حضرت در عالی ترین سطح اطمینان و فهم و فراست از درک این مسئولیت سنگین قرار داشت. با توجه به آیه شریفه: ... اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ... (۳) «خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد؟» و حکمت الهی از فرستادن پیامبر برای هدایت مردم و با توجه به قراین و شواهد زندگی صادقانه و خردمندانه حضرت، وقتی او به بعثت رسید با اطمینان کامل و اعتقاد قلبی و بدون هیچ تردیدی به «نبوت» خویش ایمان داشت و در طول حیات خویش لحظه ای بدین مأموریت خویش تردید ننمود.

بعد از این حادثه بزرگ، نزول قرآن به شکل آیات و سوره ها بنابر اقتضای مناسبت ها بر پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) فرود می آمد. پس قرآن کریم مجموعه آیات و سوره هایی است که پیش از هجرت و پس از آن در مناسبت های گوناگون، بر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل شده است. نزول قرآن تدریجی، به صورت آیه - آیه و سوره - سوره بوده و تا آخرین سال حیات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ادامه داشته

ص: ۳۸

۱- (۱). صحیح البخاری، ج ۱، ح بدء الوحی.

۲- (۲). سوره علق، آیه ۱ - ۵.

۳- (۳). سوره انعام، آیه ۱۲۴.

است. در دوران حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) متناسب با پیشامدها و برای رفع مشکلات و یا پاسخ به سؤال ها، مجموعه ای از آیات یا سوره ای نازل می شد که این پراکندگی در نزول، قرآن را از دیگر کتب آسمانی متمایز می کند؛ زیرا صحف ابراهیم*، الواح موسی* و سایر کتب آسمانی یکجا نازل شده اند. همین امر بهانه ای شد تا مشرکان نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عیب جویی کنند؛ چنان که در این آیه آمده است:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً... (۱) «کافران گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نگردیده؟...»

و در جواب آنان آمده: ... كَذَلِكَ لِنُبَيِّنَ بِهٖ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (۲) «این به خاطر آن است که قلب تو را به وسیله آن استوار گردانیم و [از این رو] آن را به تدریج بر تو خواندیم». در جای دیگر می فرماید: وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (۳) «قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم».

آن گونه که از قرآن استنباط می شود، حکمت تدریجی بودن نزول قرآن، آن است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان احساس کنند همواره مورد عنایت خاص پروردگار هستند و پیوسته رابطه آنان با حق تعالی استوار است. چنان که آیات وحی در موقعیت های بسیاری موجب دلگرمی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بوده است.

از عکرمه نقل شده است که خداوند قرآن را به تدریج سه آیه و چهار آیه و پنج آیه فرستاده است تا از یک طرف حفظ و ضبط آیه های قرآنی برای مسلمانان - که اکثراً جز حافظه وسیله دیگری برای ضبط آنها نداشتند - امکان پذیر باشد.

ص: ۳۹

۱- (۱). فرقان، آیه ۳۲.

۲- (۲). فرقان، آیه ۳۲.

۳- (۳). اسراء، آیه ۱۰۶.

از طرفی دیگر با نزول تدریجی آیه های قرآن، تدریجا اعتقادات و باورهای خرافی و جاهلی و رفتارهای زشت ترک گردیده و

باورهای درست و اخلاق اسلامی جایگزین آنها گردند. زیرا همان گونه که سنت آفرینش و خلقت، رشد و تکامل تدریجی است، همچنین فطرت انسانی از حیث اصلاح فقط پذیرای رشد و تکامل تدریجی است، نه تغییر و تحولات سریع و فوری؛ همان گونه که تندبادها و طوفان های ناگهانی می خروشدند و درهم می ریزند، اما نم - نم آرام و مستمر باران تا اعماق زمین نفوذ می کند. نزول قرآن به گونه تدریجی همه جای مدینه و مکه و حجاز و شبه جزیره را تدریجا متحول نمود و ابلاغ تدریجی آن دلهای آماده را در سراسر عالم مجذوب خود ساخت.

نزول اجمالی و نزول تفصیلی (انزال و تنزیل)

طبق نص صریح قرآن، نزول قرآن در ماه مبارک رمضان و در شب قدر بوده است:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... (۱) «ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است...»

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ... (۲) «ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم.»

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۳) «ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.»

از طرف دیگر بنا بر روایات متواتر و قطعی تاریخ، آیات و سوره های قرآن مجید بر خلاف کتب پیشین الهی، یک باره نازل نشده بلکه در طول دوران رسالت به اقتضای پیشرفت نهضت اسلامی و نیازهای عینی جامعه، به تدریج نازل گردیده است. علاوه بر

ص: ۴۰

۱- (۱) . بقره، آیه ۱۸۵.

۲- (۲) . دخان، آیه ۳.

۳- (۳) . قدر، آیه ۱.

روایات، وجود ناسخ و منسوخ، عام و خاص، اسباب و زمینه های نزول گواه این معناست. همان گونه که اشاره شد، این موضوع که امری نو و بی سابقه بوده، بهانه ای برای اعتراض و لجاجت مخالفان و معاندان قرآن و پیامبر اسلام به شمار می آمد.

در اینجا این سؤال مطرح می شود که چگونه نزول قرآن در ماه رمضان و در شب قدر انجام گرفته است در حالی که قرآن در طول مدت بعثت (بیست و سه سال) به تدریج و در مناسبت های گوناگون، نازل شده است؟

این سؤال سابقه دیرین در تاریخ اسلام داشته است و لذا دانشمندان اسلامی آرای مختلفی در جمع این تعارض ارائه کرده اند که به مشهورترین آنها اشاره می شود:

نظریه اول: حقیقت قرآن که در لوح محفوظ و علم الهی قرار دارد؛ (۱) دو بار نازل گردیده است. نخست به صورت کلی و یکجا در شب قدر به «بیت العزه» که آسمان دنیا است. (۲) نازل گردیده است که آن جایگاه به محاذات خانه کعبه عبادت گاه فرشتگان است.

در مرحله دوم از آنجا به صورت تدریجی و بر حسب نیاز در مدت بیست و سه سال بر نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل گردیده است. (۳)

علاوه بر این که این دو نوع نزول را از تعبیرات قرآن می توان به دست آورد؛ (۴)

ص: ۴۱

۱- (۱). اشاره به آیات: *إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ* (واقعه، آیه ۷۷ - ۸۰)؛ *بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ* (بروج، آیه ۲۱ - ۲۲).

۲- (۲). و در برخی روایات اهل البیت از آن به «بیت المعمور» در آسمان چهارم یاد شده است.

۳- (۳). البته در مورد مدت نزول تدریجی، مدت زمان ۲۰، ۲۳ و ۲۵ سال گفته شده، اما ۲۳ سال، مشهورترین آنهاست.

۴- (۴). مانند آیاتی که در آن ها از انزال و یکجا فرود آمدن سخن به میان آمده نک: بقره، آیه ۱۸۵، دخان، آیه ۳، قدر، آیه ۱، اسراء، آیه ۱۰۵، و آیاتی که در آن تنزیل و نازل شدن تدریجی ذکر شده است، نک: فرقان، آیه ۳۲ و اسراء، آیه ۱۰۶.

روایات رسیده نیز آن را تأیید می کند. سیوطی بعد از نقل این قول به عنوان صحیح ترین و مشهورترین اقوال می نویسد که: حبر الامه عبدالله بن عباس (رضی الله عنه) به نقل سعید بن جبیر می گوید:

«أنزل القرآن جمله واحده الى سماء الدنيا و كان بمواقع النجوم، و كان الله ينزله على رسوله (صلى الله عليه و آله) بعضه في إثر بعض.» (۱) قرآن کریم یکجا به آسمان دنیا فروفرستاده شد و در جایگاه ستارگان قرار داشت و خداوند از آنجا آیه ای به دنبال آیه ای دیگر به رسول اکرم (صلى الله عليه و آله) نازل می نمود.

در روایت دیگری از ابن عباس نقل شده است که گفت:

«فصل القرآن عن الذكر، فوضع في بيت العزه عن السماء الدنيا، فجعل جبرئيل ينزل به على النبي (صلى الله عليه و آله)» (۲)

از شیخ صدوق نیز در اعتقادات نقل شده است که: «نزل القرآن في شهر رمضان في ليله القدر جمله واحده إلى بيت المعمور في السماء الرابعه ثم نزل من البيت المعمور في مده عشرين سنه و أن الله أعطى نبيه العلم جمله.» (۳)

همچنین سیوطی از قرطبی نقل می کند که مسلمین اجماع دارند که قرآن دفعتاً از لوح محفوظ به بیت العزه در آسمان دنیا نازل شده است. (۴)

ص: ۴۲

۱- (۱). الاتقان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۶ و حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ح ۲۸۳۲؛ البيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي، سنن الكبرى، ج ۴، ص ۳۰۶.

۲- (۲). ابن حجر العسقلاني، احمد بن علي، فتح الباري في شرح صحيح البخاري، ج ۸، ص ۶۱۹؛ هر چند این روایات موقوف به ابن عباس هستند اما در حکم حدیث مرفوع می باشند، نک: الاتقان في علوم القرآن، ج ۱، نوع ۱۶.

۳- (۳). ابن بابويه، محمد بن علي، الإعتقادات، باب ۳۱ شبیه این روایت از امام صادق در: کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، ج ۲، ص ۲۶۹ نقل شده است.

۴- (۴). الاتقان في علوم القرآن، ج ۱، نوع ۱۶.

بنابراین، حقیقت قرآن که در لوح محفوظ قرار دارد یکجا و به صورت کلی به آسمان دنیا نازل شده است و در مرحله بعدی به صورت تدریجی و به مناسبت های گوناگون به قلب مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل گشته است.

حکمت این تعدد نزول اولاً تفخیم قرآن و بیان عظمت آن است و ثانیاً بر طرف نمودن هر گونه شک و تردید از دامن قرآن و افزودن اطمینان و ایمان به آن کلام الهی است.

نظریه دوم: قرآن در شب قدر (به حسب اختلاف روایات) از هر ماه رمضان به آسمان دنیا نازل شده است، و منظور از شب قدر و ماه رمضان، یک رمضان معین نبوده است، بلکه در ماه های رمضان و در شب قدر هر سال خداوند مقدر آیات مورد نیاز آن سال را نازل می کرده است و بعد همین آیات به تدریج پس از آن در طول سال نازل می شده است. (۱)

امام فخر رازی این قول را به عنوان یک نظریه مرجوح نقل و دلیلی برای آن اقامه نکرده است. (۲)

نظریه سوم: منظور از نزول قرآن در ماه رمضان، ابتدای نزول قرآن و آغاز بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده است که پس از آن در طول دوران بعثت به تدریج و به صورت متفرق و تفصیلی کل قرآن نازل شده است. (۳)

نظریه چهارم: قرآن دو وجود دارد، ظاهری در قالب الفاظ و عبارات، و باطنی در جایگاه اصلی خود. قرآن در شب قدر با همان وجود باطنی و اصلی و یکجا

ص: ۴۳

-
- ۱- (۱). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۲۹.
 - ۲- (۲). فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۹۳.
 - ۳- (۳). علامه معرفت این قول را ترجیح و آن را نظر بسیاری از محققین دانسته است. نک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۴۱ به بعد.

(بدون تجزیه) به قلب پیامبر فرود آمد. سپس تدریجاً با وجود ظاهری در قالب الفاظ و سوره ها در فاصله زمانی و در مناسبت های گوناگون نازل گردید. (۱)

اما ظاهر آیات قرآن، به همین قرآن که در دست رس مردم است اشاره دارد و از قرآن دیگر و حقیقت پنهان و باطنی سخنی به میان نیاورده است؛ به علاوه ابراز عظمت رمضان و ليله القدر که به خاطر نزول قرآن است، باید قابل درک مخاطبان قرآن باشد.

با مقایسه میان دو گروه از آیات، یعنی آیات مربوط به نزول کل قرآن در ماه رمضان، و آیات مربوط به نزول تدریجی آن، معلوم می گردد که هیچ گونه تنافی و تضادی میان آنها وجود نداشته و هر گروه ناظر به نوعی از نزول می باشند؛ آیاتی که نزول قرآن را یکجا و دفعتاً ذکر می کنند، اشاره به نزول آن از لوح محفوظ به جایگاه فرشتگان در بیت العزه دارند و آیاتی که تصریح به نزول تدریجی و تفصیلی آیات دارند، اشاره به ابلاغ آیات به صورت جدا - جدا به مناسبت های مختلف به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارند.

ص: ۴۴

۱- (۱). این دیدگاه را فیض کاشانی مطرح و علامه طباطبائی تکمیل نموده و در بیانات امام خمینی با اندک تفاوت ذکر شده است. نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۵ - ۱۶.

۱. چه تفاوتی در کیفیت نزول قرآن و دیگر کتب آسمانی وجود دارد؟

۲. حکمت های نزول تدریجی آیات قرآن کریم چیست؟

۳. آیاتی که نزول قرآن را دفعی و یکجا می دانند ذکر نمایید.

۴. به چه دلیل قرآن در طول بعثت (حدود ۲۳ سال) به پیامبر نازل شده است. (دو دلیل ذکر نمایید).

۵. به کدام صورت می توان میان آیاتی که نزول قرآن را دفعی و آیاتی که نزول آن را تدریجی می داند جمع نمود (خلاصه ای از چهار نظریه را ذکر نمایید).

۶. به نظر شما کدام نظریه از میان چهار نظریه در جمع بندی آیات صحیح تر است؟ چرا؟

پژوهش

۱. در مورد حکمت های نزول تدریجی قرآن تحقیق نمایید.

۲. در مورد نزول قرآن به دو صورت دفعی و تدریجی و دیدگاه مختلف در این زمینه پژوهشی همراه با نقد انجام دهید.

هدف کلی: شناخت اسامی، اوصاف، سوره ها و آیات قرآن کریم.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود پس از مطالعه این فصل، فراگیر بتواند:

۱. تفاوت قرآن و احادیث را بداند؛

۲. اسامی قرآن را ذکر نماید؛

۳. برخی از اوصاف قرآن را بداند؛

۴. سوره را از جهت لغت و اصطلاح تعریف نماید؛

۵. اولین و آخرین سوره کامل نازل شده را بداند؛

۶. آیه را لغتاً و اصطلاحاً توضیح دهد؛

۷. اولین و آخرین آیه نازل شده را بیان کند؛

۸. تعداد کل آیات قرآن مجید را بداند.

یکی از امور مسلم علوم قرآنی این است که وحی و پیام هایی که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از جانب خداوند شده است به دو گونه است: یکی: وحی جلی و قرآنی، دوم: وحی توضیحی و بیانی. قسم اول همان قرآن است که لفظ و معنا هر دو از جانب خداست، اما قسم دوم احادیث و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که معنی از جانب خدا اما الفاظ و تعبیر از طرف رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«ألا أوتیت القرآن و مثله معه» (۱)

ص: ۴۷

سیوطی از قول جُوینی نقل می کند که کلام الله نازل دو گونه است: گونه ای از آن چنان است که خداوند به جبرئیل می گوید: به پیامبری که به سوی او می روی بگو: خداوند می فرماید: چنین و چنان کن... و در این قسم، الفاظ و عبارات خاص در میان نیست. اما گونه ای دیگر از کلام الله این است که خداوند به جبرئیل می فرماید: این کتاب مرا به پیامبر بخوان، و جبرئیل نیز کلام الهی را بدون هیچ دگرگونی به پیامبر می رساند، همانطور که پادشاهی نامه ای می نویسد و به یک امین می سپارد و می گوید: این نامه را بر فلان شخص بخوان، در این صورت آن نامه رسان، کلمه یا حرفی از آن را تغییر نمی دهد.

قرآن از نوع دوم است و نوع اول همان سنت است، به همین جهت نقل به معنا در سنت جایز است اما در قرآن جز به قرائت عین متن جایز نیست، زیرا جبرئیل* آن را به لفظ آورد و اعجاز قرآن هم در همان الفاظ معین قرآن است. (۱)

زرقانی می گوید: این پندار که وحی منزل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سَنَخ معنا بوده و لفظ و تعبیر از جبرئیل یا پیامبر باشد باطل و معارض صریح کتاب، سنت و اجماع و فاقد کمترین اعتبار است. (۲)

اسامی قرآن

قرآن سخن خداوند است که بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل گشته، در مصاحف نگارش یافته و در میان مسلمین به صورت متواتر منقول و محفوظ است. (۳)

برای این کتاب با استفاده از آیات کریمه تا پنجاه و پنج عنوان ذکر شده

ص: ۴۸

۱- (۱). الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۱۶، با اندکی تلخیص.

۲- (۲). مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱.

۳- (۳). آمدی، علی بن احمد، الإحکام فی اصول الأحکام، ج ۱، ص ۸۲.

است، اما باید میان اسامی و اوصاف قرآن تفکیک نمود. برای این کلام ربانی چهار اسم در قرآن به کار رفته است که عبارتند از:

۱. قرآن: (بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ) (۱) «(این آیات، سحر و دروغ نیست، بلکه قرآن با عظمت است...»

۲. کتاب: (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ) (۲) «این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند!»

۳. ذکر: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (۳) «قرآن را نازل کردیم و ما بطور قطع نگهدار آنیم!»

۴. فرقان: (تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا) (۴) «پربرکت است ذاتی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد.»

از میان این چهار اسم، کتاب، ذکر و فرقان علاوه بر قرآن برای کتب آسمانی دیگر نیز به کار رفته است، (۵) اما عنوان قرآن به صورت اسم خاص تنها برای این کتاب آسمانی استعمال شده است.

در باره ریشه و معنای قرآن اقوال گوناگون ذکر شده است ولی مشهور این است که قرآن کلمه مهموز و از قرأ به معنای تلاوت و قرائت گرفته شده و مصدری است به معنای اسم مفعول. (۶)

بقیه عنوان ها از صفات قرآن محسوب می شوند نه اسامی آن. برخی از صفات

ص: ۴۹

۱- (۱). بروج، آیه ۲۱.

۲- (۲). ص، آیه ۲۹.

۳- (۳). حجر، آیه ۹.

۴- (۴). فرقان، آیه ۱.

۵- (۵). بقره، آیه ۵۳ و ۸۷؛ آل عمران، آیه ۴۸؛ انعام، آیه ۲۰ و ۱۵۴؛ مریم، آیه ۳۰ و انبیاء، آیه ۱۰۵.

۶- (۶). المفردات لالفاظ القرآن، ماده قرأ.

مشهور قرآن عبارتند از: تنزیل، (۱) مجید، (۲) حدیث، (۳) کریم، (۴) حکیم، (۵) مُهْمِین، (۶) نور، (۷) عظیم، (۸) عزیز، (۹) مبارک، (۱۰) مبین، (۱۱) حبل. (۱۲)

البته باید توجه داشت که عنوان «مصحف» در صدر اسلام و بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برای «قرآن مکتوب» و جمع آوری شده مطرح گردید. (۱۳) آن زمان که اولین بار در عهد ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) قرآن را در صُحف و اوراقی جمع آوری نمودند و از میان نام های گوناگونی که پیشنهاد گردید عنوان «مصحف» که توسط صحابه جلیل القدر عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) پیشنهاد گردیده بود مورد پسند واقع گردید. بعداً در زمان حضرت عثمان (رضی الله عنه) نسخه های قرآن را که بر مبنای همین مصحف استنساخ

ص: ۵۰

- ۱- (۱). یس، آیه ۵؛ شعراء، آیه ۱۹۲؛ اسراء، آیه ۱۰۶؛ انسان، آیه ۲۳.
- ۲- (۲). ق، آیه ۱.
- ۳- (۳). زمر، آیه ۲۳؛ کهف، آیه ۶؛ نجم، آیه ۵۹ و ۶۰؛ طور، آیه ۳۴.
- ۴- (۴). واقعه، آیه ۷۷.
- ۵- (۵). یس، آیه ۲ و آل عمران، آیه ۵۸.
- ۶- (۶). مائده، آیه ۴۸.
- ۷- (۷). اعراف، آیه ۱۵۷.
- ۸- (۸). حجر، آیه ۸۷.
- ۹- (۹). فصلت، آیه ۴۱.
- ۱۰- (۱۰). انبیاء، آیه ۵۰؛ انعام، آیه ۹۲ و ۱۵۵؛ ص، آیه ۲۹.
- ۱۱- (۱۱). حجر، آیه ۱.
- ۱۲- (۱۲). آل عمران، آیه ۱۰۳.

۱۳- (۱۳). علت شیوع «مصحف» پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مسأله کتابت و نگارش قرآن بود. صحیفه به چیزی که گسترده باشد اطلاق می شود و به اوراقی که روی آن می نوشتند صحیفه می گفتند و مصحف مجموعه ای از صحیفه های نوشته شده است که بین دو جلد قرار گرفته باشد. هر چند کلمه صُحف در قرآن آمده است (مانند، عبس: ۱۳ و اعلیٰ ۱۸ و ۱۹) اما در هیچ مورد به معنای قرآن مکتوب و مصطلح ذکر نشده است.

نموده به اطراف بلاد اسلامی فرستادند «مصحف های عثمانی» نام نهادند.

ابن اشته در این مورد می گوید: وقتی قرآن جمع آوری شد، در مورد نامگذاری آن بحث شد؛ عده ای نام «انجیل» و عده ای نام «سفر» را پیشنهاد دادند که مورد موافقت واقع نشد؛ ابن مسعود که در آنجا حضور داشت، گفت: من زمانی که به حبشه رفته بودم، در آنجا کتابی دیدم که آن را «صحف» می خواندند؛ از این رو، نام «مصحف» برای قرآن انتخاب شد. (۱) البته در نقل دیگری به همین مضمون، این سخن به سالم مولا ابی حذیفه نسبت داده شده است.

سوره های قرآن

(سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (۲) «این» سوره ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکر شوید!».

سوره که جمع آن «سور» است به معنای بلندی، علو و منزلت است. (۳)

از آنجا که سوره کلام خداوند است، دارای شرافت والا و منزلت رفیع است؛ و یا آنکه قرائت و تلاوت آن سبب رفعت شأن و برتری مقام قاری می گردد.

برخی آن را از «سور» به معنای دیوار بلند گرداگرد شهر دانسته اند؛ زیرا هر سوره آیاتی را در بر گرفته و به آن احاطه دارد، مانند حصار شهر که خانه ها را در بر گرفته است. (۴)

ص: ۵۱

۱- (۱). زرگشی، البرهان فی علوم القرآن، ص ۲۸۱؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ص ۵۸.

۲- (۲). نور، آیه ۱.

۳- (۳). ابن فارس می گوید: السین و الواو و الزاء اصلٌ واحدٌ یدلُّ علی علو و ارتفاع.

۴- (۴). راغب اصفهانی گوید: سورُ المدینه، حائطها المشتمل علیها و سوره القرآن تشبهاً بها لكونه محاطاً بها احاطه السور بالمدینه.

در اصطلاح تفسیر و علوم قرآنی به مجموعه ای از آیات گفته می شود که با «بسمله» از همدیگر جدا می شوند و دارای ساختار ویژه و هدف خاص می باشند. کمترین شماره آیات در یک سوره سه آیه است مانند سوره های کوثر و عصر و بیشترین آنها ۲۸۶ آیه است یعنی سوره بقره.

قرآن با ۱۱۴ سوره نازل شده و به همین صورت فعلی، نه کم و نه زیاد از طریق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با نقل صحابه و تابعین به ما رسیده است، این عدد متواتر است؛ زیاد بر این فاقد اعتبار و کمتر از این فاقد دلیل است. (۱)

تقسیم قرآن به سوره ها و تقسیم سوره ها به آیات از جانب خداوند حکیم حتماً دارای اسراری است که سهولت در فراگیری و حفظ، محفوظ ماندن قرآن از تحریف، بیان اعجاز قرآن حتی در سوره ها کوچک می تواند بخشی از آن باشد.

نخستین سوره کامل که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل گردید سوره حمد است و به همین خاطر به فاتحه الکتاب مشهور شده است و آخرین سوره کامل، سوره «نصر» است. (۲)

هر کدام از سوره های قرآن دارای یک یا چند نام توقیفی است، همچنانکه ممکن است برخی از نام های سُور به خاطر مناسبتی با محتوا یا داستان آن سوره در طول تاریخ تعیین یافته باشد. (۳)

از گفتار برخی دانشمندان به دست می آید که ترتیب سوره ها به شکل کنونی در دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اتفاق افتاده است چرا که قرآن در لوح محفوظ به

ص: ۵۲

۱- (۱). التمهید فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۸۷.

۲- (۲). نقل ابن عباس (رضی الله عنه).

۳- (۳). زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، نوع ۱۴.

همین صورتی که در مصاحف فعلی ما وجود دارد، نوشته شده بود. (۱)

اما باید توجه داشت که ترتیب و تنظیم سوره های قرآن (نه چینش آیات در ضمن سوره ها) توسط اصحاب مکرم بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از امور مسلم تاریخ است، هرچند که این اجتهاد در تعداد اندکی از سوره اتفاق افتاده باشد.

البته می توان اجتهاد صحابه را در ترتیب کنونی سوره نشأت گرفته از روایت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دانست که به صورت مرفوع نقل شده است:

«اعطیت السبع الطوال مکان التوراه، و أعطیت المئین مکان الإنجیل، و أعطیت المثنی مکان الزبور، و فضلت بالمفصل». (۲)

(به جای تورات هفت سوره بزرگ قرآن و به جای زبور، سوره های صدگان و به جای انجیل مثنی (سوره هایی که بسیار خوانده می شود) بر من اعطا شده و برتری یافتم بر اعطاء مفضلات (سوره های کوتاه که مکرر با بسم الله از هم جدا می شود).

آیات قرآن

آیه به معنای علامت و نشانه روشن است. راغب اصفهانی می نویسد:

«الآیه هی العلامه الظاهره» (۳)

هر آیه از قرآن نشانه ای بر درستی سخن حق تعالی است. جاحظ گوید: «خداوند کتاب خود را - کلاً و بعضاً - بر خلاف شیوه عرب نامگذاری کرد. تمام

ص: ۵۳

۱- (۱). البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۱. این دیدگاه را ارتباط و تناسب آیات پایانی هر سوره و آیات آغازین سوره بعدی تأیید می کند، هرچند که این موضوع را نمی توان میان تمامی سوره قرآن به تصویر کشید.

۲- (۲). البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، نوع ۱۴، ص ۳۴۱.

۳- (۳). المفردات لالفاظ القرآن، ج ۱، ص ۱۰۱.

آن را قرآن نامید، چنانکه عرب مجموع اشعار یک شاعر را دیوان می گوید: قسمتی از آن را سوره نامید، مانند قصیده ی دیوان و قسمتی از سوره را آیه نامید، همانند هر بیت در قصیده». (۱)

اصطلاح آیه برای قسمتی از سوره در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رایج و متعارف بوده است. در قرآن آمده:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) (۲) «مؤمنان حقیقی کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فروتر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند».

از عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) نقل شده که می‌گفت: «ما ده آیه ده آیه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌آموختیم و بعد از حفظ و عمل بدان‌ها، ده آیه دیگر فرا می‌گرفتیم». (۳)

لازم به توضیح است که اشتمال هر سوره بر تعدادی آیه و ترتیب و چینش آیات قرآن کریم، یک امر توقیفی است و کم و زیاد بودن آیه‌های هر سوره با دستور خاص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انجام گرفته و همچنان بدون دخل و تصرف باقی است و در این امر، سرّی نهفته است که مربوط به اعجاز قرآن و تناسب آیات می‌باشد.

جلال‌الدین سیوطی می‌گوید:

«وَأَمَّا الْجَمْعُ الْآخِرُ وَهُوَ جَمْعُ الْآيَاتِ فِي السُّورِ، فَهُوَ تَوْقِيفِي تَوَلَّاهُ النَّبِيُّ، كَمَا أَخْبَرَ بِهِ جَبْرِئِيلُ عَنِ امْرِئِ رَبِّهِ» (۴) جمع دیگر، جمع آیات در داخل سوره هاست که آن

ص: ۵۴

۱- (۱). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲- (۲). انفال، آیه ۲.

۳- (۳). الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۸.

۴- (۴). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، نوع ۱۸.

توقیفی و با نظارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر اساس دستور خداوند و خبر جبرئیل صورت گرفته است.

اولین آیاتی که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل گردید پنج آیه اول سوره مبارکه علق است (۱) و آخرین آیه نازل بر آن حضرت آیه ۲۸۱ سوره مبارکه بقره می باشد:

(وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ)

«و از روزی پرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا باز می گردانند سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می بینند، نتایج اعمال خودشان است)». (۲)

در مورد تعداد آیات قرآن با توجه به علامت گذاری های قرآن اختلاف اقوال وجود دارد که صحیح ترین آنها رقم ۶۲۳۶ آیه است. (۳)

ص: ۵۵

-
- ۱- (۱). صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳؛ ابن قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح المسلم، ج ۱، ص ۹۷.
 - ۲- (۲). البته برخی آیات ۲۸۰ و برخی ۲۸۲ بقره را آخرین آیات دانسته اند که با هم قابل جمع است. برخی دیگر از دانشمندان آیه سوم سوره مبارکه مائده را که در حجه الوداع نازل گشت آخرین آیه دانسته اند، اما با توجه به شواهد قطعی تاریخی مبنی بر استمرار وحی تا آخرین ایام رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) این احتمال بعید به نظر می رسد. نک: الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۷؛ و مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۹۷ - ۱۰۰.
 - ۳- (۳). روحانی، محمود، المعجم الإحصائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱ ص ۲۵. و الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۱۸۹ - ۱۹۰.

۱. چه تفاوتی میان قرآن و احادیث وجود دارد؟
۲. اسامی قرآن را ذکر نموده بفرمایید که کدام یک مشترک میان کتب آسمانی و کدام یک خاص قرآن است؟
۳. در باره ریشه و معنای لفظ «قرآن» توضیح دهید.
۴. سوره را از جهت لغت و اصطلاح توضیح و اولین و آخرین سوره نازل را ذکر نمایید.
۵. آیه به چه معناست و ترتیب آنها توسط چه کسی انجام پذیرفته است؟
۶. قرآن کریم چند آیه دارد؟ اولین و آخرین آیات نازل کدام است؟

پژوهش

۱. درباره نام گذاری قرآن به مصحف پژوهشی انجام دهید.
۲. با مراجعه به منابع معتبر، تحقیقی پیرامون اسامی و ترتیب سوره های قرآن انجام دهید.

هدف کلی: آشنایی با معیار تقسیم آیات و سوره ها به مکی و مدنی و نشانه های شناخت هر کدام.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود فراگیر پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. فایده و ضرورت شناخت آیات و سوره های مکی و مدنی را بداند؛

۲. معیار شناخت آیات مکی و مدنی را بداند؛

۳. ملاک تشخیص سوره ها و آیات مکی و مدنی را بشناسد؛

۴. برخی از نشانه های سوره ها و آیات مکی را بداند؛

۵. تعداد سوره ها و آیات مکی و مدنی را بداند.

دوران نبوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از دو بخش تقریباً برابر تشکیل شده است. آن حضرت در زادگاه خویش (مکه) در ۴۰ سالگی به مقام نبوت رسید و بعد از سه سال دعوت مخفیانه در شهر مکه، با نزول آیات (فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ...) (۱) به مدت ۱۰ سال به دعوت علنی پرداخت. اکثر آیات قرآن کریم در همین سیزده سال حضور ایشان در مکه فرود آمد.

در سال ۱۳ بعثت بعد از شکنجه ها و آزارهای روحی و جسمی مشرکین، آن حضرت (صلی الله علیه و آله) با همراهی اکثر مسلمین به یثرب که بعداً «مدینه النبی» نام گرفت

ص: ۵۷

هجرت کردند. ایشان با ورود به مدینه به تشکیل مجتمع و دولت اسلامی پرداخت و در نخستین گام دست به تأسیس مسجد برای پایگاه دعوت و عبادت موحدین زد. حیات اسلام در مدینه با فراز و نشیب های فراوان روبرو بود که مواجهه با اهل کتاب پیدایش منافقین، جنگها و نبردها با مشرکین و... از عمده ترین آنهاست. لذا بخش دیگری از آیات قرآن در این شرایط و در همین مکان فرود آمده است.

به آیات و سوره هایی که قبل از هجرت نازل شده باشد، مکی و آیات و سُوری که بعد از هجرت نازل شده باشد، مدنی گویند.

فایده و ضرورت شناخت آیات مکی و مدنی

از آنجا که نزول قرآن کریم به صورت تدریجی بوده است، شناخت مراحل نزول آیات، وضع احکام به صورت تدریجی، شناخت اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، مبین از مجمل در موضوعات فقهی، کلامی و تشریحی تنها از راه شناخت آیه ها و سوره های مکی از مدنی میسر است.

آگاهی از سیر دعوت و مراحل تشریح احکام که تنها در سایه شناخت آیات مکی از مدنی ممکن است، شرط اساسی در فهم تفسیر قرآن مجید محسوب می شود.

معیار تقسیم به مکی و مدنی

در تقسیم بندی سوره ها به مکی و مدنی سه معیار وجود دارد:

الف) معیار زمانی: بیشتر مفسران معتقدند که معیار مکی و مدنی بودن، هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از مکه به مدینه است. هر سوره ای که پیش از هجرت نازل شده مکی و هر سوره ای که پس از هجرت نازل شده است مدنی به شمار

می رود، خواه در مدینه نازل شده باشد، خواه در سفرها. حتی اگر سوره ای در مکه و هنگام سفر حج یا عمره و یا پس از فتح مکه نازل شده باشد، چون پس از هجرت بوده است، مدنی محسوب می شود.

ملاک هجرت نیز ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه است؛ بنابر این آیاتی که پس از هجرت از مکه و پیش از ورود به مدینه، در راه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است، مکی محسوب می شود.

طبق این معیار آیه سوم مائده: (... الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ...) که در حجه الوداع نازل شده و قسمت اعظم سوره فتح که در صلح حدیبیه نازل شده است مدنی محسوب می شود، هر چند در مکه یا نزدیکی مکه نازل شده باشد.

ب) معیار مکانی: طبق این معیار هر چه در شهر مکه و پیرامون آن نازل شده مکی است و هر چه در مدینه و پیرامون آن نازل گردیده باشد مدنی است، خواه پیش از هجرت یا پس از آن نازل شده باشد. اشکال این معیار در آن است که آنچه در غیر این دو منطقه نازل شده باشد نه مکی است و نه مدنی.

ج) معیار خطابی: هر سوره ای که در آن، خطاب به مشرکان باشد مکی و هر سوره ای که در آن خطاب به مؤمنان باشد، مدنی است؛ زیرا در مکه غلبه با مشرکان و در مدینه غلبه با مؤمنان بوده است. اما این معیار نمی تواند عمومیت داشته باشد و تمامی آیات را شامل شود.

همانطور که گفته شد از میان سه معیار فوق، معیار زمان، گزینش بیشتر مفسرین است. (۱)

ص: ۵۹

برای تشخیص سوره های مکی و مدنی، ملاک هایی را مشخص کرده اند که هر یک به تنهایی نمی تواند ملاک جامع و مانعی باشد؛ بلکه روی هم رفته تا حدودی تعیین کننده است.

ملاک تشخیص مکی و مدنی یا نقل و خبر است - که اصطلاحاً سماعی می گویند - یا اجتهاد و شواهد ظاهری؛ مانند: جمله بندی، سجع و وزن و کوتاهی و بلندی آیات و سوره ها و یا شواهد محتوایی است؛ مثل: بیان اصول عقاید یا احکام، برخورد با کفار یا منافقین و....

به طور کلی دو راه و ضابط برای تشخیص سوره های مکی از مدنی وجود دارد که عبارتند از:

۱. نص و خبر (سماعی)؛ ۲. علایم ظاهری و محتوایی آیات (اجتهادی).

در مورد راه اول سخنان منقول از صحابه و تابعین (رضی الله عنهم) که آنها نیز از اصحاب نقل کرده اند راه گشاست؛ زیرا اصحاب رسول اکرم خود شاهد نزول آیات بودند و مستقیماً کلام الهی را از رسول خدا دریافت می نمودند. به همین خاطر آنها می دانستند که چه آیه ای در کجا و چه وقتی و در باره کدام امری نازل شده است. هرچند که با توجه به تقدّم و تأخر گزیدن اصحاب به اسلام میزان آگاهی آنها یکسان نبوده است.

به عنوان نمونه عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) از صحابگانی است که شاهد نزول تمامی قرآن بوده است. ایشان بنا بر نقل زرکشی می گویند:

«هر سوره ای که در آن (یا أیها الناس) یا (کلا) آمده باشد یا در ابتدای آن حروف مقطعه باشد - به جز سوره های بقره، آل عمران و رعد که مدنی اند - یا در آن قصه

آدم و ابلیس آمده باشد - جز سوره های طولانی مانند بقره - یا سوره ای که در آن سرگذشت انبیای سلف و امت های گذشته آمده باشد، مکی است و هر سوره ای که در آن از فریضه و تکالیف و حدود شرعی سخن گفته شده باشد، مدنی است»^(۱).

همچنین سیوطی از ابی الطفیل نقل می کند که گفت: شاهد بودم که حضرت علی (رضی الله عنه) خطبه می خواند و در ضمن آن فرمود:

«سَلُونِي فَوَاللَّهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَخْبَرْتُكُمْ وَ سَلُونِي عَنِ كِتَابِ اللَّهِ فَوَاللَّهِ مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَأَنَا أَعْلَمُ أَبْلِيلٍ نَزَلَتْ أُمَّ بِنَهَارٍ أُمَّ فِي سَهْلٍ أُمَّ فِي جَبَلٍ»^(۲) از من پرسید که سوگند به خدا از هر چیزی پرسید به شما خبر خواهم داد. و از کتاب خدا پرسید که سوگند به او، هیچ آیه ای نیست مگر این که من می دانم که در شب نازل شده یا در روز، در بیابان فرود آمده یا در کوه.

در مورد راه دوم برخی ویژگیهایی وجود دارد که ما را در شناخت آیات و سوره های مکی و مدنی کمک می کنند، بعضی از این خصوصیات مربوط به الفاظ و ظاهر آیات می شود و بعضی دیگر مربوط به محتوا و معانی. اینک به مواردی اشاره می شود:

کوتاهی آیات درون یک سوره و نیز کوتاهی خود سوره، نوعاً مکی بودن آن را می رساند و بلندی آیه های یک سوره علاوه بر بلندی سوره، نوعاً مدنی بودن آن را ثابت می کند.

لحن تند و شدید سوره، بیشتر با اهل مکه است که اهل عناد و لجاج و مقاومت در مقابل حق بوده اند؛ ولی لحن ملایم و خفیف، بیشتر مدنی بودن سوره را می رساند که بیشتر خطاب به مؤمنین است.

ص: ۶۱

۱- (۱). البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲- (۲). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۷.

بحث در باره اصول دین (توحید، نبوت و معاد) و اصل ایمان و دعوت به اسلام و به تصویر کشیدن صحنه های قیامت از ویژگی های سوره های مکی است؛ حال آنکه در سوره های مدنی، بیشتر از تفصیل احکام و بیان شریعت اسلام سخن گفته شده است.

دعوت به پایبند بودن به اخلاق و استقامت در رأی و سلامت عقیده و ترک لجاج و عناد و نیز برخورد تند با عقاید باطل مشرکان و ناچیز شمردن اندیشه های تهی و بی اساس آنان، از خصایص سوره های مکی است؛ ولی برخورد با اهل کتاب و دعوت آنان به میانه روی در عقاید و اندیشه ها و همچنین مبارزه با منافقین و ذکر خصایص و صفات آنها، کثرت ذکر جهاد و احکام آن از ویژگی های سوره های مدنی است.

غالباً خطاب هایی که با عنوان (یا ایها الناس...) آمده است از ویژگی های سوره های مکی است و عنوان (یا ایها الذین آمنوا...) از خصایص سوره های مدنی است.

۱. هر سوره ای که با حروف مقطعه شروع شود - به جز بقره و آل عمران - مکی است که ۲۷ سوره را تشکیل می دهند.

۲. معمولاً سوره هایی که با سوگند شروع می شوند مکی اند.

البته این ویژگی ها هرگز کلیت ندارد؛ و مواردی بر خلاف آن وجود دارد، اما در صورتی که چندین خصیصه با هم جمع باشد و نص معارضی نیز در میان نباشد، قابل اعتماد است و موجب قوت احتمال می شود و در این حالت است که برای مفسر، کاربرد فقهی، تاریخی و... خواهد داشت.

تعداد سوره ها و آیات مکی و مدنی

سیوطی در روایتی از ابن عباس نقل می کند که از مجموع ۱۱۴ سوره قرآن ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی می باشد.

از مجموع شش هزار و دویست و سی و شش (۶۲۳۶) آیه، ۴۴۶۸ آیه مکی و ۱۷۶۸ آیه مدنی می باشد. (۱)

قابل ذکر است که در مورد مکی یا مدنی بودن برخی از سوره های قرآن کریم اختلاف نظر وجود دارد، شاید علت این اختلاف به خاطر وجود برخی آیات مدنی در سوره مکی یا بر عکس و یا به خاطر اختلاف در معیارها و ملاک های مکی و مدنی شمردن سوره هاست. طبیعی است که در مکی و مدنی شمردن سوره ها با توجه به انتخاب یکی از معیارهای زمانی، مکانی و یا خطابی نتیجه مختلف خواهد بود.

نکته قابل دقت این است که بیشتر محققین بر اساس ملاک زمانی بر آنند که مکی یا مدنی شمردن هر سوره آغاز هر سوره مد نظر است. بنابر این اگر چند آیه از آغاز یک سوره قبل از هجرت و در مکه نازل شده باشد، بعد سوره ای دیگر در مدینه نازل و سپس آیات سوره نخست در مدینه، تکمیل شود، در ترتیب نزول، سوره اول بر سوره دوم مقدم و از سوره مکی محسوب می شود.

راه دیگری که مورد توجه مفسرین می باشد غلبه حجم آیات در هر سوره است؛ بدین معنی که اگر حجم بیشتر یک سوره را آیات مکی شکل بدهد، آن سوره مکی و اگر اکثریت با آیات مدنی باشد، مدنی خواهد بود.

ص: ۶۳

۱. شناخت سوره ها و آیات مکی و مدنی چه فایده ای دارد؟
۲. معیارهای تقسیم سوره ها و آیات، به مکی و مدنی چند تاست و کدام یک مورد پذیرش بیشتر محققین می باشد؟
۳. دو ضابطه کلی را برای شناخت سوره ها و آیات مکی و مدنی بیان کنید.
۴. برخی از نشانه های سُور و آیات مکی و مدنی را ذکر نمایید.
۵. تعداد سوره ها و آیات مکی و مدنی را بیان کنید.

پژوهش

۱. با انتخاب یک سوره مکی و یک سوره مدنی علت انتخاب خود را با ذکر نشانه های ذکر شده توضیح دهید.
۲. اگر قسمتی از آیات یک سوره در مکه و قسمتی دیگر در مدینه نازل شده باشد، آن سوره مکی است یا مدنی؟ چرا؟ در این زمینه معیاری را ذکر نمایید.

هدف کلی: آشنایی با اسباب نزول و نقش آن در تفسیر قرآن کریم.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود فراگیر پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. اسباب نزول را تعریف نماید؛

۲. فواید شناخت اسباب نزول را بداند؛

۳. قاعده «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» را شرح دهد؛

۴. راه های به دست آوردن اسباب نزول را بیان نماید.

همان طور که اشاره شد آیات قرآن در طول بعثت و در مناسبتهای مختلفی نازل شده است. برخی از آیات در پاسخ سؤالی یا در هنگام پیش آمدن مشکلی و برخی دیگر به هنگام وقوع حادثه یا... نازل گشته است. البته قسمت دیگر آیات بدون سبب خاص و تنها به خاطر هدایت و ارشاد مردم نازل شده است.

زمینه ها و شرایطی را که باعث نزول آیه یا آیاتی شده باشد «اسباب نزول» یا «شأن نزول» می نامند. (۱)

ص: ۶۵

۱- (۱). البته برخی میان اسباب نزول و شأن نزول تفاوت قایل شده اند، به نظر آنها شأن نزول اعم از سبب نزول است؛ زیرا تمامی آیات درباره یک موضوع یا موضوعاتی مثل عصمت انبیاء، تشریح حکمی نازل شده که به آن شأن نزول گویند، اما سبب نزول حادثه یا پیشامدی است که به دنبال آن آیه یا آیاتی نازل شده است و علت نزول آیه همین پیشامد بوده است. نک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱.

در اینجا به یک نمونه از شأن نزول که در فهم آیه تأثیر دارد اشاره می‌شود. حاکم نیشابوری با سند صحیح از ابن عباس روایت می‌کند:

ولید بن مغیره خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و آن بزرگوار برای او قرآن مجید را تلاوت کرد، مثل این که ندای روح پرور قرآن دل او را نرم کرد. این خبر به ابوجهل رسید. به نزد او آمد و گفت: ای عمو، قومت می‌خواهند که برای تو مال و ثروت جمع کنند. گفت: برای چه؟ ابوجهل گفت: برای این که به تو ببخشند چون تو نزد محمد رفته‌ای تا از دارایی او استفاده کنی. گفت: قریش خوب می‌داند که من ثروتمندترین آنها هستم. ابوجهل گفت: پس در این صورت در باره محمد سخنی بگو تا قومت مطمئن شود که تو سخنان او را نپذیرفته‌ای و از او متنفر هستی. ولید گفت: چه بگویم به خدا سوگند، در بین شما کسی پیدا نمی‌شود که به فنون شعر از من بیشتر آگاه باشد. سخنان او به هیچ یک از انواع کلام انسان‌ها شباهت ندارد، نه به رَجَز (اشعاری که روز نبرد در مقام مفاخرت گفته می‌شود) نه به قصیده و نه به اشعار جن. سوگند به خدا سخنان محمد به هیچ کدام از انواع شعر شباهت ندارد. به خدا قسم گفتار او از شیرینی و حلاوت خاصی برخوردار است کلامش بهجت آفرین و زیباست، اولش درخشان و آخرش فروزان است مدارج سخنش رفیع، و بالاتر از آن سخنی نیست و غیر خود را شکست می‌دهد. ابوجهل گفت: تا عیب او را نگوئی قبیله ات از تو راضی و خشنود نمی‌شوند. گفت: مرا بگذار تا در این مورد بیندیشم. بعد از مدتی تفکر گفت: سخنان محمد (صلی الله علیه و آله)، سحر و جادویی است که بر دیگران اثر می‌گذارد و خود او این جادو را از دیگری می‌آموزد. پس خدای متعال در این خصوص آیه (ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا) را نازل کرد. (۱)

ص: ۶۶

۱- (۱). اسناد این روایت به شرط بخاری صحیح است. واحدی در «اسباب النزول» ۸۴۲، حاکم در المستدرک ۵/۵۰۶ و بیهقی در «دلائل» ۱۹۸/۲ و ۱۹۹ به همین معنی روایت کرده‌اند. حاکم و ذهبی این را به شرط بخاری صحیح می‌دانند، هرچند برخی اشکالاتی در راویان این نقل ذکر کرده‌اند، اما اصل خبر با طرق و شواهدش صحیح است. نک: «کشاف» ۱۲۵۰ و «فتح القدير» ۲۶۰۶ و «تفسیر بغوی» ۲۲۹۳.

همچنین در پاسخ سؤال مسیحیان نجران که در باره خداوند از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) پرسیده بودند، سوره اخلاص نازل شد که سؤال آنها سبب و علت نزول این سوره بوده است. (۱)

روشن است که آیات نازل شده در هر مناسبتی به همان حادثه و مناسبت نظر دارد و فهم صحیح آن آیه مشروط به دانستن اصل حادثه یا سؤال است. بنابراین برای دانستن تفسیر کامل هر آیه باید به شأن و سبب نزول آن رجوع کرد.

بنابر این آگاهی از شأن نزول آیات در تفسیر درست قرآن کریم نقش مهمی دارد و از این رو دانشمندان علوم قرآن و محدثان سعی فراوانی در جمع آوری «اسباب نزول» داشته اند. در منابع اولیه حدیثی، (۲) در ضمن دیگر مباحث به شأن نزول برخی آیات اشاره شده و در این موضوع تصنیفات مستقلی نیز صورت گرفته است. جلال الدین سیوطی قدیمی ترین تألیف در این زمینه را از علی بن مدینی استاد بخاری می داند. (۳) خود جلال الدین سیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱) و قبل از او واحدی نیشابوری (م. ۴۶۸) نیز تألیف مستقلی در این باب انجام داده اند و در میان معاصرین نیز تلاش هایی در این موضوع انجام شده است.

فواید شناخت اسباب نزول

اشاره

شناخت اسباب نزول آیات فوایدی دارد که مهمترین آنها عبارت است از:

ص: ۶۷

۱- (۱). واحدی نیشابوری، اسباب النزول، ذیل سوره اخلاص.

۲- (۲). همانند بخاری و مسلم.

۳- (۳). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ نوع ۹.

اول: به دست آوردن حکمت و فلسفه ای که سبب تشریح حکمی در قرآن شده است.

دوم: هر سخن در مواقع مختلفی، معانی مختلف می دهد و برای درک درست سخن، فهم جهات خارجی و قراین دیگر نیز لازم است. تشخیص اینکه مراد از سخن، استفهام، توبیخ، سرزنش، تأکید و یا احیاناً استهزاء است، بستگی به چگونگی بیان آن و قراین و امارات دیگر دارد. شناسایی سبب نزول نیز مانند دیگر قراین و امارات برای درک معانی و کلام خداوند ضروری است. (۱)

به هر حال فهم صحیح و کامل تفسیر برخی از آیات قرآن مجید بدون علم به زمینه های نزول ناممکن است.

به عنوان نمونه، خداوند در سوره بقره می فرماید:

(وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (۲) «مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی نیاز و داناست.»

این آیه در ظاهر با آیاتی که دلالت صریح دارند که حتماً رو به کعبه نماز بخوانید (۳) منافات دارد.

ص: ۶۸

۱- (۱). جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، ص ۹۶.

۲- (۲). بقره، آیه ۱۱۵.

۳- (۳). مانند آیه (۱۴۹ بقره): (وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ) «از هر جا (و از هر شهر و نقطه ای) خارج شدی، (به هنگام نماز)، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست!» و (۱۵۰ بقره): (وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاحْشَوْنِي وَ لِلَّيْمِ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) «و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند» (زیرا از نشانه های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می خواند.) از آنها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید!».

ظاهر آیه شریفه دلالت بر این امر دارد که قبله جهت خاصی ندارد و هر سمت که نماز بخوانید مورد قبول خداوند است. اما شأن نزول آیه در فهم درستِ مراد آن به ما کمک می کند.

سبب نزول آیه چنین است که بعد از تغییر قبله از جانب بیت المقدس به سوی کعبه، یهودیان به مسلمین اعتراض می کردند که اگر نماز گزاردن به سوی بیت المقدس حق است، آن گونه که تا کنون عمل می کردید پس تحویل آن به سوی کعبه باطل است و نمازهای شما از این به بعد نادرست است؛ و اگر رو به سوی کعبه نماز خواندن حق است پس تمامی نمازهایی که تا کنون خوانده اید باطل است. خداوند این آیه را نازل کرد و فرمود که هر دو کار در زمان خودش حق بوده و هست، زیرا اصل نماز یک حقیقت ثابت ولی رو به سوی کعبه یا بیت المقدس یک امر اعتباری است که برای ایجاد وحدت در صفوف نماز گزاران و توجه به نقطه واحد، دستور داده شده است. به هر جا که رو کنی خدا هست و رو به خدا استاده ای، پس رو به مشرق نماز گزاردن به جهت قرار داشتن کعبه (مکه) در شرق مدینه و رو به مغرب نماز خواندن به دلیل قرار داشتن بیت المقدس در غرب مدینه همگی از آن خداست و رو به خداست. خداوند در تنگنای جهت خاص قرار نگرفته است: (إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (۱)

العبره بعموم اللفظ

فقها و علمای اسلامی معتقدند که اگر آیه معنای عامی داشت، هر چند سبب خاصی باعث نزول آن شده باشد، تنها به افراد مربوط به آن سبب محدود

ص: ۶۹

۱- (۱). سیوطی، جلال الدین، اسباب النزول، لباب النقول فی اسباب النزول.

نمی‌گردد، بلکه شامل آن افراد و دیگر نیز خواهد شد. این موضوع به صورت یک قاعده کلی تحت عنوان:

«العبره بعموم اللفظ لا بخصوص المورد»؛ (اعتبار به گستردگی لفظ است نه خصوصیت مورد) در آمده است که با تمسک به آن احکامی از آیات استنباط می‌شود. یک مفسرِ توانا باید این قدرت علمی را داشته باشد که خصوصیات مورد نزول آیه را کنار بگذارد و از جنبه‌های عمومی لفظ بهره بگیرد. (۱) البته جنبه‌های خصوصی و مورد نزول برای فهم کلام مفید و ضروری است، ولی انحصار را نمی‌رساند (۲) زیرا احکام الهی فرا زمانی و زَبَر مکانی و جاودانی است.

سیوطی در مورد عمومیت لفظ می‌گوید:

عموم لفظ معتبر است؛ چرا که آیاتی در اسباب خاص نازل شده‌اند، ولی در عمومیت مفاد آن آیات اتفاق نظر وجود دارد؛ مثل نزول آیه ظهار در شأن سلمه بن صخر و آیه لعان در شأن هلال بن امیه. (۳)

اساساً اگر مفاد آیات را مختص به مورد نزولش بدانیم، بسیاری از آیات قرآن کریم، کاربرد خویش را از دست می‌دهند و قرآن مربوط به گذشته‌ها بوده و پیامی برای آیندگان نخواهد داشت که قطعاً هیچ مسلمانی نمی‌تواند چنین اعتقادی داشته باشد. فی المثل اگر حد سرقت در آیه، (۴) قطع دست تعیین شده،

ص: ۷۰

۱- (۱). مثلاً خداوند در آیه هفتم سوره انبیاء می‌فرماید: (... فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) «اگر چیزی را نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید». یقیناً این آیه منحصر در مورد نزول نخواهد بود.

۲- (۲). مگر اینکه با نص قطعی انحصار آن ثابت شود.

۳- (۳). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۹۶.

۴- (۴). (وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَتَبْنَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) «دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است». (مائده، آیه ۳۸).

تنها در مورد واقعه ای که سبب نزول این آیه شده اجرا نمی گردد، بلکه یک حکم الهی برای همگان است که به موارد مشابه با آن سبب خاص سرایت می کند.

چقدر زیبا فرموده است امام محمد باقر (رضی الله عنه) که: وقتی آیه ای راجع به قومی نازل شده اگر پس از آنکه آن قوم مردند آن آیه نیز بمیرد، از قرآن چیزی باقی نخواهد ماند. ولی همه قرآن، تا آسمان ها و زمین هست، جاری است. (۱)

دستیابی به اسباب نزول

دست یافتن به اسباب نزول تنها از راه نقل روایات میسر است. واحدی گفته است: سخن در زمینه اسباب نزول، جز به روایت و شنیدن از آنانی که شاهد و واقف بر نزول آیات بوده اند مجاز نیست نه آنکه از روی حدس و گفته های بی اساس، سخنی گفته باشند (۲) از طرفی پیشینیان و اسلاف ما در این زمینه جز روایات معدود و اندک ثبت و ضبط نکرده اند. شاید یکی از عوامل عدم جمع آوری روایات این موضوع در صدر اسلام آشنا بودن خود آنها به موارد نزول و عدم نیاز بوده و احیاناً در طول تاریخ در مواردی اعمال غرض نیز در کار بوده است. لذا امام احمد بن حنبل می گوید:

«ثلاثه لا اصل لها: المغازی و الفتن و التفسیر» سه چیز اصل و پایه درستی ندارد: روایاتی که در باره جنگهای صدر اسلام ثبت شده، روایاتی که درباره فتنه های آخر الزمان گفته شده و روایاتی که درباره تفسیر و تأویل قرآن آورده اند. امام بدرالدین زرکشی بعد از نقل این سخن از برخی محققین نقل می کند که:

مقصود ایشان این است که اکثر روایات در این زمینه قابل اعتماد نیست، نه اینکه همه آنها قابل اعتماد نباشند. (۳)

ص: ۷۱

۱- (۱). مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۹۷.

۲- (۲). واحدی، اسباب نزول، ص ۱۲.

۳- (۳). البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۵۶.

به هر حال برای به دست آوردن سبب نزول آیات، منابعی که امروز در اختیار داریم اعم از جوامع حدیثی و تفسیری مورد استفاده واقع می شود و البته باید جانب احتیاط و کمال دقت رعایت شود، زیرا در این موضوع صحیح و سقیم در هم آمیخته شده است.

این روایات همانند سایر روایات می بایست اولاً: از جهت سندی به خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا اصحاب آن بزرگوار یا تابعین خبره در رشته تفسیر منتهی شود. ثانیاً نقطه ابهام را از آیه مورد بحث بر طرف نماید. فی الجمله روایات اسباب النزول می بایست سنداً و متناً مورد ارزیابی قرار بگیرند.

۱. اسباب نزول چیست و چه نقشی در فهم آیات قرآن کریم دارد؟
۲. شناخت اسباب نزول چه فوایدی دارد؟
۳. قاعده «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» را توضیح دهید.
۴. سخن امام باقر (رضی الله عنه) را در مورد شأن نزول آیات با مثالی توضیح دهید.
۵. دست یابی به اسباب نزول از چه راهی ممکن است؟

پژوهش

۱. دو منبع معتبر را در باره روایات اسباب نزول معرفی نمایید.
۲. با مراجعه به منابع معتبر شأن نزول یک آیه را پژوهش نمایید.

هدف کلی: آشنایی با تاریخچه نگارش و جمع آوری قرآن کریم در صدر اسلام.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود فراگیر پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. چگونگی جمع آوری قرآن کریم در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) را توضیح دهد؛

۲. کاتبان وحی را بشناسد؛

۳. نسبت به خط اولیه قرآن کریم و وسایل نگارش اطلاع پیدا کند؛

۴. جمع قرآن در زمان ابوبکر (رضی الله عنه) را همراه با روش آن بیان کند؛

۵. اسامی اصحاب را که دارای مصحف مستقل بودند، ذکر نماید؛

۶. علت توحید مصاحف در زمان عثمان (رضی الله عنه) را بداند؛

۷. روش یکسان سازی مصاحف را توضیح دهد.

جمع و تألیف قرآن به شکل کنونی به مرور زمان و در بستر تاریخ با فراز و نشیب هایی همراه بوده و با دست افراد و گروه های گوناگونی، قسمت هایی از این امر مهم انجام شده است.

با توجه به اینکه قرآن کریم بزرگترین منبع دینی مسلمین است از همان آغاز نزول، هر مسلمانی سعی می کرد تا به اندازه توان خویش آیات نورانی آن را در سینه خود حفظ یا در وسایلی ثبت و نگهداری نماید. مدارک تاریخی به روشنی گواهی می دهد که نزول آیات الهی با چنان استقبالی رو برو گردید که همگان را شگفت زده نمود. مسلمانان افزون بر حفظ قرآن به منظور کسب ثواب و عمل

به اوامر الهی، با دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن گروه از صحابیانی که سواد نوشتن داشتند، آیات قرآن را بر ابزارهای خاص آن دوران می نگاشتند. بنابراین اصحاب مکرم در زمان حیات رسول خدا و همزمان با نزول تدریجی آیات در دو زمینه «حفظ» و «کتابت» قرآن همه توان و امکانات خویش را به کار گرفتند و با چنان شور و شوقی، پای در این عرصه گذاردند که قلم از توصیف آن ناتوان است.

حفظ و نگارش در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

۱- مرحله حفظ قرآن

در آغاز، پیامبر و یاران گرامی او به ضبط قرآن در سینه ها و حافظه ها، همت گماردند. عرب از این نعمت خدادادی (حافظه قوی) در حد کمال برخوردار بود. آنها گرچه محرومیت های فراوانی داشتند، در هوش و قوت حافظه سرآمد روزگار خویش بودند. آنان قصیده های بلند و طولانی را به راحتی حفظ می نمودند و در حافظه خود دیوان های شعر را جای می دادند. عرب جاهلی گاه آن چه را فقط یک بار می شنید برای همیشه در خاطره خویش بایگانی می نمود. این ویژگی، آنان را زبانزد خاص و عام کرده بود.

قرآن با بیان اعجاز انگیز خود هم در قالب و هم در محتوا، زیباترین سخن و پیام را که در عمق جان نفوذ می کرد به چنین گروهی عرضه نمود. آیات و سوره های اولیه که در مکه نازل می شدند، مُسَجَّع و تقریباً موزون بودند. آهنگ آیات و سوره ها چنان دلکش و جذاب بود که آنان را از خود بی خود می کرد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز یاران خود را به حفظ آیات و سوره ها تشویق می نمود. در آغاز رسالت در شهر مکه، نه شمار نویسندگان زیاد بود و نه ابزار نوشتن فراهم؛

این چنین بود که مسلمانان عرب، قدرت حافظه خویش را در مقدس ترین راه به کار گرفته و سینه ها و قلب های خود را جایگاه آیات نورانی قرآن کردند.

۲- مرحله کتابت قرآن

ضرورت نگارش قرآن کریم در زمان حیات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) کاملاً روشن بود؛ زیرا اعتماد بر حفظ قرآن در حافظه ها نمی توانست اطمینان خاطر در مورد صیانت قرآن را فراهم سازد. از این رو گرچه در عصر نزول، آنان که سواد خواندن و نوشتن داشتند بسیار اندک بودند - به گونه ای که بعضی شمار باسوادان مکه را که با خط آن روز آشنایی داشته اند بیست و یک نفر ذکر کرده اند (۱) - اما پیامبر اسلام به جهت اهتمام خاص به قرآن برای نوشتن وحی، آنان را که نوشتن می دانستند برگزید تا با دقت به ثبت و ضبط آیات اقدام نمایند و هرگاه آیاتی از قرآن نازل می گشت، نویسندگان وحی را فراخوانده آنان را به نوشتن وحی فرمان می داد. این گروه «کتاب وحی» نامیده می شدند. (۲)

ترتیب، نظم و تعداد آیات در هر سوره به دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده است. هر سوره با فرود آمدن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز می شد و آیات به ترتیب نزول در آن ثبت می گردید، تا موقعی که «بِسْمِ اللَّهِ...» دیگری نازل می شد و سوره دیگری آغاز می گردید.

این نظم طبیعی آیات و رویه معمول ثبت آنها بود. گاهی اتفاق می افتاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با دستور جبرئیل* امر می کرد تا آیه ای بر خلاف نظم طبیعی در سوره دیگری قرار داده شود. مانند آیه: (وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا)

ص: ۷۷

۱- (۱). نک: بلاذری، احمد بن یحی، فتوح البلدان، ص ۴۵۷ - ۴۵۹.

۲- (۲). جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ص ۱۴۴ - ۱۴۵.

(كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظَلِّمُونَ) (۱) (از روزی پرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا باز می گردانند سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می شود، و به آنها ستم نخواهد شد. چون هر چه می بینند، نتایج اعمال خودشان است).

بعد از نزول این آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور دادند آن را بین آیات «ربا» (۲) و آیه «دین» (۳) در سوره بقره ثبت کنند. بنابر این ثبت آیات در سوره ها، چه با نظم طبیعی و چه بر خلاف نظم طبیعی، با نظارت و دستور خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انجام گرفته و اصطلاحاً توقیفی است.

بدین ترتیب در حیات نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) جایگاه تمامی آیات مشخص و علاوه بر حفظ آنها در سینه صدها نفر از اصحاب، در وسایلی همچون: چوب خرما، سنگهای کوچک، پوستهای دباغی شده، استخوانهای صاف، پارچه ابریشمی، و کاغذ نوشته می شد. (۴)

ص: ۷۸

۱- (۱). بقره، آیه ۲۸۱. سابقاً اشاره شد که این آیه آخرین آیه نازل شده بر آن جناب است.

۲- (۲). آیات ۲۷۶ تا ۲۸۰ بقره.

۳- (۳). آیه ۲۸۲ بقره.

۴- (۴). به اعتقاد ابن خلدون، خط رایج در عصر ظهور اسلام، خط مسند (حمیری) بود که خط مردم یمن و دارای قدمت زیاد بوده است. ویژگی مهم این خط منفصل نوشته شدن حروف آن است. نک. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ابن خلدون حضرمی، مقدمه ابن خلدون، فصل ۳۰ ص: ۴۱۸؛ اما منابع تاریخی بیانگر آن است که با سوادان عرب با دو خط «نبطی» که خط ابتدایی نسخ بود و خط «سریانی» و «حیری» که بعد از تکامل به آن خط کوفی می گفتند، آشنایی داشتند. خط نبطی را عربها در اثنای مسافرت به شام از «حوران» آموختند. اما خط «حیری» و یا کوفی را از عراق گرفتند. در آن زمان، عموماً نامه ها و مراسلات عادی به خط نسخ و نوشته های مهم مانند قرآن و حدیث به خط کوفی نگاشته می شد. نک: التمهید، ج ۱ ص: ۳۵۸؛ نامه های منسوب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) که نمونه هایی از آن در موزه «اسلامبول» و «وین» نگه داری می شود و همچنین مصاحف کهن منسوب به برخی از اصحاب و تابعین مؤید همین قول است.

در شماره کاتبان وحی اختلاف زیادی وجود دارد. حافظ بن عساکر (م ۵۷۱ ق.) در تاریخ دمشق ۲۳ نفر را یاد می‌کند؛ ابوشامه در تلخیص این تاریخ، نام ۲۵ نفر را می‌برد؛ شبر املسی (م ۱۰۸۷ ق.) تعداد را به چهل نفر می‌رساند و حال آن که حافظ عراقی (م ۸۰۶ ق.) قبلاً نام ۴۲ نفر را به نظم درآورده بود. برهان حلبی در حواشی شفا ۴۳ نفر به نام می‌شمارد. مجتهد زنجانی نیز همین عدد را نقل می‌کند.

در میان مستشرقان، بلاشر فرانسوی می‌گوید: «تعداد کاتبان وحی به چهل نفر می‌رسید.» آماری را که محدثان و مورخان داده‌اند با توجه به زمان روی آوردن صحابه به اسلام می‌توان بدین ترتیب تنظیم کرد:

نویسندگان دوران مکه: خلفای چهارگانه، شُرَحِبیل بن حسنہ (م ۱۸ ق.)، عبدالله بن سعد بن ابی السرح (م ۳۷ ق.)، خالد بن سعید بن عاص بن امیه، طلحه (م ۳۶ ق.)، زبیر (م ۳۶ ق.)، سعد بن ابی وقاص (م ۵۵ ق.)، عامر بن فهیره (م ۴ ق.)، علاء بن حضرمی (م ۲۱ ق.)، معقیب بن ابی فاطمه (م ۴۰ ق.)، ارقم بن ابی الارقم (م ۱۱ ق.)، حاطب بن عمرو، حاطب بن ابی بلتعہ (م ۳۰ ق.)، مصعب بن عمیر، عبدالله بن جحش، جهم بن قیس و سالم مولی ابی حذیفه (م ۱۲ ق.)

نویسندگان دوران مدینه: در آغاز بیشتر ابی بن کعب نویسندگی را انجام می‌داد. آن گاه زید بن ثابت که آموخته تر و ورزیده تر شده و کتابت را نزد اسیران بدر تکمیل کرده بود، بیشتر در محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضور می‌یافت. کسانی که بعدها به این جمع پیوستند عبارتند از: عبدالله بن رواحه (م ۸ ق.)، ثابت بن قیس (م ۱۲ ق.)، حنظله بن ربیع (م ۴۵ ق.)، حذیفه بن یمان (م ۳۶ ق.)، علاء بن عقبه، جهیم بن الصیلت، عبدالله زید (م ۶۳ ق.)، محمد بن مسلم (م ۴۳ ق.)، حنظله بن ابی عامر (م ۳ ق.)، عبدالله بن عبدالله ابن ابی بن سلول، ابوزید قیس بن سکن، عقبه

بن عامر (م ۵۸ ق.)، معاذ بن جبل، ابو ایوب انصاری (م ۵۲ ق.)، مغیره بن شعبه (م ۵۰ ق.)، ابوسفیان و دو پسرش یزید و معاویه، عبدالله بن ارقم (م ۴۴ ق.) و حویطب بن عبدالعزی (م ۵۴ ق.) را نیز گفته اند که از سال هشت هجری در این جمع بوده اند. بدین ترتیب ۴۵ تن از صحابه در کتابت وحی شرکت داشته اند. (۱)

ابوعبدالله زنجانی پس از آن که نام ۴۳ تن را به عنوان کاتبان وحی ذکر می کند، می گوید: «آنان که بیشترین کتابت و ملازمت را با پیامبر داشتند، زید بن ثابت و علی بن ابی طالب بودند». (۲)

رافعی پس از بیان این نکته که در تعیین نویسندگان وحی، اختلاف نظر وجود دارد، می نویسد: در مورد پنج تن که عبارتند از: علی بن ابی طالب، معاذ بن جبل، ابی بن کعب، زید بن ثابت و عبدالله بن مسعود (رضی الله عنهم) اتفاق نظر وجود دارد. (۳)

شاید منظور ایشان این باشد که این پنج تن از کاتبان دائمی و ملازمان همیشگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در امر کتابت و نگارش وحی بوده اند و بقیه در مدت کوتاه تر یا موارد جزئی تری این افتخار را داشته اند.

نگارش قرآن در زمان ابوبکر (رضی الله عنه)

هرچند قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نوشته شده و آیات نیز در هر سوره مرتب گشته بود، ولی تنظیم و ترتیب سوره ها (دست کم تعدادی از سوره ها) هنوز انجام نشده بود و تمامی سوره ها به صورت مصحف در نیامده و میان دو جلد قرار نگرفته بود.

ص: ۸۰

۱- (۱). دکتر رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۲۶۲ - ۲۶۴.

۲- (۲). زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ القرآن، ص ۴۲.

۳- (۳). رافعی، عبدالقادر، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ص ۳۲.

از طرفی قرآن کریم زیر بنای جامعه اسلامی و مرجع تشریح آیین اسلام بود؛ لذا ضرورت داشت تا خلیفه مسلمین با استفاده از کاتبان وحی، جمع آوری قرآن را در سر لوحه کارهای خود قرار دهد و قرآن را از روی قطعات چوب و استخوان و سینه های حافظان قرآن فراهم و ضبط کند؛ به خصوص آنکه در جنگ «یمامه» (۱) هفتاد تن و به قولی چهارصد تن از حافظان قرآن به شهادت رسیدند و این زنگ خطری برای مسلمانان بود.

بنابر این حضرت ابوبکر (رضی الله عنه) از زید بن ثابت خواست تا قرآن را جمع آوری کند.

یکی از مشهورترین روایاتی که شرح این ماجرا را بازگو نموده است، روایتی از خود زید بن ثابت است که بخاری آن را در صحیح خود نقل کرده و در تمام کتب مربوط به علوم قرآنی نویسندگان به آن استناد نموده اند.

اینک شرح داستان را از زبان زید بن ثابت می شنویم:

پس از جنگ یمامه، ابوبکر مرا احضار نمود. وقتی بر ابوبکر وارد شدم، عمر نزد او بود. ابوبکر خطاب به من گفت: عمر نزد من آمده و گفته است: جنگ یمامه در مورد قاریان و حافظان قرآن، کشتاری سخت وارد نموده و بیم آن

ص: ۸۱

۱- (۱). حادثه «یمامه» یکی از مهم ترین حوادث و فتنه هایی بود که در خلافت ابوبکر اتفاق افتاد. مسیلمه کذاب که در سال ۹ هجرت با گروهی از یمامه خدمت پیامبر رسیده بود، در بازگشت در این سفر، مرتد شد و در نامه ای ادعای پیامبری نمود. پیامبر او را مسیلمه کذاب لقب داد. در ماه ربیع الاول سال دوازدهم هجرت، که آغاز دومین سال خلافت ابوبکر بود، وی سپاهی را به فرماندهی خالد بن ولید به جنگ با مسیلمه فرستاد. سپاهیان خالد که ۴۵۰۰ تن بودند در جنگی سخت نا برابر با چهل هزار جنگجوی طرفدار مسیلمه به نبرد پرداختند. سرانجام مسیلمه کشته شد و پیروزی به دست آمد. اما این پیروزی گران تمام شد، کشته های مسلمانان را تا ۱۷۰۰ نفر گزارش کرده اند که در میان آنها ۷۰۰ یا ۴۵۰ و یا به کمترین رقم هفتاد تن از صحابه و حاملان قرآن بوده اند. ر. ک: رامیار، تاریخ قرآن ص ۲۹۹ - ۳۰۱.

می رود که در اثر جنگ های دیگر، قراء دیگری کشته شوند و بخش مهمی از قرآن از بین برود. مصلحت آن است که دستور دهی قرآن جمع آوری گردد. به عمر گفتم: چگونه می خواهی کاری را که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام نداده است انجام دهی؟ او پاسخ داد: به خدا سوگند این کار نیکی است. از آن موقع پیوسته او (عمر) به من (ابوبکر) مراجعه نمود تا آن که خداوند در این امر، شرح صدری به من عنایت نمود و در این جهت با عمر هم نظر گردیدم.

زید می گوید: پس از نقل این جریان، ابوبکر به من گفت: تو مردی جوان، عاقل و مورد اعتماد می باشی و تو بودی که وحی را برای پیامبر می نوشتی، پس به جمع آوری قرآن اقدام نما. (زید: به خدا قسم اگر مرا مأمور می کردند که کوهی را از جایی بردارم، سنگین تر از چنین مأموریتی نبود. به آنها گفتم: چگونه شما کاری را انجام می دهید که شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام نداده است؟ ابوبکر در پاسخ گفت: به خدا قسم، خیر در همین است. و پیوسته به من اصرار نمود تا آن که خداوند همان شرح صدری را که به ابوبکر و عمر عنایت کرده بود، به من نیز عنایت فرمود. پس به تتبع و تفحص قرآن پرداختم و قرآن را از نوشته هایی که بر روی شاخه های خرما و سنگ های ظریف بود و آن چه در سینه ی مردم جای داشت جمع آوری کردم.... (۱)

روش زید در جمع قرآن

زید به جمع آوری قرآن پرداخت و آن را از پراکندگی درآورد و در یکجا فراهم

ص: ۸۲

۱- (۱). صحیح بخاری، ج ۶، باب جمع القرآن، ص ۵۸۰ و ۵۸۱؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۳۲۶؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۱۸۲؛ مناهل العرفان، ج ۱ ص ۲۵۱، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲ ص ۱۱۹، خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵۸.

آورد. او این کار را با همکاری گروهی از صحابه انجام داد. نخستین اقدام وی آن بود که اعلام کرد: هر کس هر چه از قرآن نزد خود دارد، بیاورد. یعقوبی می گوید:

وی گروهی مرکب از ۲۵ نفر را تشکیل داد و خود ریاست آن گروه را بر عهده گرفت. این گروه هر روز در مسجد گرد هم می آمدند و افرادی که آیه یا سوره ای از قرآن در اختیار داشتند به این گروه مراجعه می کردند. این گروه از هیچ کس چیزی را به عنوان قرآن نمی پذیرفتند مگر آنکه دو شاهد ارائه دهند. شاهد اول نسخه خطی بود؛ یعنی نوشته ای که حکایت از وحی قرآن داشته باشد. شاهد دوم شاهد حفظی بود؛ یعنی دیگران شهادت دهند که آن را از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شنیده اند.

بدین ترتیب زید آیه ها و سوره های قرآن را جمع آوری کرد و آن را از پراکندگی و خطر از بین رفتن نجات داد؛ هر سوره ای را که کامل می شد در صندوقچه مانندی از چرم به نام «رَبْعَه» قرار می داد تا آنکه سوره ها یکی پس از دیگری کامل شد؛ ولی هیچگونه نظم و ترتیبی بین سوره ها نداد. (۱) این صحیفه ها - که سوره های قرآن بر آن نگاشته شده بود - پس از اتمام به خلیفه مسلمین جناب ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) سپرده شد.

این مجموعه پس از ابوبکر (رضی الله عنه) به عمر (رضی الله عنه) انتقال یافت و پس از وفات وی نزد دخترش ام المؤمنین حفصه نگهداری شد و هنگام یکسان سازی محصف ها، حضرت عثمان (رضی الله عنه) آن را به عاریت گرفت تا نسخه های دیگر قرآن را با آن مقابله

ص: ۸۳

۱- (۱). الف) ابن کثیر الدمشقی، إسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم؛ ج ۱، ص ۲۶۱؛ ب) البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۳۵؛ ج) الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۸؛ د) فتح الباری، ج ۹، ص ۱۶؛ ه) مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۴ و) فجر الاسلام، ص ۱۹۵.

کند، سپس آن را به حفصه باز گرداند. چون حفصه درگذشت، مروان - که از جانب معاویه والی مدینه بود - آن را از ورثه حفصه گرفت و از بین برد. (۱)

مصاحف صحابه

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، علاوه بر زید، عده دیگری از بزرگان صحابه به جمع قرآن پرداختند. از جمله: عبدالله بن مسعود، علی بن ابی طالب، ابی بن کعب، مقداد بن اسود، سالم مولی ابی حذیفه، معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری (رضی الله عنهم).

مصاحف هر کدام از اصحاب ویژگی هایی داشت، یکی بر اساس ترتیب نزول، دیگری بر اساس بلندی و کوتاهی سُور، سومی همراه با تفسیر و شأن نزول و... جمع آوری شده بود.

می گویند نخستین کسی که سوره های قرآن را به شکل کنونی مرتب نمود، سالم مولی ابی حذیفه بود. وقتی قرآن جمع آوری و روی اوراق نوشته شد، آنگاه خود و همکارانش گرد هم آمدند و درباره نام آن به شور نشستند. برخی نام «سَفر» را پیشنهاد کردند، سالم و دیگران آن را نپسندیدند؛ زیرا نام کتاب های یهود بود. سپس سالم، عنوان مصحف را پیشنهاد کرد و گفت: همانند این کتاب (صحیفه های جمع شده) را در حبشه دیدم که آن را «مصحف» می گفتند. همه حاضران نام مصحف را برای صحیفه جمع شده پذیرفتند. (۲) پوشیده نماند که

ص: ۸۴

-
- ۱- (۱). الف) القسطلانی، احمد بن محمد، ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری، حسین افندی، ج ۷ ص ۴۴۹ ب) التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۰۰.
 - ۲- (۲). الف) علی بن ابی الکرّم شیبانی، ابوالحسن، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۵۵؛ ب) الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۸. ج) سجستانی، عبدالله بن سلیمان، المصاحف، ص ۱۴ - ۱۱. همانگونه که در فصل چهارم گذشت برخی منابع، این نام گذاری را به عبدالله بن مسعود نسبت داده اند.

قرآن، نام «ما یقرأ؛ آنچه خوانده می شود» است، وقتی در صحیفه ها به صورت کتاب در آمد، نام «مصحف» به خود گرفت.

یکسان سازی مصحف ها (توحید قراءات)

همانطور که اشاره شد در روزگار پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برخی از اصحاب معروف و نویسندگان و قاریان قرآن نسخه ای از آیات قرآنی را نگه می داشتند و لذا علاوه بر نسخه زید بن ثابت ثابت نسخه های دیگر بزرگان صحابه همچون عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب و... وجود داشت. از این رو کاتبان و صاحبان هر یک از این مصاحف و قاریان به طور طبیعی به عنوان معلمان مناطق گوناگون کشور اسلامی شناخته شدند.

اما از آنجا که خط و نگارش دوران نخستین تألیف قرآن، بسیار ابتدایی و فاقد علایم تعیین کننده حروف و حرکات بود؛ و از سوی دیگر با توسعه بیش از پیش اسلام و ورود قبایل گوناگون عرب و ملل گوناگون غیر عرب همچون رومیان، حبشیان، ایرانیان و... در جرگه مسلمانان، قرائت صحیح قرآن با دشواری هایی روبرو گشت. زیرا هر یک از این نو مسلمانان دارای زبان و لغتی خاص و لهجه و گویشی ویژه بودند و طبعاً نمی توانستند قرآن را به سهولت یاران پیامبر ادا کنند، در نتیجه هر روز لحن و غلط در تلفظ قرآن رو به ازدیاد می نهاد و منشأ نگرانی بود. شرح این نگرانی از زبان حذیفه الیمان، صحابی جلیل القدر و صاحب سرّ پیامبر پیداست. او با نگرانی اختلاف سربازان مسلمان شامی و عراقی در قرائت و تفسیق و تخطئه یکدیگر در جنگ ارمنستان را به سمع خلیفه زمان حضرت عثمان (رضی الله عنه) رساند و از او استمداد طلبید.

بخاری در صحیح خود از انس بن مالک روایتی نقل کرده است که مورد استناد و توجه تاریخ قرآن نویسان قرار گرفته است.

انس می گوید: حُذِيفَةُ (۱) که در جنگ ارمینیه (ارمنستان) و آذربایجان به همراه سپاهیان شامی و عراقی شرکت داشت، درگیر و دار جنگ، اختلاف سپاه اسلام در قراءت قرآن را مشاهده نمود و سخت به وحشت افتاد. وقتی نزد عثمان برگشت به او چنین گفت: ای خلیفه مسلمین، امت اسلام را قبل از آن که در کتاب دینی خود مانند یهود و نصارا اختلاف نمایند، دریاب... (۲)

دامنه اختلافات به آنجا رسیده بود که حتی در مرکز خلافت یعنی مدینه، معلمان قرآن، شاگردان خود را به صورت های مختلف تعلیم قرآن می دادند:

انس بن مالک گوید: در دوره خلافت عثمان مردم چنان دچار اختلاف در قراءت گردیدند که شاگردان و معلمان به نزاع به یکدیگر برخاستند (درگیری شاگردان با شاگردان و معلمان با یکدیگر). گزارش این وقایع به عثمان رسید و او خطاب به مردم گفت: شما مردم مدینه که نزدیک من هستید یکدیگر را تکذیب و قراءت دیگری را تخطئه می کنید پس آنان که از ما دورند بیش از شما گرفتار تکذیب یکدیگر و اشتباهند. ای پیروان پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردهم آید و مصحفی را برای مردم بنویسید... (۳)

عثمان پس از مشورت با بزرگان صحابه پیامبر و موافقت ایشان پیشنهاد

ص: ۸۶

۱- (۱). حُذِيفَةُ بن یمان: از سابقین در اسلام بود. در زمان رسول خدا، رکابدار حضرتش بود. او را صاحب سر رسول خدا گفته اند. در زمان عمر والی مدائن گشت. نهاوند در سال ۲۲ هجری به دست وی فتح گردید. همان سال با آذربایجان صلح کرد که چند سال بعد به اجرا در آمد. در زمان عثمان او مأمور آذربایجان بود پس از عثمان از ملازمان علی بود. وقتی وفات کرد او را کنار سلمان فارسی در مدائن به خاک سپردند. (رامیار، تاریخ قرآن ص ۴۱۲).

۲- (۲). صحیح بخاری، کتاب فضائل القرآن ج ۶ ص ۵۸۱؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۰؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳- (۳). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۱۸۷.

تدوین نسخه رسمی (امام) را راهگشای حل این معضل دانست. بدین منظور کمیته ای مرکب از زید بن ثابت، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمان بن حارث را برگزید. (۱) اما از آنجا که این گروه برای تحقق این هدف مهم کفایت نمی کرد به سراغ ابی بن کعب، مالک بن ابی عامر، کثیر بن افلح، انس بن مالک و عبدالله بن عباس رفتند و ریاست انجمن یاد شده به عهده ابی بن کعب سپرده شد، او املا می کرد و دیگران می نوشتند. (۲)

مرجع این انجمن همان نسخه زید بود که در زمان ابوبکر نوشته شده بود و از مکتوبات خانه پیامبر بهره گرفته بود و در این هنگام به نزد حفصه بود، هم چنان که مکتوبات خانه پیامبر و مصحف خود ابی بن کعب از مآخذ مقابله بوده است.

هیئت یاد شده نسخه هایی به عنوان الگو و شاخص (امام) به لهجه عربی مروی از پیامبر اکرم، استنساخ کرد و با معلمان و قاریانی به شهرهای بزرگ اسلامی فرستاد. با فراهم شدن نسخ امام، خلیفه دستور داد که هر مصحفی غیر از اینها از میان برود، و تنها این نسخه ها توسط قاریان و کاتبان معروف تعلیم گردد. (۳) بر همین اساس، زید بن ثابت به همراه یک نسخه مأمور تعلیم قرآن در مدینه شد. عبدالله بن سائب با نسخه ای روانه مکه شد و مغیره بن شهاب به شام و ابو عبدالله اسلمی به کوفه و عامر بن عبدالقیس به بصره اعزام گردید و تمام نسخه های بعدی قرآن بر اساس همین نسخه ها شکل گرفت. به هر حال انگیزه ای که حضرت عثمان دنبال

ص: ۸۷

۱- (۱). صحیح بخاری، ج ۶، ص ۵۸۱؛ الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۱۲؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۰؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲- (۲). الاتقان فی علوم القرآن ج ۱ نوع ۱۳.

۳- (۳). صحیح بخاری، ج ۶ ص ۵۸۱؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۰؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۱۸۷.

می کرد، از میان برداشتن قراءات گوناگون و اختلافات دامن گستر در جامعه اسلامی بود، نه جمع قرآن میان دو جلد که قبلاً انجام شده بود همان طور که قرطبی (۱) و زرکشی و بسیاری از محققان دیگر بدان تصریح دارند.

قاضی ابوبکر باقلانی صاحب الاعجاز در الانتصار می گوید:

«لم يقصد عثمان قصد أبي بكر في جمع نفس القرآن بين لوحين، و انما قصد جمعهم على القراءات الثابتة المعروفة عن النبي (صلى الله عليه و آله) و الغاء ما ليس كذاالك». (۲)

ص: ۸۸

۱- (۱). قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱ ص ۵۱.

۲- (۲). الاتقان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۱۳.

۱. به طور کلی قرآن کریم در چند مرحله جمع آوری شده است و به چه صورت؟
۲. چرا حضرت ابوبکر (رضی الله عنه) به زید بن ثابت دستور جمع آوری قرآن کریم را داد؟
۳. روش زید بن ثابت در جمع آوری قرآن کریم چگونه بود و سرانجام آن مصحف چه شد؟
۴. پنج تن از مشهورترین کاتبان وحی را نام ببرید؟
۵. اصحاب بزرگوار با چه شیوه و وصفی در نگهداری قرآن می کوشیدند؟
۶. توقیفی بودن نظم آیات در سوره ها به چه معناست؟
۷. اسامی پنج تن از اصحاب را نام ببرید که دارای مصحف شخصی بوده اند؟
۸. علت پدید آمدن اختلاف قراءات چه بود؟
۹. چگونه حضرت عثمان (رضی الله عنه) به فکر یکسان سازی مصحف ها افتاد؟
۱۰. روش گروه توحید مصاحف به چه صورت بوده است؟

پژوهش

۱. به نظر شما چه تفاوت هایی میان جمع زید بن ثابت در زمان ابوبکر و جمع اُبی بن کعب در زمان عثمان وجود داشته است؟
۲. مصاحف صحابه با همدیگر چه تفاوت هایی داشته اند؟ (در مورد نقاط اشتراک و افتراق مصاحف صحابه تحقیق نمایید).

هدف کلی: آشنایی با قاریان و قرائات مشهور و علل پیدایش قرائات.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود فراگیر پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. قرائت را تعریف نماید؛

۲. عوامل اختلاف قرائت را بیان کند؛

۳. سیر تدوین قرائات را توضیح دهد؛

۴. علت حصر قرائات توسط ابن مجاهد را بداند؛

۵. قاریان هفت گانه را بشناسد.

قرائت و تلاوت قرآن کریم با آغاز نزول قرآن همراه است. اولین قاری و معلم قرآن پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) بود که با دریافت دستور الهی:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) (۱)

(... وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً) (۲)

(... فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...) (۳)

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ...) (۴) و...

ص: ۹۱

۱- (۱). علق، آیه ۱.

۲- (۲). مزمل، آیه ۴.

۳- (۳). مزمل، آیه ۲۰.

۴- (۴). جمعه، آیه ۲.

با تمام وجود به تلاوت آن می پرداخت. صدای دلنشین آن حضرت که از عمق جان ایشان نشأت می گرفت چنان مؤثر بود که دیگران با شنیدن آن مجذوب آیات ربانی و پیامهای سبحانی می شدند و دقیقاً به همین خاطر سران شرک پیروان خویش را از شنیدن تلاوت رسول خدا بر حذر می داشتند:

(وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ) (۱) «کافران گفتند: گوش به این قرآن فراندهید! و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید!»

با گذشت زمان و نزول تدریجی آیات، آن حضرت صبحگاهان و شامگاهان، در نهران و عیان، سروش روح آفرین خدای حکیم را پس از دریافت، تلاوت و به یاران خویش می آموختند.

علاوه بر تأکیدات فراوان، سیره عملی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بیانگر عنایت ویژه آن حضرت به این امر بوده است و لذا با ورود به مدینه به تأسیس دار القرائه دست زدند و گروهی از اصحاب را تشویق به فراگیری قرآن و بعدها به آموزش آن نمودند. معروف ترین قاریان قرآن در میان اصحاب که با دقت تمام، در اخذ و ضبط و کتابت و قرائت تعلیم قرآن می کوشیدند عبارتند از: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت، ابو موسی اشعری و ابو الدرداء (رضی الله عنهم). (۲)

طبقه دوم که شامل اصحاب صِغار و تابعین می شود؛ قرائت را از اصحاب بزرگوار فرا گرفتند. در میان آنها عبدالله بن عباس، ابو الاسود دؤلی، علقمه بن قیس، عبدالله بن سائب، اسود بن زید، ابو عبد الرحمن سلمی و مسروق بن اجدع از شهرت بیشتری برخوردارند.

ص: ۹۲

۱- (۱). فصلت، آیه ۲۶.

۲- (۲). ذهبی، ابو عبدالله، معرفه القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، ص ۲۴.

به دنبال آن بزرگان دیگری در طبقات سوم تا هشتم (یعنی تا زمان ابوبکر بن مجاهد) که به عهد تدوین قراءات شهرت دارد، قرار دارند.

اصحاب و تابعین به طور عام در زمینه های مختلف علوم اسلامی مثل تفسیر، حدیث، فقه، قرائت و... شهرت داشته اند و اینطور نبوده که گروهی از آنها فقط در قرائت برجستگی داشته باشند.

تدوین قرائت های معروف

پس از گذشت آن دوره، گروهی فن قرائت (فرا گرفتن و آموختن آن) را رشته اختصاصی خود قرار دادند و به این رشته توجهی خاص مبذول داشته و در قرائت قرآن شهرت یافتند و مردم از مناطق مختلف برای فراگیری به سوی آنان می شتافتند. روش همه مسلمانان در مناطق مختلف بر این بود که مردم هر شهری، قرآن را از قاری همان شهر فرا می گرفت و تنها قرائت او را می پذیرفت. رفته رفته تعداد قاریان رو به فزونی نهاد و قاریان در مناطق مختلف جهان اسلام پراکنده شدند و طبقه ای پس از طبقه دیگر جانشین آنان شدند؛ اما در فرا گرفتن و آموزش قرآن، روشهای مختلف اتخاذ کرده و اختلاف قرائت داشتند و برخی هم در این باره، کوتاهی می کردند.

به تدریج ضبط قرائت رو به کاستی و سستی نهاد و کارهای بی رویه، رو به فزونی گذاشت و به تعبیر ابن الجزری «بیم آن می رفت که باطل در لباس حق جلوه کند»؛ [\(۱\)](#) لذا بزرگان، قواعدی برای قرائت وضع کردند.

اولین شخصیت معتبری که قرائت های صحیح را جمع آوری کرد و کتاب مفصل و مبسوطی نگاشت، ابو عبید قاسم بن سلام انصاری (متوفای ۲۲۴ ه. ق)

ص: ۹۳

۱- (۱). ابن الجزری، شمس الدین ابوالخیر، النشر فی القراءات العشر، ج ۱ ص ۹.

بود. ابن الجزری، قراء را در بیست و پنج تن منحصر کرده است و کسانی که بعداً به نام قراء سبعه شهرت یافتند، در زمره اینان بودند. (۱) پس از وی نیز دانشمندان دیگری به تدوین قرائت های مختلف از قرآن پرداختند که شرح آنها در جای دیگر آمده است. (۲)

سلسله قراء (قاریان مشهور قرآن) و قراءات، قرن به قرن و پیوسته ادامه داشت تا زمان ابوبکر بن مجاهد (۲۴۵ - ۳۲۴ ه. ق) که معروف به شیخ القراء بغداد است. ایشان در اوایل قرن چهارم، قراءات را در هفت قرائت از هفت قاری بنام از بلاد گوناگون منحصر و به رسمیت شناخت. بعدها با افزودن سه قاری عدد آنها به ده و مدتی بعد چهار قاری دیگر اضافه شد که بدین ترتیب مجموعاً چهارده قرائت معروف گردید. (۳)

تعریف قرائت

قرائت مصدر است از ریشه قرأ یقرأ و یقرأ که مصدر آن به سه صورت قرأ، قرأه و قرأناً آمده است. قراءات جمع قرائت و اسم فاعل آن، قاری است که به صورت «قراء» جمع بسته می شود. بیشترین کاربرد و رایج ترین معنای این ماده به معنای خواندن است، اما گاهی به معنای جمع کردن، ضمیمه کردن، رساندن نیز استعمال شده است. (۴)

ص: ۹۴

۱- (۱). همان، ص ۳۴.

۲- (۲). علامه معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۲۲۷ - ۲۲۳.

۳- (۳). نک: النشر فی قراءات العشر، ج ۱؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۳۱۸؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱؛ التمهید فی علوم القرآن، ج ۲.

۴- (۴). لويس معلوف، المنجد ماده قرأ.

از آنجا که در قرائت و خواندن مطلبی، حروف و کلمات با هم جمع و ضمیمه می گردند به خواندن قرآن و امثال آن قرائت گویند.

اما در اصطلاح علوم قرآنی عبارت است از:

تلاوت نص وحی الهی به حسب اجتهاد یکی از قراء معروف بر اساس اصول معینی که در علم قرائت مشخص شده است و آگاهی از اختلاف الفاظ قرآن.

ابن جزری در تعریف آن گوید: «انها علم بکیفیه أداء کلمات القرآن و اختلافها معزو الناقله». (۱)

بدرالدین زرکشی قرائت را چنین تعریف کرده است:

«القرائات اختلاف الالفاظ الوحی المذكور فی الحروف و کیفیتها من تخفیف و تشدید و غیرها». (۲) یعنی قرائات، اختلاف الفاظ قرآن در تلفظ حروف و کیفیت اداء آنها همانند مخفف خواندن، مشدد خواندن و امثال آن است.

باید توجه نمود که قرآن کریم دارای نصّ واحدی است که در قالب الفاظ معین بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده است و اختلاف میان قراء بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نص واحد است.

عوامل اختلاف قرائات

قبلاً بیان شد که در دوران حضرت عثمان (رضی الله عنه) با توجه به توسعه اسلام و ایمان آوردن اقوام غیر عرب در قرائت قرآن اختلافاتی پدید آمد. این اختلافات موجب شد تا مصحف واحدی تهیه شود و از روی آن نسخه های متعدد و متحد الشکلی تهیه گردد و به مراکز مهم قلمرو اسلامی فرستاده شود. هرچند این اقدام

ص: ۹۵

۱- (۱). ابن الجزری، شمس الدین ابوالخیر، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ص ۳.

۲- (۲). البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۱۸.

بسیار مؤثر بود، اما عوامل گوناگونی سبب اختلاف مجدد قرائت شد که در اینجا به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود.

۱. ابتدایی بودن خط عربی: خط در جامعه عربی آن روز، در مراحل ابتدایی خود بود. اصول کتابت استوار نشده و مردم عرب فنون خط و روش نوشتن صحیح را نمی دانستند. در آن رسم الخط، یک کلمه به شکلی نوشته می شد که به چند وجه قابل خواندن بود. نون آخر کلمه را به شکلی می نوشتند که با «ر» فرقی نداشت و نیز شکل «و» با «ی» یکی بود. چه بسا «م» آخر کلمه به شکل «و» و «د» را به صورت کاف کوفی و عین وسط را به شکل «ه» می نوشتند. گاهی حروف یک کلمه را جدا از یکدیگر می نوشتند؛ «ی» را از کلمه جدا می کردند (مانند: «نحیی») و یا این که «ی» را حذف می کردند، چنان که «ایلافهم» به شکل «إلافهم» نوشته می شد که خود برای خواننده ایجاد اشکال می کرد.

همچنین در رسم الخط ابتدایی آن زمان، «واو» و «یا» بدون هیچ علتی حذف می شد که خود یکی از مهم ترین عوامل ابهام و اختلاف در قرائت، بلکه در تفسیر به شمار می آمد. مثلاً در آیه (... وَ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ...) (۱) «واو» از «صالحوا» حذف و به صورت «و صالح المؤمنین» نوشته شده است؛ لذا معلوم نبود که این کلمه مفرد است یا جمع مضاف. خلاصه، این گونه نارسایی ها در رسم الخط مصاحف اولیه مشکلات بسیاری را به خصوص برای ملل غیر عرب به بار آورد.

۲. بی نقطه بودن حروف: یکی از عواملی که در قرائت قرآن مشکلات فراوانی ایجاد نمود، بی نقطه بودن حروف و جدا نکردن حروف نقطه دار از بی نقطه بود؛ لذا میان «س» و «ش» هیچ فرقی نبود، همچنین میان «ب»، «ت» و «ث» و حروف

ص: ۹۶

«ج»، «ح» و «خ» و... تفاوتی وجود نداشت. خواننده باید با دقت در معنای جمله و ترکیب کلامی، حروف را تشخیص می داد؛ مثلاً ابن عامر و کوفیون (... نُنشَرُها...) (۱) و دیگران «نُنشَرُها...» خوانده اند.

۳. خالی بودن از علائم و حرکات: کلمات در مصاحف اولیه، عاری از هر گونه اعراب و حرکات ثبت می شد؛ لذا برای خواننده غیر عرب مشکل بود تا تشخیص دهد وزن و حرکت کلمه چگونه است. حتی برای کسانی که با زبان عربی آشنا بودند، دشوار بود تا بدانند شکل کلمه چگونه است؛ مثلاً مشخص نبود «اعلم» فعل امر است، یا فعل متکلم مضارع، یا اسم تفضیل، یا فعل ماضی از باب افعال؛ لذا حمزه و کسائی آیه (قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (۲) را به صیغه امر خوانده اند و دیگران به صیغه فعل مضارع متکلم.

۴. نبودن الف در کلمات: یکی دیگر از عواملی که در قرائت مشکل می آفرید، نبودن الف در رسم الخط آن روز بود. خط عربی کوفی از خط سریانی نشأت گرفته است؛ در خط سریانی، نوشتن الف وسط کلمه مرسوم نبود، و آن را اسقاط می کردند و چون قرآن در ابتدا با خط کوفی نگاشته می شد، الف های وسط کلمه مانند «سماوات» را نمی نوشتند (به این صورت: سموت). بعدها که علائم مشخصه ایجاد شد، الف را صرفاً با علامت الف کوچک در بالای کلمه مشخص می ساختند.

اسقاط «الف» وسط کلمه در بسیاری از موارد منشأ اختلاف قرائت گردید؛ مثلاً نافع، ابو عمرو و ابن کثیر (ما يَخْدَعُونَ) (۳) را «و ما يَخَادِعُونَ» خوانده اند. (۴)

ص: ۹۷

۱- (۱). بقره، آیه ۲۵۹.

۲- (۲). بقره، آیه ۲۵۹.

۳- (۳). بقره، آیه ۹.

۴- (۴). علوم قرآنی، علامه معرفت.

این گونه عوامل موجب گردید که قراء بر سر رسیدن به قرائت، با هم اختلاف کنند و هر یک طبق اجتهاد خود و دلایلی که در دست داشتند، قرائت خود را توجیه بنمایند.

انحصار قرائت ها به هفت

قبلاً به عنایت مسلمانان نسبت به قرائت قرآن اشاره شد و بیان گردید که مردم در تمامی دوره ها، نسبت به قرائت شخصیت های معروف و حفظ و تدوین و پذیرش همه آنها اهتمام می ورزیدند؛ همچنین مردم هر منطقه ای به قاری محلی و منطقه خود توجه بیشتری داشتند و هیچ کس اعم از عامه و خاصه بر این سیره مستمر اعتراض نداشته است.

این روش همیشگی در فراگیری و آموزش قرائت تا اوایل قرن چهارم ادامه داشت، تا این که نابغه فرزانه بغداد، یعنی ابن مجاهد - که در جذب قلوب مردم و نفوذ در میان سران و مقامات دولتی ورزیدگی داشت - ظاهر گردید. (۱) وی کرسی شیخ القراء را به طور رسمی به خود اختصاص داد و عامه مردم به او روی آوردند.

ابن مجاهد بسیار مقید، و سخت پایبند به تقلید از قرائت پیشینیان بود. عبد الواحد بن ابی هاشم می گوید: کسی از ابن مجاهد پرسید: چرا شیخ، قرائتی خاص اختیار نمی کند؟ او در پاسخ گفت: نیاز ما در حفظ دست آوردهای ائمه پیشین، بیش از آن است که قرائتی اختیار کنیم تا پس از ما رواج یابد». (۲)

ابن مجاهد، تمام کوشش خود را برای سد باب اجتهاد در قرائت به کار برد و

ص: ۹۸

۱- (۱). علت موفقیت ابن مجاهد در حصر قرائات همین دو امر است؛ یعنی مهارت بالای او در علم قرائت و نفوذش در میان زمامداران آن زمان.

۲- (۲). معرفه القراء الکبار؛ ج ۱، ص ۲۱۷.

به طور نسبی توفیقی حاصل کرد؛ زیرا شرایط حاکم بر آن دوران تاریک و نابسامان جامعه اسلامی، او را کمک کرد تا در خواسته هایش پیروز شود و مخالفان خود را منزوی سازد. مسئله حصر قرائت در هفت قرائت از جمله کارهای اوست و اگر ناهمگونی و نقصی در این کار از جهت عدد هفت یا ترجیح برخی به برخی دیگر وجود دارد، ناخواسته و از روی سهو بوده است.

دکتر صبحی صالح می گوید: «بیشترین سهم سرزنش این عمل توهم آفرین - که تنها قرائت معتبر، قرائت قراء سبعة است - متوجه ابن مجاهد است که در رأس قرن چهارم هجری در بغداد، به جمع آوری هفت قرائت از هفت تن از ائمه مکه، مدینه، بصره، کوفه و شام دست زد و تنها اینان به وثوق، امانت و دقت در ضبط قرائت معروف شدند؛ در حالی که این عمل، ملاکی واقعی نداشت و صرفاً یک تصادف و اتفاق است؛ زیرا در بین ائمه قراء، افراد بسیار قابل توجهی هستند که از قراء سبعة برترند» (۱).

به هر حال با وجود مخالفت هایی که بود، ابن مجاهد قرائت را در هفت قرائت مختصر کرد. این هفت قرائت هر کدام دو راوی دارند که ذیلاً می آید.

قاریان هفت گانه و راویان آنها

۱. ابن عامر: عبدالله بن عامر یحصبی، (متوفای ۱۱۸) قاری شام؛ دو راوی او هشام بن عمار (۲۴۵ - ۱۵۳) و ابن ذکوان (۲۴۲ - ۱۷۳) هستند.

۲. ابن کثیر: عبدالله بن کثیر دارمی، (متوفای ۱۲۰) قاری مکه؛ دو راوی او بزّی (۲۵۰ - ۱۷۰) و قُبیل (۲۹۵ - ۱۹۱) هستند.

ص: ۹۹

۱- (۱). مباحث فی علوم القرآن؛ ص ۲۴۷ - ۱۴۸.

۳. عاصم: عاصم بن ابی النُّجُود اسدی، (متوفای ۱۲۸) قاری کوفه؛ دو راوی او حفص بن سلیمان (۱۸۰ - ۹۰) و شعبه ابوبکر بن عیاش (۱۹۳ - ۹۵) هستند.

حفص قرائت عاصم را دقیق تر می دانست و قرائت عاصم را او منتشر کرد که تا امروز در اکثر کشورهای اسلامی متداول است.

۴. ابو عمرو: زبّان ابو عمرو بن علاء مازنی، (متوفای ۱۵۴) قاری بصره؛ دو راوی او دوری، حفص بن عمر (متوفای ۲۴۶) و سوسی صالح بن زیاد (متوفای ۲۶۱) هستند.

۵. حمزه: حمزه بن حبيب زیات (متوفای ۱۵۶) قاری کوفه؛ دو راوی او خلف بن هشام (۲۲۹ - ۱۵۰) و خلّاد بن خالد (متوفای ۲۲۰) هستند. اینان قرائت را با واسطه از او گرفته اند.

۶. نافع: نافع بن عبدالرحمان اللیثی، (متوفای ۱۶۹) قاری مدینه؛ دو راوی او عیسی بن میناء (۲۲۰ - ۱۲۰) معروف به قالدون و ورش، عثمان بن سعید، (۱۹۷ - ۱۱۰) هستند. این قرائتی است که امروز در برخی از کشورهای مغرب عربی و آفریقایی رایج است.

۷. کسائی: علی بن حمزه، (متوفای ۱۸۹) قاری کوفه؛ دو راوی او لیث بن خالد (متوفای ۲۴۰) و دوری، حفص بن عمر، (متوفای ۲۴۶) هستند.

بعدها سه نفر دیگر بر این هفت نفر اضافه کردند که قراء عشره (قراء ده گانه) نامیده شده اند. چهار قاری دیگر نیز که خلاف مشهور قرائت می کردند ولی مقبول عامه بودند، بر قراء عشره افزوده شدند که قراء اربعه عشر (قراء چهارده گانه) نام گرفتند. در اینجا از ذکر نام آنها خودداری می کنیم. (۱)

ص: ۱۰۰

۱- (۱). بر گرفته با تلخیص و اضافات از: الف) علوم قرآنی، علامه معرفت. ص ۱۹۱ - ۱۹۰ ب) التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۳۱ - ۲۲۶.

سؤالات

۱. قرائت را تعریف نمایید.
۲. دو عامل از عوامل اختلاف قراءات را توضیح دهید.
۳. سیر تدوین قراءات چگونه بوده است؟
۴. حصر قراءات چگونه و توسط چه کسی انجام شد؟
۵. سه تن از قاریان سبعة را نام ببرید.
۶. صبحی صالح اشکال کار ابن مجاهد را در چه چیز می داند؟

پژوهش

۱. تحقیقی پیرامون قراء چهارده گانه و اساتید آنها انجام دهید.
۲. مقایسه ای میان قرائت حفص از عاصم با قرائت ورش از نافع انجام دهید.

ص: ۱۰۱

هدف کلی: آشنایی با ویژگی های قرائت عاصم به روایت حفص و حجیت قرائات.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود فراگیر پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. ویژگی های قرائت عاصم به روایت حفص را بداند؛

۲. عدم تواتر قرائات سبعة را بداند؛

۳. جایگاه روایت سبعة احرف را بشناسد؛

۴. رابطه حدیث سبعة احرف با قرائات سبعة را بیان نماید.

ویژگی های قرائت عاصم به روایت حفص

در میان قرائات مختلف، یگانه قرائتی که دارای سندی صحیح و با پشتوانه جمهور مسلمین استحکام یافته، «قرائت عاصم به روایت حفص» است. این قرائت در طی قرون پی در پی تا امروز، همواره میان مسلمانان متداول بوده و هست که این تداول به چند سبب است:

۱. شایع بودن آن در میان عامه مسلمانان: در حقیقت قرائت حفص همان قرائت عامه مسلمانان است؛ زیرا حفص و استاد او (عاصم) شدیداً به آنچه که با قرائت عامه مردم و روایت صحیح و متواتر میان مسلمانان موافق بوده، پای بند بودند. این قرائت را عاصم از شیخ خود، ابو عبدالرحمان سلمی، و او از امام علی

و ابن مسعود اخذ کرده است و آن دو بزرگوار نیز با نص اصلی وحی که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده و میان مسلمانان متواتر بوده، قرائت می کرد.

۲. ثقه بودن راویان: عاصم در بین قراء معروف به خصوصیات و خصلت هایی ممتاز بوده که شخصیتی قابل توجه به او بخشیده است. وی در اخذ قرآن از دیگران بسیار محتاط بوده است، لذا قرائت را از کسی غیر از ابوعبدالرحمان سلمی - که از علی بن ابی طالب (رض) فراگرفته بود - اخذ نمی کرد. ابن عیاش می گوید: «عاصم به من گفت: هیچ کس حرفی از قرآن را برای من قرائت نکرد مگر ابوعبدالرحمان سلمی، که قرآن را از علی (رض) اخذ کرده بود.»^(۱)

همچنین حفص - که قرائت عاصم را در مناطق مختلف رواج داده است - به انضباط و شایستگی معروف بود و در میان اصحاب عاصم نسبت به قرائت او اعلم بود؛ از این جهت، همه مسلمانان علاقه مند بودند تا قرائت عاصم را از وی اخذ کنند.

ابوعمر و داتنی می گوید: «حفص کسی است که قرائت عاصم را برای مردم تلاوت می کرد و در ترویج آن می کوشید. او در بغداد و در مکه به آموزش قرائت عاصم همت گماشت»^(۲) شاطبی درباره وی می گوید: «حفص به جهت دقت و اتقان در قرائت، برتر از دیگران شمرده می شد.»^(۳)

۳. پذیرفته شدن آن از سوی بزرگان: در تمام دروه های تاریخ، قرائت عاصم قرائتی بود که بر همه قرائت ها ترجیح داشته و بین عام مسلمانان و در مناطق مختلف رواج داشته است؛ به عنوان مثال: در ابتدای قرن چهارم، در جلسه قرائت

ص: ۱۰۴

۱- (۱). معرفه القراء الکبار ج ۱، ص ۷۵.

۲- (۲). ابن الجزری، شمس الدین ابوالخیر، غایه النهایه فی طبقات القراء، مکتبه ابن تیمیه، ج ۱، ص ۲۵۴.

۳- (۳). ابوالقاسم عذری، شرح الشاطبیه (سراج القاری)، ص ۱۴.

ابن مجاهد - قاری بغداد - پانزده تن متخصص قرائت عاصم وجود داشته است و ابن مجاهد تنها قرائت عاصم را به آنان تعلیم می داد. (۱) یا نبطویه ابراهیم بن محمد (در گذشته به سال ۳۲۳) - که پنجاه سال آموزش قرائت را به عهده داشت - جلسات خود را با قرائت عاصم آغاز می کرد و سپس به قرائت های دیگر می پرداخت. (۲) احمد بن حنبل نیز گفته است: «عاصم مورد وثوق بود و من قرائت او را اختیار کرده ام». (۳) همچنین اکثر ائمه قرائت کوشیده اند تا اسناد قرائت خود را به عاصم متصل کنند. علاوه بر این، تمامی تفاسیری که بر قرآن نگاشته شده است، ضمن توجه به سایر قرائات، محور کار خود قرائت عاصم را قرار داده اند. در واقع می توان گفت که علت اصلی شهرت و پذیرش قرائت عاصم به روایت حفص مطابقت آن با قرائت متواتر و رایج مسلمین بوده است.

تواتر و حجیت قراءات سبعة

روشن است که قرآن کریم از جهت لفظ و معنا کلام الهی و معجزه ربانی است و می بایست همانگونه تلاوت شود که جبرئیل به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و آن جناب به مسلمین تعلیم داده اند. در قرون بعدی نیز قرائتی حجیت دارد که به صورت متواتر (۴) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برسد. به تعبیر امام زرکشی:

قرائتی اعتبار دارد که روایت مربوط به آن نقلاً و قرائتاً و لفظاً متصل باشد و

ص: ۱۰۵

-
- ۱- (۱) . معرفه القراء الکبار؛ ج ۱، ص ۲۱۷.
 - ۲- (۲) . ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰۹.
 - ۳- (۳) . ذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۲، ص ۳۵۸.
 - ۴- (۴) . منظور از تواتر آن است که اسناد آن علاوه بر اتصال کامل در تمامی طبقات به گونه ای باشد که موجب علم و اطمینان شود و تعداد ناقلان و وضع آنها به صورتی باشد که احتمال هرگونه توافق بر کذب و جعل را منتفی نماید.

درباره هیچ یک از ناقلان آن خدشه ای دیده نشود. (۱)

یکی از مسائل مهم در بحث قراءات، مسئله تواتر قراءات سبعة است که آیا این قراءات همگی متواترند و حجیت قطعی دارند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، هر مسلمانی مجاز به تلاوت قرآن بر اساس هر یک از این قراءات در نماز می باشد، همچنین مفسرین و فقهاء می توانند بر اساس هر کدام از این قراءات، آیات را تفسیر و طبق آن فتوا صادر نمایند.

قول مشهور میان محققین علوم قرآنی و مباحث تفسیری عدم تواتر و در نتیجه عدم حجیت قراءات سبعة و قراءات چهارده گانه است. (البته به استثنای قرائت حفص از عاصم که همان قرائت مشهور و متداول میان مسلمین است و با تواتر از صدر اسلام تا کنون نقل شده و محفوظ مانده است).

باید میان نص قرآن و قراءات فرق قائل شد زیرا آنها دو حقیقت جداگانه اند. نص منزل قرآن کریم بر رسول خدا چیزی است و قراءاتی که به طور گسترده با آن نص اختلاف دارد، چیز دیگری است.

نص قرآن کریم همان وحی الهی است که از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا امروز در میان تمام فرق اسلامی با همه اختلافات مذهبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نژادی که داشته اند، نسل به نسل به طور متواتر بر قرار مانده و هیچ دگرگونی در آن راه نیافته است. زیرا صیانت آن از سوی خدای عزیز حکیم تضمین گردیده است. در حالی که قراءات گوناگون قاریان هرگز برخوردار از چنین ویژگی و تواتر نبوده و متفق علیه امت اسلامی نمی باشد:

«قرآن و قراءات دو حقیقت جداگانه و متفاوتند، قرآن همان وحی خداوند

ص: ۱۰۶

است که برای بیان اعجاز بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل گردیده است؛ اما قرائت‌ها عبارتند از اختلاف در ادای الفاظ وحی یا نوشتن حروف آنها» (۱)

قراءات سبعة (به جز قرائت حفص از عاصم) هم به صورت صعودی تا پیامبر (صلی الله علیه و آله) فاقد تواترند و هم به صورت نزولی تا قرون بعدی به صورت واحد یا بدون سند نقل شده اند. گذشته از اینها، نفس انتساب هر کدام از قراءات به یک نفر بیانگر عدم تواتر آن است؛ چون که در فرض تواتر آن قرائت تا زمان قاری و تواتر آن بعد از او، توقف آن در یکی از طبقات به یک نفر که همان قاری باشد قرائت را از تواتر ساقط می‌کند و لذا نمی‌توان برای قراءات، تواتر فرض کرد. اما قرائت حفص که علاوه بر انتسابش به یک شخص، متواتراً توسط عامه مسلمین و به خصوص علماء نقل و ضبط شده و مصاحف بر اساس همین قرائت اعراب و اعجام گذاری شده است و البته از آنجا که قرائت عاصم به روایت حفص با جمهور مسلمین مطابقت داشت و او سهم عظیمی در ترویج این قرائت داشت به اسم ایشان شهرت یافته است.

علاوه بر مطلب فوق، تصریح بزرگان و حتی مخالفت علماء بر اکثر قراءات، بیانگر عدم تواتر آنهاست. مگر می‌توان تصور کرد که قراءات سبعة یا چهارده گانه متواتر باشند اما بزرگانی چون امام احمد بن حنبل بدان‌ها مخالفت نمایند. (۲)

به همین خاطر اکثر قریب به اتفاق محققین علوم قرآنی و مباحث تفسیری، حجیت و تواتر قراءات سبعة را منکر شده اند.

حدیث سبعة احرف و قراءات هفتگانه

تنها مستند قائلین به حجیت قراءات هفتگانه حدیث سبعة احرف است.

ص: ۱۰۷

۱- (۱). همان ج ۱ نوع ۲۲ ص ۴۶۵.

۲- (۲). ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۷ و ۲۸.

شیخین در صحیح خودشان و دیگران نقل کرده اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از اختلاف میان دو صحابه بر سر کیفیت قرائت آیه ای فرمود:

«إن هذا القرآن انزل علی سبعة احرف فاقرأوا ماتیسر منه» (۱) همانا این قرآن بر هفت وجه نازل شده، پس هر گونه که بتوانید، آن را قرائت نمایید.

برخی ظاهر بینان، پس از رواج قراءات سبعة گمان کردند که مستند قراءات سبعة همین روایت مذکور است و این پیشگویی، معجزه ای محسوب می شود. (۲)

در حالی که هیچ ارتباطی میان این روایات و قراء سبعة وجود ندارد. نه تنها هیچ یک از محققین این مطلب را بیان نکرده اند بلکه خود ابن مجاهد که حصر کننده قراءات است هرگز به این حدیث در توجیه عملش استناد نکرده است.

جزائری به زیبای کامل گفته است:

پاره ای از مردم خیال کرده اند که قرائت های هفتگانه همان حروف و وجوه هفتگانه است، در صورتی که چنین نیست... و حتی عده ای از دانشمندان، ابوبکر بن مجاهد را در انتخاب هفت قرائت نکوهش و ملامت نموده، گفته اند که کلمه «هفت» گاهی سبب اشتباه در میان قرائتها و وجوه هفتگانه قرآن شده است.

جزائری از احمد بن عمار مهدوی نقل می کند که «... ابن مجاهد موقعی می خواست قراءات را به تعداد معین منحصر کند، کاش یکی را کمتر و یا بیشتر می نمود و بدین وسیله این اشتباه را بر طرف می ساخت...» ابن جزری نیز توهم کسانی را که خیال می کنند روش ها و سبک های هفتگانه ای که قرآن بر طبق آن

ص: ۱۰۸

-
- ۱- (۱). صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۸۸ کتاب فضایل القرآن، باب انزل القرآن علی سبعة احرف، کتاب صلاه المسافرین و قصرها. باب ان القرآن علی سبعة احرف. صحیح مسلم، کتاب صلاه المسافرین و قصرها، باب ان القرآن علی سبعة احرف.
 - ۲- (۲). محمد علی الحسن، المنار فی علوم القرآن، ص ۱۱۸ به بعد.

نازل گردیده و تا قیامت باقی است، باطل دانسته و چنین می گوید: «شما خود ضعف و بی پایه بودن این نظریه را می بینید زیرا افراد با اطلاع به طور حتم می دانند که این قرائت های هفتگانه و ده گانه و سیزده گانه که امروز مشهور گردیده اند؛ در برابر قرائتهایی که در قرون اول بوده، مشتی از خروار و قطره ای از دریا بیش نیست، چون قاریانی که از هفت قاری معروف و غیر آنها اخذ قرائت نموده اند، آن چنان زیاد بودند که به شمارش نیایند و به عدد ننگند.

سپس ایشان به ذکر کتبی که اولین بار در مورد قاریان و قراء نگاشته شده می پردازد و خاطر نشان می کند که در بعضی از آنها ۲۵ قاری، در برخی ۵ قاری و در برخی ۲۰ قاری ذکر شده و نهایتاً توسط ابوبکر بن مجاهد در هفت قاری حصر گردید، در آخر می گوید:

ما این فصل را بدان جهت تفصیل دادیم که افراد بی اطلاع چنین پنداشته اند که قرائت های صحیح تنها همان قرائت های هفتگانه است و «حروف» و وجوه هفتگانه ای که رسول خدا به آن اشاره نموده است، همان قرائتهای هفتگانه معروف هستند.»
[\(۱\)](#)

سیوطی نیز از ابوشامه نقل می کند که:

«عده ای خیال کرده اند که قرائت های هفتگانه متداول، همان است که در حدیث معروف به آن اشاره شده است، در صورتی که این مطلب مخالف اجماع تمام علماء و دانشمندان می باشد. آری تنها بعضی افراد جاهل و بی دانش تصور کرده اند.» نظیر این مطلب از ابومحمد مکی و ابن تیمیه نیز نقل شده است. [\(۲\)](#)

ص: ۱۰۹

۱- (۱). النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۷.

۲- (۲). الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۲۲ - ۲۷، ج ۱، ص ۱۳۸.

تنها توجیهی که برای حدیث سبعة احرف می توان کرد این است که منظور از آن لهجه های قبائل عرب است. (۱)

حرف در لغت به معنای طرف و کناره است. اما در حدیث مورد نظر بنا بر نقل ابو عبید می گوید: منظور از انزل علی سبعة احرف «نزل علی سبع لغات من لغات العرب» است. از هری نیز از ابوالعباس نقل کرده که در معنای نزل القرآن علی سبعة احرف گفته است، مقصود از احرف چیزی جز لغات (لهجه ها) نیست. (۲)

بغوی گوید: صحیح ترین گفته درباره این حدیث و نزدیک ترین تفسیرها به ظاهر حدیث آن است که منظور از این حروف، لغات است. به این معنا که هر قومی از عرب می تواند قرآن را به لغت خود قرائت کند و هر کلمه ای را به نحوی که روش و عادت اوست اعم از ادغام، اظهار، اماله، تفخیم، اشمام، اتمام، تلین و دیگر وجوه قرائت کند تا آنجا که هر کلمه ای را به هفت وجه می شود خواند. (۳)

ص: ۱۱۰

۱- (۱). البته برخی آن را اشاره به محتوای قرآن مثل امر، نهی، مثل، قصص و غیره و برخی دیگر اشاره به بطون قرآن دانسته اند.

۲- (۲). لسان العرب ماده حرف.

۳- (۳). بغوی شامی، محمد بن فراء، شرح السنه، ص ۱۴۰؛ ابی شامه، ابو القاسم شهاب الدین، المرشد الوجیز إلی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، ص ۱۳۴ نیز نک: الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۶.

سؤالات

۱. ویژگی های قرائت عاصم را ذکر نمایید.
۲. آیا قراءات هفتگانه یا چهارده گانه حجت اند؟ چرا؟
۳. چه ارتباطی میان حدیث سبعة احرف و قراءات سبعة وجود دارد؟
۴. معنای حدیث سبعة احرف چیست؟

پژوهش

۱. پژوهشی پیرامون حجیت قرائات سبعة انجام دهید.
۲. در مورد معنای حدیث سبعة احرف از شروح بخاری و مسلم تحقیقی انجام دهید.

ص: ۱۱۱

هدف کلی: آشنایی با مفهوم تحریف و دلایل سلامت قرآن کریم از تحریف.

هدفهای آموزشی:

انتظار می رود فراگیر پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. مفهوم تحریف در لغت را بیان کند؛

۲. استعمال تحریف را در قرآن بازگو نماید؛

۳. انواع تحریف را بشناسد؛

۴. ادله نقلی و عقلی مصونیت قرآن از تحریف را ذکر نماید؛

۵. گواهی تاریخ را مبنی بر تواتر متن قرآن توضیح دهد؛

۶. چگونگی اجماع مسلمین بر سلامت قرآن را بیان نماید.

(إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (۱)

قرآن کریم تنها کتاب آسمانی است که خداوند تبارک و تعالی حفظ و نگهداری آن را تضمین کرده است. صُحُف و کتاب های دیگر پیامبران، یا از بین رفتند و یا دستخوش تحریف و دگرگونی شدند. یکی از اهداف بعثت پیامبران نیز از بین بردن تحریف ها و تغییرهای واقع شده در ادیان پیشین و نشان دادن راه راست به بشریت بوده است.

اعتقاد راسخ و اجماع مطلق علمای اسلام از سلف و خلف بر این استوار است که هیچگونه تغییر و دگرگونی در الفاظ قرآن کریم چه بالزیاده و چه بالنقصه

ص: ۱۱۳

صورت نگرفته است؛ اما در طول تاریخ عده انگشت شماری بر اثر غفلت، یا بر اثر جهالت و یا احیاناً به علت ستیزه جویی با قرآن کریم، ادعای تحریف در برخی از آیات کلام الله مجید را کرده اند که اصل نظر آنها به کلی مطرود و استدلالات آنها مورد مناقشه تمامی دانشمندان جهان اسلام واقع شده است.

در این فصل ضمن مفهوم شناسی تحریف به انواع تحریف اشاره و موضع محققین فرزانه اسلام همراه با استدلالات نقلی و عقلی تبیین خواهد شد.

مفهوم تحریف

کلمه تحریف مصدر باب تفعیل از ریشه «ح، ر، ف» است. حرف یعنی کنار، حاشیه، طرف و جانب؛ و تحریف به معنای مایل نمودن و دگرگون ساختن است.

راغب اصفهانی گوید:

«تحریف الشیء: إمالته و العدول به عن موضعه إلی جانب، مأخوذ من حرف الشیء بمعنی طرفه و جانبه» (۱)

استعمال تحریف در قرآن

مشتقات کلمه تحریف در چند آیه از قرآن کریم به معنای تغییر و دگرگونی آمده است. خداوند در مورد یهود می فرماید:

۱. (مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ...) (۲)

۲. (... يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِن بَعْدِ مَوَاضِعِهِ...) (۳)

ص: ۱۱۴

۱- (۱). مفردات، ذیل ماده حرف.

۲- (۲). نساء، آیه ۴۶ و مائده ۱۳.

۳- (۳). مائده، آیه ۴۱.

۳. (أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (۱)

هرچند عده ای از دانشمندان معتقدند، منظور از تحریف در آیات فوق مربوط به تحریف معنوی تورات است که به دست گروهی از آنان انجام می گرفت. تحریف به معنای معنوی یعنی تغییر و تبدیل معنای کلام و تفسیر و تأویل سخن به غیر معنای واقعی و به غیر مراد خداوند تبارک و تعالی. به همین جهت می توان گفت که هر کس قرآن را تفسیر به رأی و به صورتی غیر حقیقی تفسیر نماید، آن را تحریف کرده است، همانگونه که برخی از یهودیان در مورد تورات چنین می کرده اند. اما به نظر می رسد معنای تحریف در آیات مذکور عام است و شامل هر دو قسم تحریف معنوی و لفظی می شود.

انواع تحریف

در یک تقسیم بندی می توان تحریف را به دو دسته کلی تقسیم نمود، تحریف معنوی و تحریف لفظی.

الف) تحریف معنوی: منظور از تحریف معنوی همانطور که بیان شد، تفسیر و تأویل ناروا و بر خلاف روایات و قواعد محاوره است. اصطلاحاً به آن تفسیر به رأی گویند، زیرا صرفاً آیه قرآن با دلخواه گوینده تأویل و معنی شده نه با استناد به روایات و قواعد عقلایی. به عبارت دیگر در تفسیر به رأی، نظر افراد یا مذهب، اصل و آیه قرآن بر اساس آن تأویل می شود، در حالی که می بایست قرآن اصل قرار بگیرد و میزان باشد و آرای دیگران با آن سنجیده شود. این نوع

ص: ۱۱۵

تحریر از گذشته تا به حال در باره آیات قرآن کریم رخ داده است و لذا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را به شدت مذمت نموده فرمودند:

«من فسر القرآن برأیه فلیتوباً مقعده عن النار» (۱)

(ب) تحریر لفظی: تحریر لفظی خود به چهار صورت قابل تصور است:

۱. تحریر به تبدیل، به این معنی که کلمات قرآن به معنای مرادف و هم معنای خود تبدیل و لفظی جایگزین لفظ دیگر شود. این عمل خود یک نوع تحریر و دگرگونی لفظی محسوب می شود و جواز آن در قرآن، مورد انکار همه علمای اسلامی می باشد. لذا نمی توان به جای کلمه «علیم»، «خبیر» و یا به جای «حکیم»، «عزیز» را ذکر کرد هرچند که از جهت معنا با هم نزدیک باشند.

۲. تحریر به ترتیب: یعنی تقدیم و تأخر و جابجا کردن کلمات یا آیات قرآن. این عمل نیز تحریر قرآن محسوب و بالاتفاق مردود بوده قایل شدن به آن خلاف فصاحت و بلاغت قرآن و زیر سؤال بردن حکمت الهی و اعجاز نبوی می باشد. البته در مورد جابجایی سوره ها در ترتیب نزول مانعی وجود ندارد، همانطور که ترتیب سوره ها در مصحف کنونی بالاجماع بر خلاف ترتیب نزول می باشد.

۳. تحریر به افزایش: یعنی چیزی از غیر قرآن (سخن بشر یا جن) بر قرآن که سخن خداست افزوده شده باشد، این قسم را نیز کسی مدعی نشده است به جز گروهی از خوارج که به نظر آنها سوره مبارکه یوسف دور از شأن وحی و کلام الهی است.

(۲)

۴. تحریر به کاهش: یعنی فرض حذف و از میان رفتن کلمه، جمله و یا

ص: ۱۱۶

۱- (۱). ابو عیسی ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، ح ۲۹۵۱.

۲- (۲). نک: علامه معرفت، محمد هادی، صیانه القرآن من التحریف، ص ۱۳.

سوره ای از قرآن کریم. بدون تردید قرآن کریم بنا بر دلایل متعدد نقلی و عقلی که اشاره خواهد شد از این نوع تحریف نیز مصون و محفوظ است.

اما برخی پنداشته اند که قرآن مجید، بیش از اندازه موجود بوده است و از روی سهو و اشتباه یا عمداً از آن کاسته شده است. پس کسانی که بر خلاف اجماع مسلمین ادعای تحریف نموده اند منظورشان تحریف به کاهش (تحریف بالنقصه) می باشد.

ادله مصونیت قرآن از تحریف

اشاره

ادله فراوانی برای محفوظ ماندن قرآن مجید وجود دارد که در این مجال به دو آیه کریمه و یک دلیل عقلی، دلیل تاریخی و اجماع مسلمین بسنده می شود.

۱- دلیل قرآنی

الف) آیه حفظ

خداوند در قرآن کریم با تأکید زیاد تضمین کرده است که قرآن کریم را از هرگونه گزند و تغییر حفظ خواهد کرد:

(إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (۱)

ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم!

این آیه در مکه نازل شده و به صورت جمله اسمیه و با «إِنَّ» همراه با ضمیر منفصل «نحن» و لام تأکید بیان شده است، چند عامل تأکید کلام در این آیه جمع شده تا این حقیقت مهم و جاودانه را بیان نماید که قرآن از هر گزندی محفوظ خواهد ماند.

آیه شریفه دارای دو قسمت است؛ در قسمت اول شک و تردید مشرکین و

ص: ۱۱۷

منکران قرآن را که الهی بودن آن را نفی می کردند و آن را ساخته حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) یا برگرفته از داستان ها و اساطیر گذشتگان می پنداشتند، با جمله (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا...) پندار آنان را ابطال می نماید.

فراز دوم آیه که هم تضمین الهی و هم از اخبار غیبی قرآن کریم است، گامی فراتر نهاده، با ادوات متعدد تأکید، نگه داشتن قرآن در همیشه تاریخ را بیان می کند: (وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)

بنابر این، صیانت قرآن از گزند حوادث وعده ابدی خدا و تخلف ناپذیر است.

(ب) آیه عزت

آیه دیگری که با صراحت تمام تر حفظ قرآن و بطلان ناپذیری آن را بیان می نماید آیه شریفه «عزت» است:

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ)

در آیه «ذکر» مسئله محافظت و نگهداری خداوند مورد تأکید بود، در این آیه سخن از نفوذ ناپذیری خود متن قرآن است. یعنی متن قرآن کریم را خداوند حکیم چنان نظم و اسلوب، جذابیت و کشش بخشیده که خود به خود به حصن و قلعه محکمی تبدیل شده و از نفوذ هرگونه باطل و کلام غیر الهی محفوظ مانده است.

«عزیز» از ماده عزت و به معنای سختی و نفوذ ناپذیر است. در زبان عربی چیزی را که تحت تأثیر عامل خارجی قرار نگیرد «عزیز» می گویند. واژه عزیز به عنوان صفت قرآن، گویای آن است که قرآن نفوذ ناپذیر است و تحت تأثیر و مغلوب عامل دیگری واقع نمی شود. اگر قرآن قابل تحریف باشد، شکست پذیر و مغلوب خواهد شد که خلاف وعده الهی است.

جمله (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ) نیز بیانگر نفی تحریف است؛ چون می فرماید: به هیچ صورتی باطل در قرآن راه نخواهد یافت. از طرفی هرگونه تغییر، فزونی یا کاهش موجب شکست پذیری قرآن و راهیابی باطل به آن می شود، بنابراین تحریف هم که یکی از مصادیق باطل است به قرآن سرایت نخواهد کرد.

عبارت: (مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ) می تواند به معنای پیش رو و پشت سر باشد یا به معنای هنگام نزول و پس از آن؛ در هر صورت یک تعبیر کنایی است و ناظر بر نفی کامل راهیابی باطل به قرآن است. مراد این است که به هیچ روی هیچ نوع باطل در قرآن راه ندارد، چنان آیات و جملاتش مستحکم و استوار است که هرگونه نفوذ باطل را در خود عقیم می کند.

و سرانجام، جمله پایانی آیه (تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ) یادآور علت آسیب ناپذیری قرآن است، یعنی قرآن از آن روی مصون از هرگونه تحریف و تبدیل است که کلام خداوند حکیم و ستوده و فرا سوی فکر بشر است. (۱)

۲- دلیل عقلی

قرآن کریم آخرین کتاب الهی و قوانین و دستورات آن به عنوان کامل ترین و جامع ترین برنامه سعادت، تا روز قیامت هادی و راهنمای بشریت است. پس از قرآن کتابی نخواهد آمد و بعد از پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) رسولی فرستاده نخواهد شد. اگر شریعت اسلامی آخرین شریعت و قرآن کریم راهنمای تمامی انسان ها تا پایان دنیا باشد، حکمت خداوند متعال اقتضا می کند که کتاب خود را از هرگونه دستبرد و دگرگونی محفوظ بدارد و تدابیر لازم را برای سلامت آن از تحریف

ص: ۱۱۹

۱- (۱). استفاده از کلمه «الذکر» به جای دیگر اسامی قرآن در دو آیه حفظ و عزت اشاره لطیفی در بقای قرآن و حفظ آن در اذهان دارد.

پیش بینی نماید و الا نقض غرض خواهد شد. یعنی اگر خداوند آخرین کتاب خود را حفظ نکند هدایت بشر تحقق نخواهد یافت. بنابراین اراده خداوند حکیم بر این قرار گرفته است که قرآن مجید را از هر گونه تغییر و تحریف مصون بدارد.

۳- سیره مسلمین و گواهی تاریخ

یکی از ادله محفوظ ماندن قرآن از گزند تحریف، توجه و عنایت خاص مسلمین بر آن است. همانطور که در گذشته نیز اشاره شد در صدر اسلام مسلمین در دو زمینه حفظ قرآن در سینه ها و ثبت آن در ابزارهای نگارشی، تمامی تلاش خود را به کار می بستند و با شور و شوق وصف ناپذیری در نگهداری آن می کوشیدند. این توجه، با گسترش اسلام و تکثر مسلمین افزایش یافت. قرآن کریم تنها کتابی است که با سندی بسیار استوار و خدشه ناپذیر و به صورت متواتر نسل بعد نسل که مهیمن (۱) بر سایر کتب است، در میان مسلمانان دست به دست گشت و هر چه به عمر زمینی این نامه هدایت گذشت، جایگاه رفیع آن در دل ها فزونی یافت و مسلمانان با حساسیت، مجال و زمینه هر گونه تحریف و دستبرد به متن قرآن را از بد اندیشان بستند.

۴- اجماع مسلمین

همه مسلمانان و امت اسلامی با وجود داشتن تفاوت های مذهبی در مورد سلامت قرآن از تحریف اتفاق نظر و اجماع رأی دارند. این عقیده راسخ تمامی دانشمندان جهان اسلام در طول تاریخ بوده و هست که قرآن موجود در میان مسلمین همان است که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده و هیچ گونه

ص: ۱۲۰

۱- (۱). (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ...) «و این کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست...» مائده، آیه ۴۸.

تغییر و تحریفی نه بالزیاده و نه بالنقصه در آن رخ نداده است.

البته تعداد انگشت شماری از علما بوده اند که فریب ظاهر برخی روایات مجعول را خورده و قایل به تحریف به نقیصه شده اند.

سید نعمت الله جزائری (م ۱۱۱۲ق) پرچمدار این گروه و مبتکر اندیشه تحریف بود که کتاب او با عنوان «الانوار النعمانیه» انباشته از اخبار و داستان های خرافی و عجیب و بی اساس است. کتاب او منبع اصلی قول به تحریف بود و میرزای حسین نوری (م ۱۳۲۰ق) با نوشتن «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب» اشتباه او را تکرار و تکمیل نمود. (۱)

اما از این دو نفر که بگذریم تمامی علمای اسلام - اعم از سنی و شیعه - متفق اند که هیچ گونه تحریف در قرآن اتفاق نافتاده است.

استاد علامه محمدهادی معرفت با نوشتن چند اثر با ارزش از جمله کتاب با ارزش «التهمید» و «صیانه القرآن من التحریف» از مصونیت قرآن از هر گونه تحریف و دیگرگونی دفاع نموده و نظرات جمع کثیری از اعلام امامیه را در زمینه عدم تحریف ذکر نموده است. (۲)

ص: ۱۲۱

۱- (۱). باید توجه داشت که رأی نعمت الله جزائری و میرزای نوری به هیچ وجه قابل دفاع و توجیه نیست، چون خلاف دلایل ذکر شده در جهت محفوظ ماندن قرآن از تحریف می باشد. ولی انصاف آن است که این دیدگاه نباید به کل مذهب امامیه نسبت داده شود، زیرا همانطور که اشاره شد تمامی علمای این مذهب - اعم از متقدمین و متأخرین - قائل به عدم تحریف اند و نظر یک یا دو نفر که کاملاً جنبه شخصی دارد و مورد مخالفت قاطبه دانشمندان خودشان واقع گردیده است نباید به کل مذهب نسبت داده شود. نباید با دستاویز قرار دادن چنین آرای ضعیف و مردود چشم و گوش خود را در برابر قداست و جایگاه بزرگ قرآن نزد آنها ببندیم و نا آگاهانه قرآن را که جبل متین و مایه وحدت مسلمین است سبب تفرقه مسلمین و بدین بهانه مورد تضعیف قرار بدهیم.

۲- (۲). صیانه القرآن من التحریف و التهمید فی علوم القرآن، ج ۸.

۱. معنای کلمه «تحریف» را بازگو نمایید.
۲. کلمه تحریف در قرآن به کدام معناست؟
۳. تحریف معنوی را توضیح دهید.
۴. انواع مختلف تحریف لفظی را توضیح دهید.
۵. دلالت آیه «حفظ» را بر مصونیت قرآن بیان کنید.
۶. آیه «عزت» چگونه بر عدم تحریف دلالت می کند؟
۷. دلیل عقلی بر مصونیت قرآن از تحریف را تقریر نمایید.
۸. گواهی تاریخ را در تواتر متن قرآن توضیح دهید.
۹. چگونه اجماع مسلمین بر سلامت قرآن از تحریف دلالت می کند؟

پژوهش

۱. دیدگاه چند تن از علمای گذشته و معاصر سنی و شیعه را در مورد سلامت قرآن از تحریف مطالعه و گزارش نمایید.
۲. سلامت قرآن با قراءات هفتگانه یا چهارده گانه چگونه سازگار است؟

هدف کلی: آشنایی با مفهوم اعجاز، ضرورت آن و مراحل تحدی طلبی قرآن کریم.

اهداف آموزشی این فصل:

انتظار می رود دانش پژوهان پس از فراگیری این فصل بتوانند:

۱. معجزه را تعریف نموده، انواع آن را نام ببرند؛

۲. جنبه های اعجاز قرآن کریم را بشناسند؛

۳. ضرورت وجود معجزه را بدانند؛

۴. تحدی را تعریف نموده، با مراحل تحدی قرآن کریم آشنا شوند؛

۵. بزرگترین دلیل اعجاز قرآن کریم را بشناسند.

پیامبران در زمانهای مختلف، معجزات گوناگونی متناسب با سطح اندیشه و کمالات انسانهای زمان خود ارائه می کردند. هرچه بر آگاهی مردم افزوده می شد و سطح تمدن آنها بالا-تر می رفت، معجزه پیامبران نیز ترقی پیدا می کرد و دقیق تر و لطیف تر می گشت. قرآن، آخرین معجزه پیامبران (معجزه پیامبر اسلام) دقیق ترین، ظریف ترین و لطیف ترین معجزه نسبت به معجزه های دیگر انبیاء است.

قرآن با شیوا ترین سبک، رسا ترین بیان و استوار ترین محتوا، بر عرب آن زمان - که یگانه مهارت آنان زبان و بیان بود - عرضه شد و لذا به خوبی تشخیص دادند که سخنی که این گونه آنان را از هماوردی ناتوان سازد، نمی تواند ساخته دست بشر باشد. (۱)

ص: ۱۲۳

۱- (۱). پیامبران معجزاتی انجام می دادند که از توان ماهرترین کارشناسان آن دوره بیرون بود و به این وسیله نشان می دادند که آنچه ارائه می دهند بیرون از توان بشریت بوده از جانب خداوند متعال می باشد.

ولید بن مغیره مخزومی - که سخنوری نیرومند و از سران بلند پایه و سرشناس عرب به شمار می رفت - در باره قرآن چنین می گوید: «آنچه ابن ابی کبشه (۱) می سراید، به خدا سوگند نه شعر است، نه سحر و نه گزافگویی بی خردان؛ بی گمان گفته او سخن خداست...».

هم او - موقعی که از کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) می گذشت و آیاتی چند از سوره مؤمن را که پیامبر در نماز تلاوت می نمودند شنید - گفت: «به خدا سوگند چندی پیش از محمد (صلی الله علیه و آله) سخنی شنیدم که نه به سخن آدمیان مانند است و نه به سخن پریان. به خدا سوگند سخن او شیرینی و زیبایی ویژه ای دارد؛ همچون درخت برومند و سر برافراشته، که بلندای آن پر ثمر و اثر بخش و پایه آن استوار است و ریشه مستحکم و گسترده دارد. همانا بر دیگر سخنان برتری خواهد یافت و سخنی دیگر بر آن برتر نخواهد شد.» (۲)

این بلندای شیوه قرآنی - چه از لحاظ نظم و چه از لحاظ محتوا - همچنان پا بر جاست و تا ابد هم پا بر جا خواهد ماند؛ زیرا در بلاغت، فصاحت، استواری گفتار، رسا بودن بیان، نوآوری های فراوان در زمینه معارف و احکام و دیگر ویژگیها، آن اندازه اوج گرفته که بشریت هرچه پیشرفت کند و در راه رسیدن به آن کوشش کند، نمی تواند به تمام حقایق قرآن دسترسی پیدا کند. بدین سبب قرآن را «معجزه جاوید» گویند و این حالت برای قرآن، همیشگی و ثابت است و به عنوان سند شریعت جاوید اسلامی باقی خواهد ماند.

ص: ۱۲۴

۱- (۱). مشرکان، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را با این عنوان یاد می کردند و او را به «ابو کبشه» نسبت می دادند. او مردی از قبیله «خزاعه» بود که در دیانت با قریش مخالفت ورزید. گویند او جد مادری پیامبر بود که او را به وی نسبت می دادند.

۲- (۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۹، ص ۹۸. «مانند این گواهی از بزرگان و سخندانان عرب درباره قرآن بسیار است. برای اطلاع بیشتر ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴.

اعجاز در لغت به معنای ناتوانی و عاجز کردن دیگری می باشد. (۱) ناتوان ساختن دیگران، گاه با زور و سلب کردن قدرت از او انجام می گیرد و گاه کاری انجام می گیرد که دیگران از انجام آن عاجز و ناتوان باشند. منظور از اعجاز پیامبران حالت دوم است، یعنی پیامبران برای اثبات نبوت خویش کاری را به عنوان شاهد صدق ادعای خود ارائه می دهند که خارق عادت و قوانین طبیعت باشد و غیر او، از انجام دادن مثل آن کار ناتوان باشد.

پس معجزه خدایی بودن پیامبران را ثابت می کند و بر چهار عنصر: ناتوانی دیگران از آوردن مثل آن؛ خارق العاده بودن؛ محال عقلی نبودن؛ با هدف اثبات نبوت انجام پذیرفتن، استوار بوده توسط انبیاء الهی و با اذن و قدرت خداوند متعال صورت می گیرد.

ضرورت معجزه

خداوند می فرماید: (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) (۲)

بر اساس این آیه و آیات مشابه آن، کتاب های آسمانی و قرآن کریم برای هدایت مردم نازل شده و نیاز به مبلغ و مبین دارد تا این پیام الهی را به مردم برساند که این مسئولیت به عهده پیامبران الهی گذاشته شده است. پیامبران الهی برای اثبات ادعای خود نیاز به ارائه دلیلی دارند که مردم نماینده خدا بودن آنها را بپذیرند، زیرا با زور و اکراه نمی توان مردم را به امری معتقد یا از امری منصرف

ص: ۱۲۵

۱- (۱). طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ماده عجز.

۲- (۲). ابراهیم، آیه ۱.

نمود. خداوند برای اتمام حجت و زدودن بهانه‌ها و اطمینان قلبی مردم و تشخیص سفیران الهی از مدعیان دروغین، به هر پیامبری معجزه یا معجزاتی متناسب با سطح و ظرفیت مخاطبین عنایت می نمود. در عصر ظهور پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) فنون ادبی، شعر و سخندانی با فصاحت و بلاغت والا شهرت داشت. هر سال به مناسبتی در بازارهای معین و محافل عمومی برای عرضه اشعار نغز و خطابه‌های زیبای ادیبان و خطیبان نامدار خود گرد آمده از بهترین‌ها تقدیر می کردند. در آستانه بعثت رسول خاتم هفت قصیده از بهترین اشعار ادیبان خود را با آب طلا نوشته بر خانه کعبه آویزان نمودند. پیامبر اعظم با سلاحی قدم در این میدان می گذارد که همه ارباب سخن را به حیرت و آری او در کنار دیگر معجزاتش، عظیم ترین و جاودانه ترین معجزه را در همان هیأت، قالب و زبان رایج مردم با هدف هدایت بشریت ارائه می کند که از نظر لفظ و معنی در چنان بلندایی قرار دارد که برای همیشه انس و جن از هماوردی با آن احساس عجز می کنند: (قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً) (۱)

تحدی و مبارزه طلبی قرآن

قرآن کریم برای اثبات نبوت حضرت ختمی مرتبت و جهت هدایت بشریت نازل شد. این کتاب که سند نبوت و منبع اصلی هدایت و تربیت بشریت است در زمان، منطقه و با زبانی فرود آمد که فنون سخنوری در میان عرب به کمال رسیده بود و حجاز محل نامدارترین ادیبان، شاعران، خطیبان و خداوندان سخن و ادب عرب بود. به گواهی تاریخ، عرب زمان جاهلیت که غالباً چادر نشین و از مدینت

ص: ۱۲۶

بی بهره بودند، اما در بیان و فصاحت و بلاغت کلام، مقام بزرگترین در میان ملت‌ها دیگر داشته‌اند. آنان سخنان زیبا و ادیبانه را که با قوانین دقیق ادبی مزین بود ارج می‌نهادند و همانگونه که به مقدس‌ترین معبدهای خود یعنی بت‌ها احترام و آنها را در خانه کعبه نصب می‌کردند، اشعار نغز و جالب سخنوران مشهور را به دیوار کعبه می‌آویختند. در روزهای نخستین نزول وحی که پیامبر گرامی آیاتی از قرآن را برای مردم با صدای دلنشین خود تلاوت نمود، شور و هیجان عجیبی در مردم و در میان سخنوران آنان به وجود آمد. بیان جذاب و شیرین و پر معنای قرآن چنان در دلها نفوذ کرد و صاحبان ذوق را شیفته خود ساخت و این شیفتگی تا جایی بود که سخنان شیوا و بلند خطبا و شعرا را فراموش کردند و اشعار استادان سخن را از دیوار کعبه فرود آوردند.

این موضوع برای مشرکان و سران کفر بسیار ناگوار بود که آیات قرآن با بلاغت تمام و منطق صحیح، راه و روش شرک و بت پرستی را انکار و نکوهش کند و بت‌هایی را که سالیان دراز مردم می‌پرستیدند و برای آنها قربانی‌ها می‌کردند و روا شدن حاجات خویش را از آنها می‌خواستند به کلی باطل و مردود سازد. مشرکان به جای پذیرفتن حق و تسلیم در مقابل آن، راه ستیزه و مبارزه با قرآن و پیامبر هدایت را پیش گرفتند.

در چنین شرایطی قرآن مخالفین را به «تحدی» دعوت کرد. تحدی، همان مبارزه طلبی و دعوت به معارضة و مقابله است. این تحدی که بزرگترین افتخار و امتیاز عرب (سخنوری و سخندانی) را هدف قرار داده بود، بی نهایت تحریک‌کننده و شور آفرین می‌نمود؛ زیرا پاسخ ندادن بدان یا اقدام ناموفق، نتیجه‌ای جز از دست دادن وجهت و موقعیت ممتاز آنان نداشت. جالب‌تر این که مخاطبین تحدی تنها مردمان عرب نبود، بلکه پیام نخستین مبارزه طلبی، این بود: اگر همه

جهانیان (از انس و جن) گرد هم آیند و دست به دست هم دهند تا مانند قرآن بیاورند، از انجام دادن آن ناتوان خواهند بود.

(۱)

معارضه با آیات تحدی

تاریخ، برخی از معارضه ها را با قرآن ثبت کرده که البته مایه عبرت و شگفتی است. بنابر این، در مقابل تحدی، معارضه صورت گرفته است، اما سرانجام جز خسارت و فضاحت برای معارضه کنندگان نداشته است. سه نمونه از این معارضه ها به قرار زیر است:

۱. مسیلمه کذاب که ادعای نبوت و پیامبری داشت، در مقابل سوره فیل، این جملات را ساخت:

الفیلُ ما الفیل. و ما ادراک ما الفیل، له ذنب و بیل و خرطوم طویل... (۲)

۲. یکی از نویسندگان مسیحی که مدعی معارضه با قرآن است، در مقابل سوره حمد، با اقتباسی که از خود سوره داشته است، سوره خود ساختهای عرضه کرده است:

الحمد للرحمن، ربّ الأکوان، الملک الدیان، لک العباده و بک المُستعان، اهدنا صراط الإیمان. (۳)

۳. و در مقابله با سوره کوثر گفته است:

إنّا اعطیناک الجواهر، فصلّ لربّک و جاهر و لا تعتمد قولَ ساحر!

این فرد، با تقلید کامل از نظم و ترکیب آیات قرآنی و تغییر برخی از الفاظ

ص: ۱۲۸

۱- (۱). اشاره به آیه ۸۸ سوره اسراء.

۲- (۲). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۸.

۳- (۳). البیان فی تفسیر القرآن، ص ۹۴.

آن، به مردم چنین تلقین می کند که با قرآن معارضه کرده است. همین بافته هایش را نیز از مسیلمه کذاب به سرقت برده است. مسیلمه کذاب در برابر سوره کوثر گفته بود:

إِنَّا اعطيناك الجماهر، فصلٌ لرَبِّك و هاجر، و انّ مبغضك رجلٌ كافر. (۱)

نمونه هایی دیگر از معارضه های واهی و بی اساس وجود دارد که برای همیشه به بایگانی تاریخ سپرده شده است. (۲)

یادآوری

شرایع و پیامهای آسمانی که به دست پیامبران عرضه می شود، حقایق آشکاری است که هر فطرت پاک، آن را پذیرا می باشد. انبیاء چیزی را می گویند که فطرت و عقل بشری بی درنگ و آزادانه آن را می پذیرد:

(وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ...) (۳) «ما قرآن را که عین حقیقت است فرو فرستادیم [یعنی حقیقتی آشکار و انکار ناپذیر] و همین گونه فرود آمد...».

از این رو در جای جای قرآن تصریح شده که صاحب نظران اندیشمند، بی درنگ دعوت حق را می پذیرند و به ندای حقیقت لبیک می گویند:

(وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ...) (۴) «و [نیز] هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت و در نتیجه به آن ایمان بیاورند و دلهایشان در برابر آن خاشع گردد...».

ص: ۱۲۹

۱- (۱). برای توضیح کامل درباره بطلان این عبارات ر. ک همان، ص ۹۴ - ۹۹.

۲- (۲). مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۳- (۳). اسراء، آیه ۱۰۵.

۴- (۴). حج، آیه ۵۴.

اما کسانی که حق را با مصالح موهوم خویش سازگار نمی بینند، آن را نمی پذیرند و در مقابل آن ایستادگی می کنند، هرچند در دل به حق بودن آن اعتراف دارند:

(وَجَعَلُوا بَیْهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا...) (۱) «گرچه [با زبان] آنان را انکار نموده، ولی در دل آن را شناخته، باور داشته اند و این انکار ناشی از حالت ظلم و استکبار آنان است...».

بنابراین طبق منطق قرآن، همواره حق آشکار و باطل خودنماست و برای حق جویان و حق پویان، دلیلی روشنتر از خود حق نمی باشد و برای پذیرفتن آن به حجت و برهان نیازی نیست؛ زیرا حق، خود آشکار است و فطرت پاک، آن را پذیراست.

سیره پیامبران و صراحت قرآن نیز بر ارائه معجزه در برابر شبهه های منکران و حق ستیزان دلالت می کند. هیچ پیامبری دعوت خود را با معجزه آغاز نکرده است؛ (زیرا دعوت آنان عین عقل است و فطرت و عقل بشری آن را می پذیرد) ولی هنگامی که با منکران و معاندین روبه رو شدند و آنها در خواست معجزه من نمودند - یا بدون درخواست و صرفاً برای دفع شبهات آنان - دست به اعجاز می زدند.

بنابراین کاربرد معجزه برای دعوت و اثبات حقایق آن نیست، بلکه در رتبه دوم و هنگام برخورد با موانع از آن استفاده شده است و یک وسیله دفاعی به شمار می رود نه وسیله تبلیغی. (۲)

ص: ۱۳۰

۱- (۱). نمل، آیه ۱۴.

۲- (۲). علوم قرآنی، ص ۳۵۰ - ۳۴۵.

قرآن در چند مرحله، تحدی و هم‌آورد خواستن خود را مطرح کرده است:

۱. در مرحله نخست می‌گوید به طور مطلق سخنی همانند قرآن بیاورند:

(فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ) (۱) پس سخنی همانند آن بیاورند، اگر راست می‌گویند.

۲. در مرحله بعد مطرح می‌سازد که اگر می‌توانید، ده سوره - هر چند کوچک - مانند قرآن بیاورید: (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَآتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (۲) آیا می‌گویند که: آن را به دروغ به ما نسبت داده است؟ بگو: پس همانند ده سوره آن - حتی اگر افتراگونه باشد - بیاورید و هر کس را که خواهید [به شهادت و داوری] بخوانید، اگر راست می‌گویید.

۳. آنگاه، برای آنکه از اعتبار مدعیان بکاهد، پیشنهاد می‌کند که یک سوره همانند قرآن بیاورند: (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَآتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (۳) ... اگر راست می‌گویید همانند یک سوره آن بیاورید....

۴. سرانجام برای آخرین بار، با قاطعیت هر چه تمام‌تر، عجز و ناتوانی نهایی آنان را اعلام می‌نماید: (وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ) (۴) اگر در باره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده ایم، شک و تردید دارید، [دست‌کم] یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود

ص: ۱۳۱

۱- (۱) . طور، آیه ۳۴.

۲- (۲) . هود، آیه ۱۳.

۳- (۳) . یونس، آیه ۳۸.

۴- (۴) . بقره، آیه ۲۳ - ۲۴.

را - غیر خدا - برای این کار فراخوانید، اگر راست می گویند. پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن بدنهای مردم [گنهکار] و سنگ هاست و برای کافران آماده شده است».

در این آیه، ذکر آدمیان در کنار سنگ، کنایه از آن است که آدمیان فاقد شعور و تهی از خرد و اندیشه، همچون سنگ بوده و در کنار آن قرار دارند و در آتش سر سختی می سوزند.

۵. در مرحله آخر، برای همیشه اعجاز و تحدی را اعلام می کند: (قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا)؛ (۱) بگو اگر تمامی انس و جن گرد هم آیند و بخواهند همانند این قرآن بیاورند، هرگز نتوانند، گرچه همگی پشت در پشت یکدیگر قرار گیرند».

در آیات فوق، به ویژه دو آیه اخیر، نکته جالبی وجود دارد که سرّ اعجاز را بیش از هر چیز روشن و مبرهن می سازد؛ در آیه ۲۴ سوره بقره به صورت مطلق خبر از آینده داده است: «وَلَنْ تَفْعَلُوا»؛ بدین معنا که هرگز و تا ابد هم‌آوردی با قرآن امکان ندارد. در سوره اسراء آیه ۸۸ نیز همه جهانیان را از هم‌آوردی با قرآن ناتوان دانسته است. این یک اخبار غیبی است که جز از زبان (عالم الغیب و الشهاده) امکان صدور ندارد؛ زیرا هر نیرومند و صاحب هنری که در مقام تحدی و هم‌آوردی برآید، حد اکثر می تواند هم‌آوردان معاصر و مجاور خویش را تا حدودی بشناسد و با شناخت اندازه توانایی آنان و مقایسه آن با توانایی خویش، خود را برتر بداند؛ ولی هرگز کسی جرأت ندارد که خود را از آیندگان و همه جهانیان برتر شمارد. زیرا از آنان شناختی ندارد.

ص: ۱۳۲

اما قرآن این شهامت را نشان داده و با کمال جرأت، ناتوانی بشریت را برای همیشه در مقابله با قرآن اعلام نموده است که این جرأت و شهامت، خود بزرگترین دلیل اعجاز قرآن است.

ما هرگز منکر آن نیستیم که سخن هر کس زاییده نهاد و ساختار درونی اوست و کسی را یارای آن نیست که با دیگری در آنچه ساختار ذهنیت او بر او القا می کند همسان باشد؛ بلکه آنچه در تحدی مطرح است همسان بودن در درجه و رتبه فضیلت کلام است.

در تحدی (هماورد خواستن) نیز منظور این نیست که سخنی همانند سخن خدا بیاورند، به گونه ای که در شیوه بیان و نحوه تعبیر، کاملاً همانند قرآن باشد، (زیرا این گونه همانندی جز با تقلید امکان پذیر نیست). (۱) بلکه مقصود از «تحدی»، آوردن سخنی است که همچون قرآن از نظر معنویت والا بوده و در درجه اعلای بلاغت و فصاحت قرار گرفته باشد و این نکته لطیفی است که خداوند در آیات تحدی با واژه «مثله» بدان اشاره دارد.

ص: ۱۳۳

۱- (۱). چنان چه مسیلمه کذاب و برخی دیگر همین کار تقلیدی را انجام داده، خود را رسوا ساختند (التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۲۵۷ و ۲۸۸).

۱. معجزه را تعریف کنید، انواع آن را نام ببرید و ذکر کنید که اعجاز قرآن کریم جزو کدام دسته است؟

۲. اعجاز قرآن کریم در چه جنبه ای است؟

۳. تحدی را تعریف نموده و بیان کنید که تحدی قرآن به چه معناست؟

۴. بزرگترین دلیل اعجاز قرآن کریم چیست؟

۵. کاربرد معجزه برای تبلیغ است یا دفاع؟ چرا؟

۶. مراحل تحدی قرآن کریم را ذکر کنید.

پژوهش

۱. با استفاده از آیات قرآن کریم دو نمونه از معجزات انبیاء (علیهم السلام) را بنویسید.

۲. به نظر شما چرا خداوند در تمامی آیات تحدی از واژه «مثله» استفاده نموده است؟

۱۲- جلوه های اعجاز قرآن (۱)

اشاره

هدف کلی: آشنایی با اعجاز بیانی و تشریحی قرآن کریم.

اهداف آموزشی این فصل:

انتظار می رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. ابعاد اعجاز قرآن را نام ببرند؛

۲. با گونه های اعجاز بیانی آشنا شوند؛

۳. امتیازات سبک و شیوه قرآن کریم را بشناسند؛

۴. با اعجاز تشریحی قرآن کریم آشنا شوند؛

۵. نمونه هایی از اعجاز تشریحی را توضیح دهند؛

۶. به گوشه ای از ویژگی های معارف قرآن آشنا شوند.

ابعاد اعجاز قرآن کریم

اشاره

قرآن در هر چهره ای از چهره ها، و در هر مقامی از مقامهایش معجزه است. تمام آیاتی که در قرآن آمده است همه از یک جهت یا چند جهت معجزه است. قرآن کتابی است که بافت و شکل آن بی نظیر و منحصر است. در یک رشته و نظامی است واحد؛ در سطحی است بسیار عالی؛ در حرکات حروف، در حروف کلمات، در کلمات آیاتش و آیات یک سوره اش با تمام سوره هایش معجزه است. در تمامی مطالبی که از گذشته خبر داده و آنچه از آینده بازگو کرده است، در آنچه امر نموده و آنچه نهی کرده، در ساخت و نظم موزونش، در ترکیب کلمات

ص: ۱۳۵

و سبک گفتارش، و در مطالب و حقایقش همه معجزه است. نه تنها در یک عصر، بلکه در همه زمانها و برای همه ملتها و جوامع بشری؛ تا آن روز که در پیشگاه آفریدگار مهربان و قادر منان حاضر آیند.

گوهرهای حقایق این دریای بزرگ بسیار گرانبها و در عین حال بی شمار است. این حقایق در محدوده آنچه قرآن ذکر نموده است منحصر نمی شود بلکه مطلب آنگونه است که خدای قادر حکیم فرموده است: (وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (۱) «و اگر (بر فرض) آنچه از درخت [ان] در زمین است قلم ها شود، در حالی که دریا (مرکب شود و) بعد از آن هفت دریا به کمکش آید، (آفریده ها و) کلمات خدا پایان نمی یابد برآستی که خدا شکست ناپذیری فرزانه است.»

هرچند جلوه های متعدد و ابعاد گوناگون برای اعجاز ذکر شده است اما در این فصل به تفصیل به مهمترین بُعد آن که شمولیت و ظهور بیشتری نسبت به بقیه ابعاد دارد پرداخته می شود. به نظر می رسد تمامی ابعاد دیگر اعجاز قرآن کریم - که برخی در این فصل و برخی در فصل بعدی خواهد آمد - برخاسته از فصاحت و بلاغت بی نظیر این پیام آسمانی است.

۱- اعجاز بیانی

اشاره

همان طور که اشاره شد، بُعد بلاغی و بیانی قرآن کریم از مهمترین ابعاد و از اساسی ترین جلوه های اعجاز این کتاب آسمانی است. مخاطبین نخستین قرآن، مردمانی بودند که در میدان سخنوری و فصاحت و بلاغت، رعایت مقتضای حال و مقام و سهولت گفتار، چنان پیش رفته بودند که گوی سبقت را از دیگران

ص: ۱۳۶

ر بوده بودند. به همین جهت قرآن دقیقاً این افتخار آنها را هدف قرار داد و برای اثبات حقانیت خود آنان را به هم آوری و نظیرگویی دعوت کرد. در مقابل این دعوت منطقی قرآن، تنها کاری که مخالفین توانستند بکنند این بود که به مبارزه و ستیزه برخیزند و جان ها و مال هایی را در این راه صیرف نمایند، بی آن که جرأت داشته باشند به مسابقه و مقابله قرآن بروند. یقیناً اگر قدرت و توانایی مقابله با آن را داشتند لحظه ای دریغ نمی ورزیدند و این راه را - که کم هزینه ترین راه و سهل ترین مسیر برای خود نمایی بود - بر سایر راه ها ترجیح می دادند. اما کسی که همه وسایل برایش فراهم و مانعی هم پیش رو نباشد، با این وجود نتواند آن را انجام دهد بیانگر عجز و ناتوانی اوست.

اعجاز بیانی به جنبه های لفظی عبارات به کار رفته، ظرافتها و نکته های بلاغی نظر دارد؛ هرچند این نکته ها و ظرافت ها در معنا و محتوا نقش اصلی را ایفا می کند. اعجاز بیانی قرآن را می توان در پنج بخش خلاصه نمود: (۱)

الف) گزینش کلمات

انتخاب کلمات و واژه های به کار رفته در عبارات های قرآنی کاملاً حساب شده است؛ به گونه ای که اگر بخواهیم کلمه ی را از جای خود برداریم و کلمه دیگری را - که در آن موضع، تمام ویژگی های اصلی را داشته باشد - جایگزین آن کنیم، یافت نخواهد شد؛ زیرا در گزینش واژه های قرآن چند مسئله لحاظ شده است:

ص: ۱۳۷

۱- (۱). می توان اعجاز بیانی قرآن کریم را به گونه های مختلف دسته بندی نمود، اما در اینجا به شیوه ای که علامه معرفت آن را به پنج بخش دسته بندی نموده اند با استفاده از آثار ایشان پرداخته شده است.

الف) تناسب آوای حروف کلمات همدیاف، به گونه ای که آخرین حرف هر کلمه با اولین حرف کلمه بعدی هماهنگ است.

ب) تناسب معنوی کلمات با یکدیگر، به گونه ای که از لحاظ مفهومی نیز بافت منسجمی به وجود آمده است.

ج) رعایت فصاحت کلمات، طبق شرایطی که در علم «معانی بیان» قید کرده اند.

این رعایت‌های سه گانه با ملا-حظه ویژگی‌های هر کلمه انجام گرفته و در مجموع، هر واژه ای در جایگاه مخصوص خود و به بهترین وجه قرار گرفته است. معروفترین شاهد مثال در این زمینه آیه قصاص است:

(وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)؛ (۱) در اجرای قانون قصاص، تضمین حیات شده است، ای صاحبان خرد! که [در رفتار خود] پروا پیشه کنید».

عرب برای سهولت در حفظ قوانین مدنی، اجتماعی و کیفری خود، آنها را در قالب جمله های کوتاه، ظریف و گویا در می آورد؛ از این رو برای تنظیم قانون قصاص از فصیحی برجسته خود کمک گرفت و پس از نشست و برخاستهای قراوان بر عبارت «الْقَتْلُ انْفِي لِلْقَتْلِ» اتفاق نظر دادند؛ یعنی کشتن قاتل، بهترین بازدارنده از قتل است؛ اما در این عبارت در مقایسه با آیه قصاص از چند نکته غفلت ورزیدند:

۱. از لحاظ ادبی اشتباه است که واژه قتل - به صورت مطلق - نافی قتل باشد؛ زیرا هر قتلی جلوگیری از قتل نمی کند بلکه قتلی جلوگیری از قتلها می کند که بصورت قصاص باشد. آیه شریفه حیات و زندگی را در قصاص بیان و تثبیت

ص: ۱۳۸

می نماید و این مطلبی است کاملاً واقعی، در حالی که عبارت مذکور کامل نیست.

۲. در عبارت یاد شده، «افعل التفضیل» به کار رفته ولی «مفضل علیه» مبهم است و معلوم نیست که قتل از چه چیزی بازدارنده تر می باشد. (۱)

۳. آیه قرآن جنبه ایجابی و عبارت یاد شده جنبه نفی دارد و در سخن سنجی - به ویژه در تدوین مواد قانونی و احکام - عبارت اثباتی برتر از عبارت سلبی است.

۴. به کار بردن لفظ «قصاص» تداعی کننده این است که این قانون از منشأ عدالت برخاسته است؛ در صورتی که به کار بردن لفظ قتل، حالت تنفر و انزجار دارد.

۵. در آیه، فن «طباق» به کار رفته و جمع بین ضدین شده است، زیرا قصاص - که نوعی قتل و در ظاهر ضد حیات است - موجب حیات به شمار آمده است.

۶. در عبارت آیه هیچ تکراری وجود ندارد بر خلاف جمله مذکور.

۷. الفاظ آیه روح رأفت و مسالمت آمیز اسلام را کاملاً منعکس می نماید، در حالی که از عبارت: الْقَتْلُ أَنْفَى لِلْقَتْلِ، خشونت و خونریزی استشمام می شود.

خلاصه آن که میان مفهوم آیه شریفه و جمله عرب فرق بسیار است. این دقت قرآن در انتخاب و گزینش کلمات، به دو شرط اصلی بستگی دارد:

الف) احاطه کامل بر ویژگیهای لغت؛ به طوری که ویژگی هر کلمه بخصوص را در سرتاسر لغت بداند.

ب) حضور ذهن همیشگی؛ تا در موقع کاربرد واژه ها، تمام کلمات مد نظر او باشد تا در گزینش الفاظ، دچار حیرت و سردرگمی نشود.

حصول این دو شرط در افراد معمولی غیر ممکن است.

ص: ۱۳۹

۱- (۱). اگر «مفضل علیه» مقدر «من کل شیء» باشد، کاملاً نادرست است و اگر «من بعض الأشياء» باشد حالت ابهام دارد و در متن قانون نباید هیچگونه نقطه ابهامی وجود داشته باشد.

ب) سبک و شیوه بیان

شیوه بیان قرآن با آنکه موجب جذب و کشش عرب گردید، با هیچ یک از اسلوب و شیوه های متداول عرب شباهت و قرابتی ندارد.

این از شگفتیهای سخنوری است که سخنور، سبکی که مورد پذیرش و پسند شنوندگان است بیافریند و از شیوه های متعارف آنان بیرون باشد و شگفت آورتر آنکه از تمامی محاسن شیوه های کلامی متعارف، بهره گرفته باشد، بی آنکه از معایب آنها چیزی در آن یافت شود.

انواع کلام - که در میان فصحای عرب نیز متداول بود - عبارتند از: شعر، نثر و سجع. (۱) هر یک از این سه شیوه، محاسنی دارند و معایبی؛ سبک قرآنی، جاذبیت و ظرافت شعر، آزادی مطلق نثر و حسن و لطافت سجع را داراست، بی آنکه در تنگنای قافیه و وزن دچار شود (نقص شعر) یا پراکنده گوی کند (عیب نثر) یا تکلف و دشواری به خود راه دهد (عیب سجع). همین امر مایه حیرت سخن دانان عرب شد.

ج) نظم آهنگ قرآن یا اعجاز صوتی

هنگام گوش دادن به آوای قرآن، نخستین چیزی که جلب توجه می کند نظام بدیع و شیوای صوتی آن است در این نظام، حرکات و سکانات واژگان به شکلی آرایش شده است که هنگام شنیدن، آوایی دلنشین به گوش می رسد، آوایی که شوری در دلها می اندازد و نشاطی در جانها می دمد. این همان نظم آهنگ قرآن است که احساسات آدمی را بر می انگیزد و دلها را شیفته خود می سازد. برای مثال در سوره نجم می خوانیم:

ص: ۱۴۰

۱- (۱). شعر: سخن موزون، دارای قافیه و تخیلی، نثر: سخن پراکنده (فاقد وزن و نظم خاص)، سجع: جملات کوتاه قافیه دار ولی فاقد نظم و وزن خاص می باشد.

(وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَىٰ * وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ * وَ هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ * ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ * فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ * مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ * أَفْتَمَارُونََّهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ * وَ لَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ * إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ * مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَ مَا طَغَىٰ * لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ) (۱)

استاد دراز می گوید: «در این حروف، گویی یکی می نوازد، دیگری طنین ادا، سومین نجواگر است، چهارمین بانگ بر آورنده، پنجمین نفس را می لغزاند و ششمین راه نفس را می بندد و شما آهنگ را در دسترس خود می یابید». (۲)

موسیقی بیرونی حاصل صنایعی مانند قافیه، سجع و وزن است؛ اما «نظم آهنگ درونی» - که مختص قرآن است - دستاورد جلالیت تعبیر و پدید آمده از مغز و کُنه کلام است. زیبایی لفظ و شکوهمندی معنا، نوایی احساس انگیز پدید می آورد و نسیمی روح نواز را به وزیدن وا می دارد و درون آدمی را به خلجان می نشاند.

هنگامی که آیه (وَ الضُّحَىٰ * وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ) (۳) را تلاوت می کنیم، با بخشی رو به رو هستیم که از قافیه، وزن و مصراع بندی قراردادی تهی است ولی سرشار از موسیقی است و از هر حرف آن نوایی دلپذیر می تراود. این همان نظم آهنگ یا موسیقی درونی است. نظم آهنگ درونی، رازی از رازهای قرآن است و هیچ ساختار ادبی یارای برابری با آن را ندارد. (۴)

قرآن مجید، با وجود تنوع و تعالی مطالب و گستردگی آنها، دارای آهنگی

ص: ۱۴۱

۱- (۱). سوره نجم، آیه ۱ - ۱۸.

۲- (۲). دراز، محمد عبدالله، النبأ العظيم نظرات جدیده فی القرآن، ص ۹۹ - ۹۴.

۳- (۳). ضحی، آیه ۱ - ۲.

۴- (۴). برای تفصیل بیشتر ر. ک: علامه معرفت، علوم قرآنی، ص ۳۹۱ - ۳۸۰.

زیبا، جذاب و دلنشین است؛ جاذبه ای که در صوت کلمات و عبارات قرآن وجود دارد، هر انسانی را به خود جذب می نماید؛ جاذبه کلمات و آهنگ قرآن، به گونه ای است که تنها سخن و کلامی است که ملال و رنجش خاطری برای شنوندگان به دنبال نمی آورد (۱) و تنها آهنگی است که هر چه بر آن می گذرد، کهنه و فرسوده نمی شود.

انسان وقتی به قرآن، گوش فرا می دهد، جاذبه آن را درک می کند که چقدر خداوند متعال آنها را زیبا و جذاب بیان نموده است، (۲) به گونه ای که از شنیدن آهنگ و تلاوت آن نه تنها احساس خستگی نمی کند، بلکه لذت می برد؛ زیرا آهنگ و نغمه های قرآنی از نوع نغمه های «دوری» است و نه «خطی»؛ در آهنگهای دوری معنویت و آرامش خاصی نهفته است، بر خلاف آهنگهای خطی که موجب هیجانهای کاذب می شود.

در صدر اسلام، مشرکین و کفار، به خاطر این که جاذبه قرآن، آنها را تحت تأثیر قرار ندهد؛ از حضور در جلسات قرائت و استماع قرآن رو بر می تافتند، تا این که مبدا آهنگ قرآن به گوش آنها برسد؛ زیرا گوش دادن به قرائت قرآن، در دل انسان نشاط و معنویت خاصی ایجاد می کند و هنگامی که بر معانی آن نیز آگاهی حاصل شود، تأثیری فوق العاده در درون بر جا می نهد، تأثیری که در هیچ یک از قرائت کلام های انسانی از نثر و شعر و خطبه ها، یافت نمی شود. (۳) موسیقی و جاذبه قرآن، آن قدر، شگفت آور است که ولید بن مغیره در مورد قرآن

ص: ۱۴۲

۱- (۱). رافعی، عبدالقادر، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ص ۲۱۴.

۲- (۲). النبء العظیم، ص ۱۰۱.

۳- (۳). اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ص ۱۸۸.

می گوید: کلام او دارای حلاوت و طراوت خاصی است، کلام است متعالی و هیچ کلام دیگری نیست که بر آن برتری داشته باشد. (۱)

برخی مانند سکاکی، از مهمترین شگفتی های اعجاز قرآن را در همان اعجاز صوتی و جاذبه و آهنگ آن می دانند که قابل درک است و نه قابل توصیف. (۲) همین جاذبه قرآن بود که در صدر اسلام، موجب شد، عده ای قرآن را سحر و کلام ساحرانه بنامند، زیرا تحمل استماع آن را نداشتند؛ (۳) چنان که از سویی دیگر گروهی، استماع قرآن را سبب اسلام خود دانسته اند.

به همین سبب، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده که

:«لکل شیء حلیه و حلیه القرآن، صوت الحسن: هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن، صوت نیکو است». (۴) و همین طور در روایتی دیگر فرموده است:

«حَسَّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ، فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»: زینت بدهید قرآن را با صدایتان؛ زیرا صدای نیکو بر حسن و زیبایی قرآن می فزاید». (۵) قرآن بر اساس همین روایت، از حالت تغنی خاصی برخوردار است که اگر حق آن ادا شود، از تأثیری سحرآمیز برخوردار خواهد گردید، تأثیری که در هیچ یک از سخنهای دیگر نیست، هرچند آنها را با صوت حسن بخوانند. (۶)

ص: ۱۴۳

۱- (۱). حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۰.

۲- (۲). سکاکی خوارزمی، یوسف بن ابی بکر، مفتاح العلوم، ص ۲۲۱.

۳- (۳). اشاره به آیه شریفه: (وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ) فصلت، آیه ۲۶.

۴- (۴). اصول الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴.

۵- (۵). همان؛ الاتقان، نوع ۳۵؛ این حدیث را بخاری به صورت معلق نقل نموده و حاکم در المستدرک و احمد نیز در مسند آن را آورده اند و محدثین آن را صحیح می دانند.

۶- (۶). همان، ج ۲، ص ۶۱۶.

در روایتی دیگر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است که قرآن را با تغنی بخوانید؛ زیرا قرآن دارای حزن خاصی است و می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ نَزَلَ بِحُزْنٍ وَكَآبَةٍ، فَإِذَا قَرَأْتُمُوهُ فَابْكُوا فَإِنَّ لَمْ تَبْكُوا فَتَبَاكُوا»، «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْآنِ» (۱) نزول (اصوات) قرآن، از حزن خاصی برخوردار بوده است، پس هنگامی که آن را قرائت می نمایید، به همراه حزن و تباکی باشد، اگر حزن و تباکی ندارید، در خود حالت تباکی، ایجاد نمایید و قرآن را با حالت تغنی بخوانید؛ هر کس آن را با حالت تغنی نخواند، از ما نیست».

د) وحدت موضوعی (تناسب معنوی آیات)

آیات قرآن به صورت پراکنده و به مناسبت‌های گوناگون نازل شده اند و طبیعتاً نباید میان آیات، رابطه و تناسبی وجود داشته باشد. در صورتیکه با دقتی که دانشمندان - به ویژه در عصر اخیر - در محتوای هر سوره انجام داده اند، به این نتیجه رسیده اند که هر سوره، هدف یا اهداف خاصی را - که جامع میان هر سوره است - دنبال می کند و مسئله اعجاز در همین نکته است. امروزه به این وحدت سیاق - که در هر سوره وجود دارد - «وحدت موضوعی» می گویند. (۲)

ص: ۱۴۴

۱- (۱). سیوطی، الإتقان ج ۱، ص ۱۴۱؛ وابن کثیر در فضائل القرآن، ص ۳۵ از ابی داود نقل کرده است. قسمت آخر حدیث را شیخین در صحاح خود و أحمد و أبوداود وابن ماجه والدارمی نقل نموده اند و البانی آن را صحیح شمرده است. نیز، نک: بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۹۱. و در صحیحین از رسول الله روایت شده که: «ما أذن الله لشيء كما أذن لنبی حسن الصوت يتغنى بالقرآن يجهر به».

۲- (۲). برخی علاوه بر تناسب آیات، مسأله تناسب سوره ها را نیز مطرح ساخته و می گویند: «ترتیب سوره ها نیز با تناسب انجام گرفته است.»؛ اما متذکر می شویم که: هیچ تناسب معنوی میان سوره ها با یکدیگر وجود ندارد و هر گز ترتیب موجود بین سوره ها توقیفی نیست؛ بلکه پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به دست صحابه و از روی برخی مناسبت‌های اعتباری (مانند بزرگی و کوچکی سوره ها و از این قبیل) انجام گرفته است.

در قرآن انواع استعاره، تشبیه، کنایه، مجاز و نکته های بدیع به حد وفور به کار رفته است؛ در تمامی موارد، چهارچوب شیوه های متعارف عرب رعایت شده، ولی مورد کار برد با چنان ظرافت و دقت انجام شده که موجب حیرت اربابان سخن و نکته سنجان عرب گردیده است. سخن‌دانان پذیرفته اند که تشبیحات قرآن متین ترین تشبیحاتی است که در کلام عرب یافت می شود، جامع محاسن نکات بدیع و رساترین بیان، در ارائه فنّ ترسیم معنی است.

ابن اثیر، ادیب بزرگ جهان عرب، در باره تشبیه، آیه (وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا) (۱) را مثال می آورد؛ به گفته وی تشبیه شب به لباس به این جهت است که تاریکی شب افراد را از دید یکدیگر پنهان می دارد تا اگر از دشمنی بخواهد بگریزد یا در کمین او بنشیند یا چیزی را از دید دیگران پنهان دارد، از تاریکی فراگیر آن شب به بهترین شکل بهره ببرد. این تشبیه از جمله ظرافتهایی است که تنها قرآن به آن آراسته است و در دیگر کلام منثور و منظوم عرب یافت نمی شود...» (۲)

۲- اعجاز تشریحی

اشاره

انسان همواره پرسشهایی در باره هستی و راز آفرینش با خود داشته و پیوسته در تلاش بوده است تا پاسخ های قانع کننده ای برای آن بیابد؛ سؤالهایی از قبیل: از کجا آمده؟ چرا آمده؟ به کجا می رود؟ و... کوششهای انسان برای پی بردن به راز هستی، نتوانسته به پاسخ قانع کننده ای برسد و تمامی این مسائل را روشن سازد: (... وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا)؛ (۳) هر آنچه از دانش به دست آورده اید اندکی بیش

ص: ۱۴۵

۱- (۱). نبأ، آیه ۱۰.

۲- (۲). موصلی، ابی الفتح ضیاء الدین، المثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر، ج ۲، ص ۱۲۶ - ۱۳۵.

۳- (۳). اسراء، آیه ۸۵.

نیست». دین - آنگونه که قرآن عرضه کرده است - به تمامی این مسائل به گونه کافی و شافی پاسخ داده است. با تدبیر در آنچه قرآن عرضه کرده، انحراف اندیشه‌ها تعدیل می‌شود و راه‌های نیمه‌رفته تکمیل می‌گردد:

(يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمُلُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ) (۱) ای مردم! پند و اندرز از جانب خداوند به شما داده شده است و شفایی که مایه بهبودی و آرامش خاطرتان می‌باشد و هدایتی و رحمتی برای مؤمنان است».

مقصود از بهبود بخشیدن سینه‌ها، رها ساختن انسان از رنجی است که در راه یافتن گمشده خود، در درون خود احساس می‌کند؛ زیرا بیانات و حیاتی‌ترین درمانی است که این درد و رنجها را بهبود می‌بخشد. لذا قرآن، چیزی را بر انسان عرضه داشته، که خود او جویای آن بوده ولی نتوانسته به خوبی و روشنی به آن راه یابد و این خود دلیل اعجاز قرآن است، چرا که اگر این لطف و این عنایت نبود، انسان هرگز به مقصود و مطلوب خود نمی‌رسید.

از بدوی‌ترین قبایل تا متمدن‌ترین جوامع بشری آن روز، باورهایی از جهان هستی و مبدأ آفرینش و تقدیر و تدبیر داشتند که با حقیقت، فاصله زیادی داشت و به تصوراتی خیال‌گونه شباهت داشت. گفتار انبیاء (علیهم السلام) نیز با گذشت زمان، دستخوش تحول و تحریف شده بود؛ لذا بشر هرگز نمی‌دانست از کجا آمده، چرا آمده، و به کجا می‌رود. تا آنکه قرآن مجید پاسخهای روشن و قاطعی در تمامی این زمینه‌ها ارائه نمود؛ بنابراین نوآوریهای دین در دو بعد معارف و احکام است؛ معارف عرضه شده توسط قرآن از هو گونه آلودگی و خرافات به دور است و از بعد احکام نیز علاوه بر جامع و کامل بودن، از گرایشهای انحرافی مبرا و خالص است.

ص: ۱۴۶

تشریحات و حیانی (در احکام و قوانین حاکم بر نظام حیات اجتماعی) دارای امتیازاتی است که در دیگر تشریحات وضعی (بشری) وجود ندارد:

اول: مبرّا بودن از هر گونه گرایشهای منحرف کننده که ممکن است در قوانین وضعیه تأثیر گذار باشد.

دوم: رعایت سه بعد در حیات انسان، که لازمه زندگی اجتماعی وی در این جهان است: رابطه انسان با شئون فردی و شخصی خود، رابطه وی با جامعه ای که در آن قرار گرفته و رابطه وی با خداوند.

قوانین وضعیه، تنها دو بعد اول، یعنی شئون فردی و اجتماعی را جهت بخشیده اند که در این میان، به بعد اول کمتر توجه نموده و همت بیشتر را در بعد دوم به کار انداخته اند؛ و از بعد سوم، یعنی رابطه با پروردگار به کلی غفلت ورزیده اند؛ در حالی که همین بعد سوم است که به حیات انسان درخشش می دهد، او را از انحصار در محدوده نیازهای جسمانی در می آورد و به وی چهره ملکوتی می بخشد.

اینک به اختصار، به ذکر نمونه ای از اعجاز هدایتی قرآن در دو بعد معارف و احکام می پردازیم:

خداوند و صفات جمال و جلال او در قرآن

قرآن خدا را با بهترین وجه وصف نموده، او را مجمع صفات کمال معرفی کرده و از هر زشتی و صفت ناپسندی مبرّا و منزّه دانسته است. در پایان سوره حشر می خوانیم: (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)

ص: ۱۴۷

(وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (۱) اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمانروای پاک سلامت (بخش، و) مؤمن (به حقیقت حقه خود که) نگهبان، عزیز، جبار (و) متکبر (است). پاک است خدا از آنچه (با او) شریک می گردانند. اوست خدای خالق نوساز صورتگر (که) بهترین نامه (و صفات) از آن اوست. آنچه در آسمانها و زمین است (جمله) تسیح او می گویند و او عزیز حکیم است».

خدای جهان از نگاه قرآن، با همه باورهای بشری در زمینه مبدأ عالم، متفاوت است. خدای قرآن آن ذات یگانه واجد همه کمالات هستی و پیراسته از همه نقایص و خصایص هستی، غنی بی نیاز که هیچ چیز را نتوان به او تشبیه کرد: (... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) (۲) او در عین قرب وجود و احاطه قیومی، برتر از پندار محدود آدمی است. او هم آفریدگار و هم مدبر عالم است، و جهان خود، لحظه به لحظه از او جلوه گری می یابد:

(... كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ) (۳) (او هر روز در کاری (و حالی) است).

افعال الهی، اهدافی حکیمانه دارند و بر اساس فیض و رحمت و حق صورت می گیرند:

(أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ... (۴) (و آیا در (درون) خودشان فکر نکرده اند، که خدا، آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو است را جز به حق نیافریده است!؟)

ص: ۱۴۸

۱- (۱). حشر، آیه ۲۴ - ۲۲.

۲- (۲). شوری: ۱۱.

۳- (۳). رحمن، آیه ۲۹.

۴- (۴). روم، آیه ۸.

توحید قرآن، توحید خالقیت، ربوبیت و الوهیت است و این مراتب از یکدیگر انفصال ناپذیرند.

قرآن راه های «آیات آفاقی» و «انفسی»، صافی ضمیر و تأمل عقلانی را بر روی بندگان گشوده می بیند:

(سَيُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ... (۱)) (بزودی نشانه های خود را در اطراف (جهان) و در خودشان به آنان می نمایانیم، تا اینکه برای آنان آشکار شود که او حق است).

قرآن «توحید» را هماهنگ با عقل برهانی، همسو با فطرت آفرینش دانسته، شرک را فاقد پشتوانه، زاییده پندار و ستم ورزی می شمارد:

(خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ* هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲)) (خدا) آسمان ها را بدون ستون هایی که آنها را ببینید آفرید، و در زمین [کوه های] استواری افکند، [مبادا] که شما را بلرزاند، و از هر جنبه ای در آن پراکنده کرد و از آسمان آبی فرو فرستادیم، و (انواع گیاهان) از هر جفت ارجمندی در آن (زمین) رویاندیم.* این آفرینش خداست پس به من بنمایانید آن (معبود) ان که غیر اویند چه چیزی را آفریده اند؟! بلکه ستمکاران در گمراهی آشکارند.)

از نگاه قرآن کریم، خداوند همچنان که خدای عقل و حکمت است، خدای عشق و محبت، جمال و زیبایی است؛ ذرات وجود، سراسر شیدای اویند و از ژرفای جان خواهان او:

ص: ۱۴۹

۱- (۱). فصلت، آیه ۵۳.

۲- (۲). لقمان، آیه ۱۰ و ۱۱.

(إِنْ كُلِّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا) (۱) (هیچ کس در آسمان ها و زمین نیست، مگر اینکه بنده وار به سوی (خدای) گسترده مهر آید.)

(... وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...) (۲) (و هیچ چیزی نیست جز آنکه به ستایش او، تسبیح می گوید و لیکن تسبیح آنها را به طور عمیق نمی فهمید.)

این گوشه ای از صفات برجسته الهی است که در قرآن آمده؛ ولی در کتب دیگر یا اندیشه های دیگران، خداوند را به گونه ای وصف کرده اند که هرگز شایسته مقام الوهیت حق تعالی نیست.

در تورات کنونی می بینیم که خدا به گونه ای ناپسند وصف شده که خرد آن را نمی پذیرد. در داستان ساختن شهر بابل، خداوند بیم آن داشت که انسان ها اگر گرد هم آیند، نیروی متشکلی را به وجود می آورند، آنگاه خطری متوجه ربوبیت خداوندی خواهد بود؛ لذا به جبرئیل دستور فرمود تا تجمع آنان را از هم پاشاند! (۳)

در اسطوره های یونانی قدیم نیز ترسیمی از خداوند جهان ارائه داده اند که انواع خدایان کوچک و بزرگ (آلهه) را در پی داشته است که گوشه ای از آن را تاریخ نویس معروف «ویل دورانت» در کتاب تاریخ تمدن آورده است. (۴)

انسان از دیدگاه قرآن

تفسیر انسان و جاودانگی وی و آخرت شناسی نیز، جلوه ای دیگر از عظمت و اعجاز قرآن است. توجه به ساحت های گوناگون جسم، روح و عقل انسان، توجه به مبدأ و منتهی و مسیر و برنامه حرکت انسان و این که از کجاست و به کجاست

ص: ۱۵۰

۱- (۱). مریم، آیه ۹۳.

۲- (۲). اسراء، آیه ۴۴.

۳- (۳). سفر پیدایش؛ باب یازده، شماره ۲۲/۲۴.

۴- (۴). ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۱۹۷ به بعد.

و مقصد وی چیست، چه باید بکند، بازگویی دقیق ریزه کاری های پیدایش جنینی و مراحل پیش از ولادت و پس از این جهان وی، همه نشان اعجاب انگیز عظمت قرآن در ابعاد انسان شناسی تجربی، فلسفی یا عرفانی بشری است:

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ) (۱) (و بیقین انسان را از چکیده ای از گل آفریدیم * سپس او را آب اندک سیالی در جایگاه استوار [رحم] قرار دادیم * سپس آب اندک سیال را بصورت [خون بسته] آویزان آفریدیم، و [خون بسته] آویزان را بصورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم، و گوشت جویده شده را بصورت استخوان هایی آفریدیم و بر استخوان ها گوشتی پوشاندیم سپس آن را بصورت آفرینش دیگری پدید آوردیم و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است! * سپس شما بعد از این (مراحل) قطعاً می میرید * سپس شما در روز رستاخیز حتماً برانگیخته می شوید.)

انسان قرآن، هرگز ذاتی ناپاک نداشته، دارای دو وجهه ملکی و ملکوتی است. او افزون بر خواص جمادی، نباتی و حیوانی، دارای نیروی «شعور و اختیار» و نگارنده سرنوشت خود و خلیفه و امانت دار خداست.

بر اساس این نگرش، سرشت هر انسانی هم خاستگاه الهی و متعالی و هم منبع گرایش طبیعت پیوستگی است، تا خود به کدام سوی گام نهد. (۲)

از آنجا که آفرینش جهان و انسان، حکیمانه و هدف دار است، عالم هستی

ص: ۱۵۱

۱- (۱). مؤمنون، آیه ۱۲ - ۱۶.

۲- (۲). شمس، آیه ۷ الی ۱۰.

ظرف کنش و واکنش است و افزون بر سرای دیگر، در همین جهان نیز، هر کس دستاورد تلاش و نیک و بد رفتار و انگیزه خویش را دریافت می کند:

(أَلَا تَرَىٰ وَازِرَةً وَّزَرَ أُخْرَىٰ * وَ أَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ * وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ) (۱) (که هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را بر نمی دارد،* و اینکه برای انسان جز کوشش او نیست.* و اینکه کوشش او در آینده دیده می شود.)

تصویر حیات اخروی انسان و معادشناسی در قرآن، جایگاهی ویژه داشته، قریب یک سوم آیات قرآن کریم به این موضوع اختصاص دارد. در این آیات به گونه شگفت آوری صحنه های حیات برزخی و زندگی رستاخیزی انسان به تصویر آمده (۲) که بی مانند است. (۳)

جامعیت احکام اسلامی

اسلام در بعد تشریح احکام، از جامعیت کاملی برخوردار است که در هیچ یک از شرایع و نیز تشریحات وضعی، چنین جامعیت و گستردگی به چشم نمی خورد.

اسلام در سه بُعد عبادات، معاملات و انتظامات، دیدگاه های مشخصی دارد و در تمامی جوانب این سه بعد، به طور گسترده، نظریات خود را ارائه داده و بشر را برای رسیدن به سعادت حیات (مادی و معنوی) به پیروی از خود فراخوانده است.

عبادات اسلام، روح را آرامش می بخشد و رابطه انسان را با ملکوت اعلا مستحکم می سازد و این خود موجب تقویت روح انسان و پاکی و صفای اوست. با تأمل در اذکار نماز و خلوص و توجه قلب به ساحت قدس الهی و نیز مقاومت

ص: ۱۵۲

۱- (۱) . نجم، آیه ۳۸ - ۴۰.

۲- (۲) . به عنوان مثال به سوره های تکویر، انشقاق و زلزله نگریسته شود.

۳- (۳) . سعیدی روشن، محمد باقر، آشنایی با علوم قرآن، ص ۱۴۰.

درونی - که از روزه حاصل می شود - و همچنین دیگر ادعیه و عبادات واجب و مستحب - به ویژه تأکید به انجام دادن آنها در اماکن مقدس - حاکی از یک برنامه حساب شده برای پاکسازی و طهارت درون انسان و رشد و تکامل او در چهارچوب زندگی اجتماعی است.

واژه «تزکیه» نشان می دهد که هدف عبادات، همان پاکی و صفای درون است. در سوره «شمس» می خوانیم: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) (۱) به یقین رستگار است کسی که درون خود را پاکیزه نماید.

انسان در درون خود احساس می کند که بر فراز هستی، نیروی برتری هست که تمامی هستی ها را فرا گرفته و خود را ذره ای کوچک می بیند که بر روی امواج متلاطم هستی شناور است؛ آن نیروی برتر و قدرتمند است که او و دیگر ذرات هستی را نگاه می دارد. به علاوه همین عجز و ناتوانی، او را به سوی کمال و توانایی مطلق می راند و توجه درونی او را به سوی کمال مطلق معطوف می دارد؛ از این رو از درون خود می کوشد تا این میل و رغبت و عشق به کمال مطلق را در صورت کلمات و الفاظ (ادعیه و اذکار) ابراز دارد؛ این گونه است که عبارات سرشار از محبت و سپاس، از درون او می جوشد و سیل آسا سرازیر می گردد و اگر قصوری در خود احساس کرده، درخواست گذشت و آمرزش می نماید. این چیزی است که انسان از روزی که خود را شناخته، با آن خو گرفته و همواره سرشت وجود او با آن همراه بوده است.

عبادت ها و نیایش ها - به شکل های گوناگون - صورتهای تجسد یافته عواطف درونی انسان است که بر ملا می شود. هر دین و آیینی به شکلی، قسمتی از نیایش انسان را سرلوحه عملی خود قرار داده است.

ص: ۱۵۳

در آیین های کهن هندوی و زرتشتی، نمونه هایی از این گونه نمایشهای عبادی - نیایشی وجود داشته است. همچنین گونه هایی نیز از نیایش میان یهودیان و ترسایان رواج داشته و دارد؛ اما به نظر می رسد که شکل های موسوم، آمیخته با بسیاری از خرافات و بدعتهای ناروا شده است.

از عبادات که بگذریم، ابواب معاملات و در کنار آن احکام انتظامی اسلام، آن اندازه گسترده و فراگیر است که مایه حیرت دین پژوهان گردیده است. اصولاً شریعتی به گستردگی شریعت اسلام - که تمامی ابعاد حیات جامعه را زیر دیدگاه خود قرار داده باشد و در هر یک نظر داده باشد - وجود ندارد. یگانه دین الهی زنده جهان، اسلام است و بس:

(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...) (۱)

(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (۲)

جهت مطالعه آزاد

الف) گلی از بوستان

آیات زیر نمونه هائی است از گلستان پُرطراوت بلاغت قرآن کریم که می توانیم با تأمل در آنها روح خود را معطر سازیم:

۱. (بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...) (۳) بلکه همیشه حق را بر باطل غالب و پیروز می گردانیم. در نتیجه قدرت حق باطل را سخت می کوبد و باطل ناگزیر محو و نابود شدنی است. در این آیه، حق که همان حقیقت پایدار و

ص: ۱۵۴

۱- (۱). آل عمران، آیه ۱۹.

۲- (۲). آل عمران، آیه ۸۵.

۳- (۳). طبرسی، امین الإسلام، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۰.

عالی است و شأن آن بس عظیم است بصورت نیروی سنگینی در آمده که بر باطل پوچ و تو خالی می زند و آن را می کوبد و نابود می کند و بصورت شیء بیجانی در می آورد. ملاحظه می کنید که در این تجسم بزرگ برای نشان دادن نزاع میان حق و باطل حرف (فاء) بکار رفته است نه حرف (ثَمَّ) و غیر آن تا بفهماند که جریان، بی فاصله پشت جریانی دیگر قرار می گیرد، و شیء مورد نظر سرعت در هم کوبیده می شود، تا بیان کند که حق قدرتی دارد بسیار برتر و بالاتر و سرعتی دارد رباینده که در ضمن ربایندهگی باطل را محو و نابود می سازد. و این تشبیه برای بیان فروریختن حتمی باطل و معدوم شدن آن و بطلان اثر آن می باشد.

۲. (إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقاً وَ هِيَ تَنفُورٌ * تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْعَيْظِ...) (۱) «هنگامی که در آن (دوزخ) افکنده شوند در حالی که آن فوران می کند ناله ای از آن می شنوند! نزدیک است (دوزخ) از شدت خشم (از هم) جدا شود.»

این آیه بحث از اهل دوزخ می کند، و این نوع افکندن در حد خود منظره هراس انگیزی را مجسم می نماید که با جنبش محسوس خود منظره انداختن مجرمین را در آتش جلوی چشم می آورد، در حالی که گرداگرد آنها را گرفته، با فریاد خشونت بارش آنان را بسوی آتش می کشاند، و آنان از فریاد خشن و هولناکی که می شنوند سخت به وحشت و هراس می افتند؛ فریادی که دل‌های آنان را از جای بر می کند پیش از آن که زبانه های آتش آنها را در خود فرو گیرد، و شعله هایش آنان را بسوزاند، و مس و سرب گداخته دوزخ چهره آنان را زشت و دگرگون سازد.

این قیافه هول انگیز و هراسناک سید رضی را به تأمل و توقف واداشته، و گفته است که: «خدای تعالی آتش دوزخ را - که باید از آن پناه به او بریم - با

ص: ۱۵۵

وصف خشمگین و غضبناک توصیف کرده است. خشم و غضبی که اگر به آن حد برسد به آخرین درجه انتقام رسیده است. و در رنج دادن و عذاب کردن از این حدود هم تجاوز می کند.»

۳. (حُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ) (۱) «عفو (و مدارا پیش) گیر و به (کار) پسندیده فرمان ده و از نادانان روی گردان.»

این آیه تمام مکارم اخلاق را جمع کرده است زیرا: عفو یعنی گذشت و چشم پوشی از کسی که بدی کرده است، و مدارا کردن با دیگران در همه کارها، در جمله: (وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ) ، دستور می دهد به صله ارحام، و نگهداری زبان از دروغ و غیبت، و بازداشتن نگاه از حرام. و جمله: (أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ) دستوری است در زمینه پایداری و حلم و فروخوردن خشم. اگرچه در این آیه لفظهای اندکی است اما معانی آنها با نهایت دقت و لطافت و هدفهای بزرگ را شامل شده است، و در یک حد و مرز هم متوقف نگردیده است. این نوع بیان، عالیتترین درجات فصاحت است.

ب) نمونه هایی از ارزشهای والای قرآنی

۱. دعوت به کارهای نیک و پرهیز از کارهای ناپسند:

(... وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعِدْوَانِ...) (۲) (و بر (ای) نیکوکاری و (خود نگهداری و) پارسایی با یکدیگر همکاری کنید و بر (ای) گناه و تعدی با یکدیگر همکاری ننمایید.)

۲. دعوت به عدالت ورزی و نیکوکاری:

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ)

ص: ۱۵۶

۱- (۱) . اعراف، آیه ۱۹۹.

۲- (۲) . مائده، آیه ۲.

(وَالْبَغِيّ... (۱) (در واقع خدا، به عدالت و نیکی و ادای (حق) نزدیکان فرمان می دهد و از [کار] زشت و ناپسند و ستم منع می کند.)

۳. دعوت به حیات برین و پایدار:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ... (۲) (ای کسانی که ایمان آورده اید! [دعوت] خدا و فرستاده اش را بپذیرید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می خواند، که شما را حیات می بخشد.)

۴. دعوت به تفکر و تدبیر و بیداری اندیشه:

(... كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۳) (این گونه، آیات را برای گروهی که تفکر می کنند، شرح می دهیم.)

(كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (۴) (این) کتابی خجسته است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبیر کنند و تا خردمندان متذکر شوند.)

۵. توصیه به شکیبایی و پایداری در برابر دشواریها:

(وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۵) (و چه فراوان پیامبری، که همراه او، مردان الهی بسیاری پیکار کردند. و در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم نگردیدند، و خدا شکیبایان را دوست دارد.)

ص: ۱۵۷

۱- (۱) . نحل، آیه ۹۰.

۲- (۲) . انفال، آیه ۲۴.

۳- (۳) . یونس، آیه ۲۴.

۴- (۴) . ص، آیه ۲۹.

۵- (۵) . آل عمران، آیه ۱۴۶.

۶. دعوت به توکل و اعتماد به خداوند:

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ) (۱) (در حقیقت کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست.» سپس پایداری کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند (و می گویند) که: «مترسید و اندوهگین مباشید، و مزده باد بر شما، به بهشتی که همواره (بدان) وعده داده می شدید.)

۷. دعوت به نشاط و امید و دوری از ناامیدی:

(قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) (۲) (بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می آمرزد که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.)

۸. توصیه به خود یابی، مراقبت و مدیریت بر نفس و عدم غفلت از آن:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسُكُمْ... (۳) (ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شماست که به خودتان [بپردازید.]

۹. دعوت به تلاش و بهره گیری از توانایی های ذاتی:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ* وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (۴) (ای کسانی که ایمان آورده اید! [خودتان را] از

ص: ۱۵۸

۱- (۱) . فصلت، آیه ۳۰.

۲- (۲) . زمر، آیه ۵۳.

۳- (۳) . مائده، آیه ۱۰۵.

۴- (۴) . حشر، آیه ۱۸ و ۱۹.

[عذاب] خدا حفظ کنید و هر شخصی باید بنگرد که برای فردای (رستاخیز) چه چیزی پیش فرستاده است، و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.* و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند پس (خدا) خودشان را از یادشان برد فقط آنان نافرمان بردارند.

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (۱) (و اینکه برای انسان جز کوشش او نیست.* و اینکه کوشش او در آینده دیده می شود.)

۱۰. سفارش اکید در نیکی به والدین:

(... وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا) (۲) (و پروردگارت فرمان قطعی داده: که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید اگر یکی از آن دو، یا هر دو نزد تو به [سن] پیری برسند، پس به آن دو «اف» (کوچک ترین سخن اهانت آمیز) مگوی و آن دو را با پرخاش مران و به آن دو سخنی ارجمند گوی.* و از سر مهر، بال فروتنی برای آن دو فرو آور و بگو: «پروردگارا! آن دو را رحمت کن، همان گونه که مرا در خردی پرورش دادند.)

۱۱. دعوت به اعتدال در رفتار اقتصادی و معیشت:

(وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعِدَ مَلُومًا مَحْسُورًا) (۳) (و دستت را بسته شده به گردنت قرار مده، (و ترک بخشش منما) و آن (دستانت را برای بخشش) بطور کامل مگشای، تا [اینکه] سرزنش شده [و] درمانده بنشینی.)

(وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) (۴) (و کسانی که هر گاه

ص: ۱۵۹

۱- (۱). نجم، آیه ۳۹ و ۴۰.

۲- (۲). اسراء، آیه ۲۳ و ۲۴.

۳- (۳). اسراء، آیه ۲۹.

۴- (۴). فرقان، آیه ۶۷.

(اموال خود را در راه خدا) مصرف می کنند، زیاده روی نمی کنند، و تنگ نمی گیرند، و (انفاق آنان روشی) معتدل بین آن [دو] است).

۱۲. پرهیز از سخن غیر عالمانه:

(وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَةَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) (۱) (و از آنچه که هیچ علمی بدان نداری، پیروی مکن [چرا] که گوش و چشم و دل (سوزان)، همگی آنها از آن پرسیده می شوند).

۱۳. توصیه به نیایش و ارتباط قدسی با خدای یگانه:

(قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا) (۲) ((ای پیامبر) بگو: «اگر فراخوان شما (به سوی ایمان) نباشد، پروردگام برای شما ارزشی قایل نمی شد چرا که یقیناً (قرآن و پیامبر را) دروغ انگاشتید، پس در آینده (عذاب بر شما) لازم خواهد شد).

۱۴. توصیه به عبادت خداوند و هشدار از پیروی شیطان:

(أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) (۳) (ای فرزندان آدم! آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید، [چرا] که او دشمن آشکاری برای شماست؟! * و اینکه مرا پرستید که این راه راست است؟)

ص: ۱۶۰

۱- (۱). اسراء، آیه ۳۶.

۲- (۲). فرقان، آیه ۷۷.

۳- (۳). یس، آیه ۶۰ و ۶۱.

۱. برجسته ترین جلوه اعجاز قرآن کریم چیست؟ چرا؟
۲. مقایسه ای میان آیه قصاص و جمله معروف عرب نمایید.
۳. چرا نظم و آهنگ قرآن شیواترین و دلنشین ترین آهنگ هاست؟
۴. خداوند در قرآن کریم چگونه توصیف شده است؟
۵. توضیح مختصری پیرامون انسان شناسی قرآن کریم ارائه نمایید.
۶. احکام اسلامی در کدام ابعاد نظرات مشخص خود را بیان کرده است؟

پژوهش

۱. به نظر شما انسان شناسی قرآن کریم در حد اعجاز هست یا نه؟ به چه دلیل؟
۲. چند نمونه از قوانین و معارف بی بدیل قرآن را بنویسید.

۱۳- جلوه های اعجاز قرآن (۲)

اشاره

هدف کلی: آشنایی با اعجاز علمی، غیبی، سلامت از تناقض و اعجاز عددی قرآن کریم.

اهداف آموزشی این فصل:

انتظار می رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. با اعجاز علمی قرآن کریم آشنا شوند؛

۲. نمونه هایی از اعجاز علمی قرآن را بدانند؛

۳. با اعجاز غیبی آشنا شوند؛

۴. گونه های اعجاز غیبی را نام ببرند؛

۵. توضیحی پیرامون سلامت متن قرآن از تناقض ارائه دهند؛

۶. راجع به اعجاز عددی قرآن کریم آگاهی پیدا کنند.

۳- اعجاز علمی قرآن

اشاره

منظور از اعجاز علمی، اشارات علمی ای است که از برخی آیات قرآن نمودار شده و بیان آن هدف اصلی نبوده است؛ زیرا قرآن، کتاب هدایت است و هدف اصلی آن جهت بخشیدن به زندگی انسان و آموختن راه سعادت به اوست نه بیان مسائل علمی؛ از این رو اگر در قرآن به برخی اشارات علمی بر می خوریم، بدان سبب است که این سخن از منبع سرشار علم و حکمت الهی نشأت گرفته و از سرچشمه علم بی پایان حکایت دارد: (قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ)

ص: ۱۶۳

(فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...) (۱) بگو: آن را ذاتی نازل ساخته است که اسرار آسمانها و زمین را می داند...

مسائل علمی که قرآن به آنها اشاره نموده، اموری هستند که در صدر اسلام، راهی برای شناخت آنها نبوده است، مگر از طریق وحی و با پیشرفت علم و دانش بشری، برخی از آنها معلوم گردیده و عظمت قرآن برای دانشمندان بیشتر آشکار گردیده که چگونه در ۱۴۰۰ سال پیش، قرآن از آنها یاد نموده؛ بشر آن روز، درکی از آنها نداشته، همان طور که بشر امروزی نیز، در مواردی، درکی از مسائل علمی قرآن ندارد و شاید هزاران سال لازم است بگذرد تا نکات دقیق علمی قرآن شناسایی شود.

از جمله مسائل علمی قرآن، «اشاره به زوجیت»، «عمل لقاح بادهای»، «موزون بودن آب»، «حرکت فلکها» (۲) و... می باشد که به اختصار به هر یک پرداخته می شود:

الف) زوجیت در قرآن

قرآن در برخی از آیات به «زوجیت» هر شیء اشاره می کند و می فرماید:

(وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجِينَ اثْنَيْنِ...) (۳) و او کسی است که زمین را گسترانید و در آن [کوه های] استوار و جوی ها قرار داد و از همه محصولات در آن یک جفت دوتایی قرار داد....

و در جای دیگری می فرماید:

(وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (۴) و از هر چیز جفتی آفریدیم، باشد که شما متذکر شوید.

ص: ۱۶۴

۱- (۱). الفرقان، آیه ۶.

۲- (۲). ر. ک: رضایی اصفهانی، محمد علی، اعجاز علمی قرآن، رشت، کتاب مبین، بخش سوم و چهارم.

۳- (۳). رعد، آیه ۳.

۴- (۴). ذاریات، آیه ۴۹.

خداوند متعال در آیات یاد شده، به وجود زوجیت برای تمامی اشیاء اشاره می نماید و بیان می دارد که در زندگی انسان، حیوانات، نباتات، جامدات و...، زوجیت وجود دارد و هر کدام، دارای نر و ماده هستند که از طریق عمل لقاح، بارور می شوند؛ اگر «لینه» دانشمند معروف سوئدی در قرن ۱۸ میلادی موفق به کشف مسئله زوجیت در گیاهان می شود و بیان می دارد که جهان گیاهان همچون حیوانات از طریق آمیزش نطفه‌ی نر و ماده بارور می شوند، (۱) قرآن در چهارده قرن قبل، آن را بیان داشته است.

زوجیت در همه اشیاء وجود دارد و از جمله در عالم «اتمها»، امروزه روشن شده است که اتم از اجزای مختلفی تشکیل شده، اجزایی که دارای بار الکتریسته منفی هستند و «الکترون» نامیده می شوند و اجزایی که دارای بار الکتریسته مثبت و «پروتون» نامیده می شوند؛ (۲) ممکن است مقصود از زوجیت، دو جنس متقابل باشد مانند، شب و روز، آسمان و زمین، دریا و خشکی، خورشید و آسمان، جن و انس، نرمی و زبری، نور و ظلمت و... چنانچه در روایتی از امام رضا (رضی الله عنه) آمده است که:

خداوند اشیای جهان را متضاد آفریده تا روشن شود برای او ضدی نیست و آنها را با هم قرین ساخته تا معلوم شود قرینی برای او نیست؛ نور را ضد ظلمت و خشکی را ضد تری، و خشونت را ضد نرمش و سرما را ضد گرما قرار داده، در عین حال اشیای متضاد را جمع کرده و موجودات نزدیک به هم را از هم جدا نموده تا این جدایی، دلیل بر جداکننده و آن پیوستگی، دلیل بر پیوند دهنده باشد و این است معنای (وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ...) (۳) و (۴)

ص: ۱۶۵

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۱۵.

۲- (۲) . همان، ج ۲۲، ص ۳۷۶.

۳- (۳) . عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۳۰.

۴- (۴) . ذاریات، آیه ۴۹.

ب) عمل لقاح بادها

خداوند می فرماید:

(وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ...) (۱) و باد [ها] را بارور کننده (ابرها و گیاهان) فرستادیم....

آیه شریفه اشاره دارد که برخی از درختان و... برای بارور شدن نیاز به عمل لقاح بادها دارند. از این رو بادها بارور کننده اند؛ آیه شریفه می تواند اشاره به تلقیح گیاهان به وسیله بادها و گرد افشانی باشد؛ زیرا بادها نقش مهمی در انتقال گرده های نطفه نر و بارور ساختن گیاهان دارند؛ همچنان که آیه شریفه می تواند اشاره به عمل لقاح ابرها توسط بادها باشد که موجب نزول باران است؛ زیرا در ادامه آیه، از نزول باران هم سخن گفته شده است. (۲)

ج) گهواره بودن زمین

خداوند متعال می فرماید:

(الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَوَّلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا) (۳) (همان) کسی که زمین را برای شما بستری (برای استراحت) قرار داد و برای شما راه هایی در آن پدید آورد....

خداوند، زمین را تشبیه به گهواره ای می کند، که برای نشستن و استراحت مهیا شده و گویا انسان، کودکی است که به مهد زمین سپرده شده و در آنجا همه وسایل آسایش او فراهم است.

در آیه شریفه، زمین را مهد آرامش و آسایش قرار داده است و حرکتهای

ص: ۱۶۶

۱- (۱) . حجر، آیه ۲۲.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱.

۳- (۳) . طه، آیه ۵۳.

وضعی و انتقالی آن بسیار آرام است و به واسطه کروی بودن زمین و قانون جاذبه آن و همچنین قشر عظیمی که اطراف آن را گرفته است (جو زمین)، می تواند محل آسایش و راحتی و مکان امنی برای زندگی باشد؛ خداوند در آیه مذکور هم بر حرکت زمین اشاره دارد و هم بر محل آسایش بودن آن، تا بتواند موجب رشد و تعالی بشر باشد. (۱)

(د) گسترش زمین

خداوند می فرماید: (وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا) (۲) و بعد از آن، زمین را گسترش داد

کلمه «دحو» به معنای گسترش دادن است و اشاره به آن دارد که در آغاز خلقت زمین، تمام سطح زمین را آبها فرا گرفته بودند. این آبها به تدریج در سفره های زیر زمینی جای گرفتند و خشکیها از زیر آب سر بر آوردند و روز به روز گسترده تر شدند (۳) تا این کره خاکی به وضع کنونی در آمد.

درباره گسترش زمین، به این نکته نیز اشاره شده است که توسعه و گسترش زمین به همراه شکل کروی آن است البته این گسترش یافتن، تنها به زمین اختصاص ندارد، بلکه آسمانها را نیز شامل می شود که خداوند متعالی می فرماید:

(وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ) (۴) و آسمان را با قدرت بنایش کردیم، و قطعاً ما گسترش دهنده هستیم.

آیات مذکور به گسترش جهان هستی اشاره دارد؛ زیرا کره زمین بر اثر جذب

ص: ۱۶۷

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۲۲.

۲- (۲) . نازعات، آیه ۳۰.

۳- (۳) . همان، ج ۲۶، ص ۱۰۰ و ج ۲۲، ص ۳۷۴.

۴- (۴) . ذاریات، آیه ۴۷.

مواد آسمانی، تدریجاً بزرگ تر و آسمانها نیز بر اثر سرعت کهکشانها و دور شدن آنها، در حال توسعه هستند؛ چنان که یکی از دانشمندان می گوید: فضای جهان که از میلیاردها کهکشان تشکیل یافته، در یک حالت انبساط سریع است. (۱)

(ه) آب، اصل حیات

خداوند متعال می فرماید:

(... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ) (۲) و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟! پس آیا ایمان نمی آورند؟!)

در آیه شریفه، به اصل علمی آفرینش حیات هر شیء از آب، اشاره نموده که بیانگر آن است که حیات همه موجودات، اعم از گیاهان و حیوانات از آب بوده و آغاز حیات و زندگی از آن است. (۳) قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می دهد. اگر قرآن در آفرینش انسان هم تعبیر به خاک و گل می کند، اشاره به همان ترکیبی است که از آب و خاک فراهم شده است.

خداوند فرموده است:

(وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ...) (۴) و خدا هر جنبنده ای را از آبی آفرید.

و می فرماید:

(وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا...) (۵) و او کسی است که از آب، بشری را آفرید....

ص: ۱۶۸

۱- (۱). آغاز و انجام جهان، ص ۷۴؛ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۷۴.

۲- (۲). انبیاء، ۳۰.

۳- (۳). طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۷۲.

۴- (۴). نور، آیه ۴۵.

۵- (۵). فرقان، آیه ۵۴.

که بیانگر صورتگری خلقت انسان از آب است و اشاره به آغاز حیات دارد که از آب ناشی شده است.

(و) حرکت فلکها

خداوند متعال می فرماید:

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ) (۱) و او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید در حالی که هر یک در مداری شناورند.

آیه مذکور، اشاره به حرکت کهکشانها دارد که در آسمان شناورند و منظور از حرکت خورشید، حرکت دورانی به دور خویش و یا حرکتی است که همراه منظومه شمسی دارد. گفته شده، تمامی فلکها، در کهکشانهای خود در حرکتی شناورند که علم امروز به چگونگی برخی از آنها پی برده است؛ ولی قرآن در هزار و چهارصد سال پیش بر آن اشاره نموده است. (۲)

حرکت شهابها به سوی زمین و کنترل آنها توسط نیروی در برابر زمین نیروی جو و گازهای اطراف زمین و دیگر کرات از شگفتیهایی هستند که امروز دانشمندان به برخی از آنها پی برده اند. موريسين می گوید: اگر هوای محیط زمین اندکی از آنچه هست رقیق تر می بود، اجرام سماوی و شهاب هایی که هر روز به مقدار چند میلیون عدد به آن اصابت می کنند و در همان فضای خارج منفجر می شود، دائماً به سطح زمین می رسیدند و هر گوشه آن را مورد اصابت قرار می دادند. (۳)

ص: ۱۶۹

۱- (۱). انبیاء، آیه ۳۳.

۲- (۲). تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۰۰.

۳- (۳). موريسين، کرسی، راز آفرینش انسان، ص ۳۴.

(وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ)؛ (۱) و آسمان را سقفی محفوظ [بر فراز زمین] قرار دادیم، که اینان از نشانه های آن روی گردانند»

گرد زمین را پوشش هوایی ضخیمی فرا گرفته، که ارتفاع آن به ۳۵۰ کیلومتر می رسد. هوا از گازهای «نیترژن» به نسبت ۷۸/۰۳ در صد و «اکسیژن» به نسبت ۲۰/۹۹ درصد و اکسید کربن به نسبت ۰/۰۴ درصد و بخار آب و گازهای دیگر به نسبت ۰/۹۴ درصد ترکیب یافته است. این پوشش هوایی با این حجم ضخیم و با این نسبتهای گازی فراهم شده در آن، همچون سپری آسیب ناپذیر، زمین را در بر گرفته و آن را از گزند سنگ های آسمانی - که به حد وفور (۲) به سوی زمین می آیند و از همه اطراف، تهدیدی هولناک برای ساکنان زمین به شمار می روند - حفظ کرده و زندگی را برایشان امکان پذیر می سازد.

به علاوه وجود لایه ازن در اطراف زمین، بسیار اهمیت دارد؛ این لایه که در اثر رعد و برق به وجود می آید، زمین را در برابر پرتوهای مضر کیهانی محافظت می کند. اگر این لایه نبود، حیات روی زمین ممکن نمی شد. قرآن در هزار و چهار صد سال پیش، به این پدیده های علمی با عبارت (سَقْفًا مَحْفُوظًا) اشاره کرده است که یک اعجاز علمی محسوب می شود.

۴- اعجاز غیبی

از جمله وجوه اعجاز قرآن، خبر دادن از امور غیبی است؛ منظور از غیب، امور مخفی و پنهانی هستند که با وسایل عادی در اختیار بشر، اطلاع از آنها

ص: ۱۷۰

۱- (۱). انبیاء، آیه ۳۲.

۲- (۲). روزانه میلیون های سنگ آسمانی به سوی زمین روانه می شود.

ممکن نیست و از طریق اندیشه و فکر و محاسبات نمی توان آن را کشف نمود؛ قرآن در موارد متعددی، اخبار غیبی را بیان داشته است که بخشی مربوط به زمان گذشته و بخشی مربوط به زمان نزول قرآن و بیان حال افراد و بخشی نیز مربوط به آینده هست که به هر کدام، اشاره می شود:

الف) خبر از گذشته: مانند اخبار از تاریخ و سرنوشت گذشتگان، مثل قوم سبأ، یوسف، عاد، ثمود، نوح و دیگر حوادث گذشته، خداوند متعال در سوره هود به ذکر سرنوشت نوح* می پردازد و در پایان آن را از امور غیبی می داند و می فرماید:

(قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ... * تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ...)
(۱) گفته شد: «ای نوح فرود آی، با سلامتی از طرف ما و برکاتی که بر تو و بر گروه هایی است، که با تواند...» این [مطلب] از خبرهای بزرگ غیب است در حالی که آن را به سوی تو وحی می کنیم (و) پیش از این، هیچگاه تو و قومت، اینها را نمی دانستید....

آیات یاد شده، آخرین آیاتی هستند که در سوره هود درباره نوح و سرگذشت عبرت انگیزش آمده و در پایان اشاره می دارد که این خبرها، غیبی بوده و کسی از آنها مطلع نبوده است.

ب) خبر از حال: خبرهایی از وضعیت زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و درون افراد که اغلب مربوط به خدعه و حيله های دشمنان بوده است؛ مانند: آیه شریفه:

(... وَ إِذَا جَاؤُكَ حَيُّوكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَ يَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْ لَا - يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ) (۲) و هنگامی که نزد تو می آیند به چیزی که خدا بدان تو را زنده باد نگفته است به تو «زنده باد» می گویند و در (دل های) خودشان

ص: ۱۷۱

۱- (۱) . هود، آیه ۴۸ - ۴۹.

۲- (۲) . مجادله، آیه ۸.

می گویند: «چرا خدا ما را بخاطر آنچه می گوئیم عذاب نمی کند؟!» جهنم برای آنان کافی است، در حالی که وارد آن می شوند (و می سوزند) و چه بد فرجامی است.

آیات یاد شده، اشاره به یکی از توطئه های یهود دارد که به هنگام ورود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در ظاهر بر او تحیت می گفتند، ولی با عبارت «السام علیک» که معنای آن، خلاف تحیت بود و (به معنای «مرگ بر تو» می باشد)؛ خداوند نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در جریان این امر می گذارد و توطئه آنان را آشکار می کند.

پیرامون اخبار از وضعیت زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچنین در آیه شریفه آمده است:

(وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ) (۱) و (برخی منافقان) کسانی هستند که مسجدی برگزیدند، برای زیان رساندن، و کفر ورزیدن، و تفرقه افکنی بین مؤمنان، و کمین گاهی برای کسی که پیش از [آن] با خدا و فرستاده اش جنگ کرده بود و به طور قاطع سوگند یاد می کنند که: «اراده ای جز نیکی نداشته ایم.» و [لی] خدا گواهی می دهد که قطعاً آنان دروغگویند.

آیه فوق در مورد گروهی از منافقین است که برای رسیدن به اهداف ناپسند خود، اقدام به ساختن مسجدی در مدینه کردند که بعداً به نام مسجد «ضرار» معروف شد؛ آیه بیان می دارد که خداوند، پیامبرش را از توطئه آنها خبر داد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور دادند تا آن را آتش بزنند و بدین گونه چهره نفاق آنها را آشکار ساخت.

(ج) خبر از آینده: قرآن از حوادث آینده، خبرهایی را ارائه کرده است که برخی قریب و برخی بعید بوده اند؛ مانند:

ص: ۱۷۲

۱. اخبار از عدم توانایی آوردن کتابی همانند قرآن در آیات تحدی که می فرماید:

(قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا) (۱) بگو: اگر انسان [ها] و جن [ها] جمع شوند، بر اینکه همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد و اگر چه برخی آنان، پشتیبان برخی [دیگر] باشند.

۲. خبر از غلبه رومیان در این آیه:

(غُلِبَتِ الرُّومُ* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ* فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ الْمُؤْمِنُونَ (۲) (سپاه) روم در نزدیک ترین سرزمین شکست خورد* و [لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال بزودی پیروز خواهند شد.* کار [ها] قبل از (آن شکست)، و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست و در آن روز مؤمنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می شوند.

در هفتمین سال بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) که مقارن با سال ۶۱۷ م. بود، جنگ بین ایران و روم به اوج خود رسید؛ ایرانیان پیروز شدند و سوریه، فلسطین و مصر را فتح نمودند و قسطنطنیه نیز تهدید شد، چنان که حتی «هرقل» (هراکلیوس)، امپراتور روم شرقی (بیزانس) قصد فرار داشت که در همان شرایط، قرآن خبر پیروزی مردم روم را پس شکست سنگین آنان، اعلام داشت، که پس از مدت اندکی (بین ۳ تا ۹ سال) غالب خواهند شد و با قاطعیت اعلام نمود که در کمتر از ده سال، روم پیروز خواهد شد؛ پس از آن خبر، رومیان در سال (۶۲۶ م.) پیروز شدند و سپاهیان ایران به سرکردگی شاهین، شکست خوردند. این آیات بر آن

ص: ۱۷۳

۱- (۱). اسراء، آیه ۸۸.

۲- (۲). روم، آیه ۲ - ۴.

دلالت می کند که قرآن از جانب خدا نازل شده که می تواند آینده را، این چنین قاطعانه پیشگویی نماید (۱).

اخبار غیبی قرآن، چه مربوط به گذشته، حال و آینده، فراوان هستند که ذکر آنها مجال بیشتری می خواهد. (۲).

قرآن، بویژه آیاتی که متضمن اخبار غیبی هستند، معجزه به شمار می آیند؛ زیرا در آنها خبر از چیزی داده شده که بشر از اظهار نظر در مورد آنها عاجز بوده است؛ خصوصاً که اخبار یاد شده صادق بوده و تخلفی در آنها دیده نشده است.

۵- اعجاز سلامت قرآن از تناقض

از جمله وجوه اعجاز قرآن، صیانت و دوری متن آن از هرگونه ناسازگاری و اختلاف می باشد؛ بخصوص که قرآن در مدت ۲۳ سال و در شرایط متفاوت، به صورت تدریجی، بدون پیش نویس قبلی، بدون اصلاحیه بعدی، متضمن مطالب متنوع و در موضوعات متعدد از تاریخ، حقوق، اعتقادات، احکام و... فراهم شده بوده که با این وجود هیچ گونه اختلاف و تناقضی در آن دیده نشده و متن از سلامت و استواری برخوردار است؛ از طرفی، در بیان برخی از مطالب به مناسبت‌های مختلف، بسا سرگذشتی را دوباره یا بیشتر تکرار نموده است؛ لکن در هر بار، نکته یا نکاتی را بیان کرده که با مطالب قبلی سازگاری دارد.

قرآن خود بر این وجه از اعجاز، اشاره دارد و می فرماید:

ص: ۱۷۴

۱- (۱). مجمع البیان، ذیل آیه ۳ سوره روم.

۲- (۲). در این باره می توان از آیات ۸ سوره انفال؛ ۹۵ سوره حجر؛ ۹ سوره صف؛ ۴۵ سوره قمر؛ ۲ سوره تبت؛ ۳۲ توبه؛

۱۲ مدثر؛ ۹ علق؛ ۹ حجر؛ ۳۷ یونس؛ ۶۷ مائده؛ ۵۱ غافر؛ ۱ فتح؛ ۱۸ انبیاء؛ ۲۷ فتح؛ ۸۵ قصص؛ ۱ نصر؛ ۵۵ نور؛ ۵ قصص؛ ۱۰۵

انبیاء؛ ۱۰۱ توبه؛ ۱۴۴ آل عمران و... نام برد.

(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (۱) و آیا در قرآن تدبیر نمی کنند؟ و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می یافتند.

آیه شریفه، بیان می دارد: اگر قرآن، کتاب غیر الهی بوده و از نزد بشری صادر شده بود دارای تناقض و ناسازگاری بود، بویژه که اگر در شرایطی، مشابه شرایط نزول قرآن، فراهم شده بود، دستخوش تغییر و تناقض می گشت؛ لکن قرآن کلامی الهی است، و از یک منبع آسمانی، سرچشمه گرفته است، بدین جهت نه تنها در آن هیچ اختلافی نیست، بلکه کلمات و عبارت و ساختار محتوایی آن، مرتبط به هم، منطقی و سنجیده و بر مبنای چیدمانی منظم و هماهنگ با یکدیگر نازل شده است.

تاریخ نشان داده است که کلام بشری، با گذر زمان و بر حسب مقتضیات زمان و مکان، دچار تغییر و تحول شده و هر کتابی در مقطع خاصی ممکن است، معتبر و ارزشمند باشد، ولی در مقاطع بعدی، دیگران، اثری بهتر، زیباتر، کامل تر و منسجم تر ارائه نمی نمایند؛ از این رو هر کتابی حتی از نظر نویسنده آن، پس از گذشت مقطعی از زمان، نیاز به تکمیل و برطرف نمودن کاستیهای آن دارد؛ لکن قرآن هرچند، سالها و قرنها بر آن می گذرد و خواهد گذشت، نه تنها اختلافی در آن مشاهده نشده، بلکه هر روز، مطلبی از مطالب آن آشکار می گردد.

سلامت قرآن از هر گونه تناقض، نشان از آن دارد که این کتاب از سوی خالق انسان آمده، همان که بر انسان و محیط پیرامون او آگاهی دارد؛ بدین جهت اگر در مسایل مربوط به طبیعت و یا از تکوین و یا تشریح سخن می گوید، بیان واقعیاتی است که عقلاً بر آن اعتراف دارند و از هر گونه اضطراب و تزلزل به دور است.

ص: ۱۷۵

۶- اعجاز عددی قرآن

تناسب، تساوی و هماهنگی در اعداد و ارقام کلمات و موضوعات شبیه و مغایر با هم در قرآن، امری بسیار شگفت انگیز است؛ هیچ بشری بر آوردن کتابی که از نظر معنا و محتوا، اینچنین متعالی بوده و در میزان کلمات و الفاظ آن نیز رعایت تناسب شده باشد، به گونه ای که عدد آن هم مناسب و شگفت انگیز باشد، قادر نیست.

انسان از تنظیم کتابی که در آن چنین تناسب شگفت انگیزی باشد، عاجز است؛ این تناسب شگفت انگیز در شرایطی فراهم شده که کتاب قرآن در طول ۲۳ سال در شرایط گوناگون نازل شده و هر بخشی از کلمات آن در حادثه خاصی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وحی شده است و پس از نزول هم از اصلاحیه و تنظیم بعدی برخوردار نبوده است؛ پیرامون تناسب واژگان قرآنی با یکدیگر، قرآن پژوهان را به منابع تفصیلی ارجاع می دهیم. (۱)

ص: ۱۷۶

۱- (۱). نوفل، عبدالرزاق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، ج ۱، ۲ و ۳.

۱. به چه سبب در قرآن کریم اشارات علمی صورت گرفته است؟
۲. یک نمونه از اعجازهای علمی قرآن کریم را بیان کنید.
۳. نمونه ای از اعجاز غیبی قرآن کریم را توضیح دهید.
۴. چگونه عدم تناقض در آیات قرآن دلالت بر اعجاز این کتاب آسمانی می کند؟
۵. اعجاز عددی را تعریف و مثالی برای آن ذکر نمایید.

پژوهش

۱. در یکی از ابعاد دیگر اعجاز قرآن کریم با مراجعه به کتب علوم قرآنی و تفسیری تحقیقی ارائه نمایید.
۲. با استفاده از منابع معتبر، مثال های دیگری از اعجاز علمی قرآن کریم ذکر نمایید.

هدف کلی: آشنایی با نسخ، اهمیت و انواع آن.

اهداف آموزشی این فصل:

از فراگیران انتظار می رود که پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. نسخ را تعریف و شرایط آن را بیان کنند؛

۲. سه فایده ای را که برای وجود آیات منسوخه در قرآن ذکر شده، نام ببرند؛

۳. نسخ حقیقی و نسخ ظاهری را بشناسند؛

۴. انواع نسخ در قرآن کریم را بدانند؛

۵. با تعدادی از آیات منسوخه آشنایی پیدا کنند.

(ما نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (۱) (هر آیه ای را که نسخ می کنیم (و آیه دیگری جانشین آن می کنیم) و یا به فراموشی می سپاریم، بهتر از آن، یا همانندش را می آوریم. آیا ندانسته ای که خدا بر هر چیزی تواناست؟)

(وَ إِذَا يَدُلُّنَا آيَةٌ مَكَانَ آيَةٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا نُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (۲) (و هنگامی که (حکم) آیه ای را به جای (حکم) آیه ای [دیگر] جایگزین کنیم - و خدا به آنچه فرو می فرستد داناتر است - (مشرکان) می گویند: «تو تنها دروغ پردازی.» (چنین نیست) بلکه بیشترشان نمی دانند.)

ص: ۱۷۹

۱- (۱). بقره، آیه ۱۰۶.

۲- (۲). نحل، آیه ۱۰۱.

هر حرکت اصلاحی و رو به پیشرفت با تغییر شرایط، نیازمند بازنگری در برنامه‌ها و نسخ برخی آیین‌ها را ضروری می‌سازد. این بازنگری و نسخ، در شرایع آسمانی - که ارائه‌کننده برنامه جامع زندگی بشر هستند - نیز وجود دارد. (البته این بازنگری و دگرگونی تا هنگامی است که حرکت به رشد نهایی و کمال مطلوب نرسیده باشد؛ لذا نسخ در یک شریعت تا موقعی است که پیامبر مشغول انجام رسالت خویش باشد ولی با اتمام رسالت و رحلت پیامبر - که بیانگر اكمال شریعت است - دیگر جایی برای نسخ در شریعت باقی نمی‌ماند).

نسخ پیاپی در یک شریعت نو بنیاد، همانند نسخه‌های پزشکی است که با شرایط و احوال بیمار تغییر پیدا می‌کند. نسخه دیروز در جای خود مفید و نسخه امروز نیز در جای خود مفید است. لذا خداوند می‌فرماید: (مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا...) (۱). بنابراین هر نسخی که صورت می‌گیرد، در جای خود درست بوده و نسبت به شرایط، رعایت اصلاح شده است. با توجه به بیان گذشته، تعریف نسخ تا حدودی روشن شد. نسخ در لغت گاه به معنای برداشتن و از میان بردن است: نَسَخَ الشَّيْبُ الشَّبَابَ (پیری جوانی را برد). نَسَخَ الشَّمْسُ الظِّلَّ (خورشید سایه را از میان برداشت).

و گاه به معنای نقل دادن و منتقل ساختن می‌آید: نَسَخْتُ الْكِتَابَ؛ کتاب را به جای دیگر منتقل کردم (از کتاب نسخه برداری کردم). (۲) و (۳)

ص: ۱۸۰

۱- (۱). بقره، آیه ۱۰۶.

۲- (۲). فیروزآبادی، القاموس المحيط، ماده نسخ.

۳- (۳). در قرآن کریم آیات زیر به ترتیب نسخ را از جهت لغت در معنای اول و دوم استعمال نموده است: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) (حج، آیه ۵۲) (و پیش از تو هیچ فرستاده و پیامبری نفرستادیم، جز اینکه هر گاه آرزو می‌کرد (و طرحی می‌ریخت)، شیطان در آرزو (و طرح‌ها) یش (شبهه) می‌افکند و [لی] خدا آنچه را شیطان می‌افکند، از میان می‌برد سپس خدا آیاتش را استحکام می‌بخشید - و خدا دانای فرزانه است). (... إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (جاثیه، آیه ۲۹) (در حقیقت ما آنچه را همواره انجام می‌دادید پیوسته رونوشت بر می‌داشتیم). در آیه اول خداوند القای شیطان را نابود می‌کند و از میان می‌برد و در آیه دوم منظور قرآن نقل اعمال به صحیفه‌ها و از صحیفه‌های به غیر آن است. (مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۷۵).

نسخ در اصطلاح عبارت است از: «برداشته شدن حکم سابق - که بر حسب ظاهر دائمی بوده - با تشریح حکم جدید (لاحق)، به گونه ای که: حکم جدید جایگزین حکم سابق گردد و امکان جمع میان هر دو نباشد». (۱)

در این جا ممکن است این سؤال مطرح شود که وجود آیات منسوخ در قرآن - جز تلاوت الفاظ بدون محتوا - فایده ای دارد؟

در پاسخ به این شبهه باید گفت که: اولاً وجود آیات ناسخه و منسوخه در قرآن، سیر تدریجی تشریح احکام را نشان می دهد. این خود یک ارزش تاریخی - دینی است که مراحل تکامل شریعت را می رساند. ثانیاً باید توجه داشت که یکی از جنبه های مهم قرآن، «اعجاز بیانی» آن است و باید همیشه ثابت و استوار باقی بماند. ثالثاً اکثر آیات منسوخه با توجه به شرایطی نسخ شده اند اگر دو باره شرایط آنها بوجود آید دو باره زنده خواهد شد و به اجرا در خواهند آمد. (۲)

شرایط نسخ

نسخ دارای شرایطی است که عبارتند از:

۱. در محدوده احکام شرعی باشد؛ یعنی هر گونه تغییر و تبدیلی که خارج از محدوده احکام شرعی انجام گیرد، از موضوع بحث خارج است.

ص: ۱۸۱

۱- (۱). التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲- (۲). به این نوع نسخ، نسخ مشروط می گویند که در ادامه توضیح آن خواهد آمد.

۲. موضوع در نسخ تبدیل نشود؛ مانند: تبدیل حالت اختیار به اضطرار یا حاضر به مسافر، که هرگونه تغییر حکم در این گونه موارد از حیثه مسئله نسخ بیرون است؛ زیرا هر موضوعی حکمی خاص خود دارد و با تبدیل موضوع، حکم آن نیز تغییر می کند.

۳. وجود تنافی و تضاد میان ناسخ و منسوخ، به گونه ای که جمع میان آنها ممکن نباشد؛ ولی اگر دو حکم به گونه ای باشند که وجود همزمان آن دو ممکن باشد؛ در این صورت نسخ صورت نگرفته است. پس وجود مقید برای مطلق و خاص برای عام که علمای متقدم احیاناً از آن به نسخ نام می بردند از موضوع نسخ بیرون است.

۴. منسوخ، محدود به زمان معینی نشده باشد؛ چونکه اگر حکم سابق از اول مقید به زمانی باشد، با سرآمدن آن زمان، حکم خود به خود از بین می رود و نیازی به نسخ نیست.

اهمیت بحث نسخ

اهمیت سخن گفتن از نسخ، واضح و روشن است، فقیهی که در صدد استنباط احکام فقهی قرآن می باشد و یا متکلمی که به دنبال دریافت معارف قرآنی است، باید آیات منسوخه را تشخیص دهد تا در فتوا یا قضاوت مورد استناد قرار ندهد.

ابو عبدالرحمان سلمی گوید که: علی (رضی الله عنه) با یکی از قاضیان کوفه روبرو شد. از او پرسید: «آیا آیات ناسخه و منسوخه را می شناسی؟» قاضی گفت: «نه». حضرت فرمود: «در این صورت هم خود و هم دیگران را نابود ساخته ای». (۱)

ص: ۱۸۲

۱- (۱). عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۲، ش ۹.

باید توجه داشت که نسخ و تغییر در احکام الهی با آنچه در احکام و قوانین بشری صورت می گیرد کاملاً متفاوت است، زیرا تغییر و اصلاح در قوانین موضوعه بشری به دلیل تجدید نظر، یا کشف مجهول یا برخورد با معضلات و تنگناها و امثال آن صورت می گیرد. در حالی که قوانین الهی از جانب خداوندی صادر شده که کوچک ترین اشتباه در علم و حکمت او قابل تصور نیست. حقیقت مسئله این است که احکام اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد وضع می شوند، یعنی در شریعت اسلامی قوانین ایجابی دارای مصالح و قوانین بازداشتی دارای مفاسد برای بندگان است. به همین خاطر و با توجه به میزان و درجه این مصالح و مفاسد احکام اسلامی به وجوب، استحباب یا حرمت و کراهت و (در صورت تساوی بودن مصلحت و مفسده به) اباحه تقسیم می شود. (۱)

شارع مقدس گاهی مصلحت یا مفسده ای را همیشگی در نظر می گیرد و گاهی موقتی و برای زمان و شرایط خاصی، در حالت دوم حکمی را تا زمان معین (بدون این که موقتی بودن آن را اعلام بکند) جعل می کند و با اتمام آن زمان، حکم جدیدی را جایگزین آن می کند. پس تمامی احکامی که نسخ می شوند به خاطر مصلحت و مفسده موجود در آن هاست و خداوند از آغاز به محدود بودن آن، علم داشته است. درست بر خلاف قانون گذاری بشر که اکثر اوقات تبدیل و تغییر به علت یک امر طبیعی است چرا که انسان نمی تواند تمامی اتفاقات آینده را پیش بینی کند.

بنابراین نسخ در شرایع الهی، نسخ حقیقی نیست بلکه ظاهری است؛ یعنی

ص: ۱۸۳

۱- (۱). جهت توضیح بیشتر نک: زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، ج ۱، ص ۲۵۹.

مردم بر حسب ظاهر گمان می برند که نسخی صورت گرفته، در حالی که واقعا چنین نیست و خداوند از همان زمانی که حکم سابق را تشریح می نمود می دانست که مدت دوام آن حکم، محدود و سرآمد زمان آن مشخص است و صرفاً به دلیل مصالحی مدت آن بیان نشده است. با این بیان می توان گفت که در واقع، نسخی حقیقی در کار نیست، بلکه خداوند ابتدا حکم سابق را بدون بیان مدت آن، به صورت محدود تشریح نموده و سپس با تشریح حکم جدید - خود به خود - پایان آن مدت را نیز اعلام کرده است.

انواع نسخ در قرآن

نسخ در آیات قرآنی به چند گونه تصور شده است. برخی از این موارد مقبول و برخی مردود است:

۱. نسخ آیه و محتوا: الفاظ آیه از قرآن برداشته شود و حکمی که در آن آیه بیان شده است نیز، نسخ گردد.
۲. نسخ آیه فقط: الفاظ و عبارات آیه از قرآن برداشته شود، ولی حکم بیان شده در آن آیه باقی بماند.
۳. نسخ محتوا: الفاظ و عبارات آیه همچنان در قرآن ثابت بماند و تلاوت شود، ولی حکم بیان شده در آن آیه منسوخ گردد.
۴. نسخ مشروط: همان صورت سوم است با این تفاوت که حکم سابق با توجه به شرایطی نسخ می شود و با برگشتن شرایط تشریح نخستین، حکم منسوخ دوباره به اجرا در می آید. در نتیجه دو حکم منسوخ و ناسخ، هر یک به شرایط خود بستگی دارند.

تفاوت نسخ مشروط با نسخ محتوا در این است که در نسخ محتوا، حکم

منسوخ به صورت مطلق و برای همیشه از بین می رود و قابل اعاده نیست، ولی در نسخ مشروط، حکم منسوخ با اعاده شرایط، دوباره زنده می شود و قابل اجراست.

از نظر محققین تنها صورت سوم و چهارم (نسخ محتوا، نسخ مشروط) صحیح است و در قرآن واقع شده است؛ اما صورت اول (نسخ آیه و محتوا) هرچند قابل فرض است، ولی موردی در قرآن وجود ندارد که بر آن صدق کند. صورت دوم (نسخ آیه) نیز علاوه بر اینکه موردی در قرآن ندارد، اساساً معقول نیست، یعنی معقول نیست آیه ای که سند حکم شرعی باشد و الفاظ و محتوای آن در کنار بقیه آیات قرآن اعجاز را شکل داده باشد، از قرآن برداشته شود و محتوای آن باقی بماند. به نظر استاد صبحی صالح، مواردی که به عنوان مثال برای نسخ آیه و محتوا یا نسخ آیه بدون محتوا ذکر شده، بر مبنای خبر واحد استوار هستند که دلالت ظنیه دارند و نمی توان آن را با متن قرآن که با تواتر ثابت شده است، مقایسه نمود. (۱)

آیات منسوخه

نسخ نزد پیشینیان مفهومی گسترده تر از مفهوم کنونی داشته است، در گذشته هرگونه تغییر و تبدیلی در حکم پیشین را نسخ می گفتند؛ در حالی که نسخ مصطلح امروز، جایگزین کردن حکم جدید به جای حکم قدیم است، به این معنا که حکم سابق به کلی منسوخ شود و حکم جدید جای آن را بگیرد.

کسانی که نسخ را به مفهوم عام آن - که نزد پیشینیان کاربرد داشته است - گرفته اند، یا شرایط مقرر در تحقق نسخ را نادیده گرفته اند، تعداد آیات منسوخه را تا ۲۲۸ آیه رسانده اند.

سیوطی ضمن رد کثرت نسخ، تعداد آیات منسوخه را ۲۱ آیه می داند.

ص: ۱۸۵

۱- (۱). صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، مبحث نسخ.

صاحب الی بیان فقط قائل به نسخ یک آیه (آیه نجوی) است؛ ولی با توجه به ضوابط نسخ و در نظر گرفتن نسخ مشروط، هشت مورد نسخ در قرآن وجود دارد که شامل حدود بیست آیه می شود. (۱)

نمونه هایی از آیات منسوخه:

در این جا به بیان دو نمونه از آیات منسوخه می پردازیم:

ص: ۱۸۶

۱- (۱). التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۳۱۷ - ۳۲۰.

برخی از مردم در زمان پیامبر، گاه و بیگاه مزاحم اوقات پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شدند و بیشتر مسائلی را با او در میان می گذاشتند که یا در شأن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبود و یا بسیار ناچیز و گاهی بیهوده بود. از این رو برای اینکه سؤالها محدود شود، دستور آمد تا برای طرح هر سؤال باید ابتدا مقداری صدقه داده شود:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صِدْقَهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ) (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه با پیامبر [خدا] گفت و گوی محرمانه می کنید، پیش از گفت و گوی محرمانه خود صدقه ای تقدیم بدارید. این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه تر است؛ و اگر چیزی نیافتید، بدانید که خدا آمرزنده مهربان است».

با این دستور مردم به طور کلی از پرسش خودداری کردند و تنها یک بار علی (رضی الله عنه) دیناری را به ده درهم فروخت و آن را صرف مسائل ضروری در پیشگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمود تا آنکه این دستور با آیه (أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صِدْقَاتٍ فَمَاذِلَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)؛ (۲) «آیا ترسیدید که پیش از هر سؤال صدقه هایی پردازید. حال که چنین نکردید و خدا [هم] بر شما بخشود پس نماز را بر پا دارید و زکات را پردازید و از خداوند و پیامبرش اطاعت کنید، و خداوند به آنچه می کنید آگاه است»، نسخ شد. (۳)

ص: ۱۸۷

۱- (۱) . مجادله، آیه ۱۲.

۲- (۲) . مجادله، آیه ۱۳.

۳- (۳) . سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۱۸۵.

روشن است که در این آیه نسخ محتوا صورت گرفته است؛ زیرا حکم قبلی (دادن صدقه برای هر سؤال) به طور کلی از بین رفته و حکم جدید جایگزین آن شده است.

آیات صفح

مسلمانان صدر اسلام دستور یافتند تا در مقابل آزار مشرکان مکه خویشتن داری کنند و صبر و بردباری از خود نشان دهند؛ زیرا آنان در مکه و در موضع ضعف قرار داشتند و در صورت مقابله به مثل، امکان نابودی آنان بود، لذا در سوره جاثیه - که شصت و پنجمین سوره مکی است - آمده است: (قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ...) (۱) «ای پیامبر! به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که از ایام الله بیمی ندارند در گذرند...». مقصود از «ایام الله» وقایع هولناک و کنایه از عقوبتهای سخت الهی است.

اما موقعی که جامعه اسلامی شوکت و قدرت یافت، اذن در قتال صادر شد:

(أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)؛ (۲) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست». سپس دستور مقابله آمد و آیه (حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ...)؛ (۳) مؤمنان را به جهاد بر انگیز...» و نیز آیه (... فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...)؛ (۴) «همانگونه که بر شما تعدی کرده، بر

ص: ۱۸۸

۱- (۱) . جاثیه، آیه ۱۴.

۲- (۲) . حج، آیه ۳۹.

۳- (۳) . انفال، آیه ۶۵.

۴- (۴) . بقره، آیه ۱۹۴.

او تعدی کنید...» و آیه (... فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ...)؛ (۱) مشرکان را هر کجا یافتید بکشید...» نازل گشت. تمامی این آیات در سوره های مدنی است.

آیات صفح روشن ترین شاهد برای نسخ مشروط است؛ بدین دلیل که آیات منسوخه، مربوط به شرایط خاص زمانی و مکانی خویش است و چنانچه در شرایط مکانی یا برهه زمانی خاصی آن گونه شرایط پیش آید، آیات صفح، دو باره قوت یافته و حاکم خواهد شد. (۲)

ص: ۱۸۹

۱- (۱). توبه، آیه ۵.

۲- (۲). جهت توضیح بیشتر، نک، التمهید فی علوم القرآن، ج ۲.

۱. نسخ را تعریف و شرایط آن را بیان کنید.
۲. آیا پس از پیامبر امکان نسخ وجود دارد؟ چرا؟
۳. سه فایده ای را که برای وجود آیات منسوخه در قرآن ذکر شده، نام ببرید.
۴. نسخ حقیقی و نسخ ظاهری چیست؟ نسخ در شرایع الهی از کدام نوع است؟ چرا؟
۵. چند نوع نسخ در قرآن واقع شده است؟ تعریف هر کدام را بنویسید.
۶. تفاوت نسخ مشروط و نسخ محتوا را بنویسید.
۷. یک مورد از آیات منسوخه را همراه با آیه ناسخ آن ذکر کرده و مختصری درباره آن توضیح دهید.

پژوهش

۱. در مورد نسخ مشروط و گونه های آن پژوهشی ارائه نمایید.
۲. تحقیقی همراه با تحلیل پیرامون نسخ آیه بدون محتوا انجام دهید.

هدف کلی: آشنایی با محکم و متشابه و اقسام تشابه و نمونه های آن.

اهداف آموزشی این فصل:

از دانش پژوهان انتظار می رود پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. تعریف اصطلاحی محکم و متشابه را بیان کنند؛

۲. منظور از تشابه در آیات متشابهه را بشناسند؛

۳. اهمیت بحث محکم و متشابه را بدانند؛

۴. اقسام تشابه را بدانند؛

۵. حکمت وجود متشابهات در قرآن را توضیح دهند؛

۶. منشأ به وجود آمدن آیات متشابه را بیان کنند؛

۷. تفاوت تفسیر و تأویل را بیان کنند؛

۸. اطلاعاتی پیرامون حروف مقطعه پیدا کنند؛

۹. با نمونه هایی از آیات متشابه آشنا شوند.

(هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) (۱)

اوست ذاتی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. پاره ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند؛ و [پاره ای] دیگر متشابهند. اما کسانی

که در دل هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تأویل آن، از متشابه پیروی می کنند؛ با آن که تأویلش را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی داند. [آنان که] می گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود.

آیه فوق، آیات قرآن را به دو گروه محکمت و متشابهات با ویژگی های خاص آنها تقسیم می کند. (۱)

قبل از هر چیز لازم است با دو واژه «محکم» و «متشابه» آشنا شویم:

تعریف محکم و متشابه

۱. محکم: راغب در مفردات گوید:

ریشه حکم به معنای «منع» است. و به همین جهت در زبان عرب به لجام اسب

ص: ۱۹۲

۱- (۱). گرچه در آیه مورد بحث، آیات به دو گروه «محکم و متشابه» تقسیم شده اند؛ اما در جای دیگر همین دو عنوان، وصف کل قرآن نیز قرار گرفته اند: (كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ) (هود، آیه ۱). و در جای دیگر: (اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ) (زمر، آیه ۲۳) مراد از احکام آیات قرآن - در آیه فوق - به قرینه تفصیلی آیات، که در همان آیه ذکر گردیده است، وضعیت آیات قبل از نزول تدریجی و تفصیلی و آیه به آیه است. قرآن در مرحله قبل از نزول تدریجی از حقیقتی واحد و ثابت برخوردار بوده که تجزیه و تکثر آیات (تفصیل) در آن راه نداشته است و به هنگام نزول تدریجی از مرحله احکام به مرحله تفصیل و تکثر، تغییر حالت داده است. (ر. ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۰). اطلاق وصف تشابه برای کل آیات در سوره زمر بدین معناست که قرآن کتابی است که همه آیاتش با یکدیگر هماهنگ است. کتاب متشابه، یعنی کتابی که در آن تضاد و اختلاف و اعوجاج راه ندارد، بلکه بر مجموعه آن نوعی مشابهت و یک نواختی و هماهنگی حاکم است و همگی یک هدف را دنبال می کنند: («أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا.») (نساء، آیه ۸۲).

«حکمه» اطلاق می گردد (زیرا لجام، حیوان را از حرکت و تمرد بازمی دارد).

بنابراین در این ماده نوعی معنای مانعیت و نفوذ ناپذیری نهفته است. وقتی می گوییم: قاضی «حکم» کرد؛ یعنی قضیه قبل از حکم او دارای تزلزل بود و پس از حکم، حالت ثبات و استحکام به خود گرفت. «محکم» بودن چیزی بدین معناست که عامل خارجی نمی تواند در آن نفوذ نماید و به قول راغب: «محکم، چیزی است که نه از جهت لفظ و نه از حیث معنا شبیهه ای در آن وارد نگردد.» این ویژگی در یک کلام، هنگامی پدید می آید که کلام در افاده معنا، هیچ گونه ابهامی و ایهامی نداشته باشد و به روشنی تمام بر مقصود خویش دلالت نماید.

۲. متشابه: راغب گوید:

شبهه، آن است که به جهت وجود شباهت بین دو چیز، یکی از دیگری تمیز داده نشود (چه شباهت عینی باشد و چه معنوی). متشابه در قرآن، کلامی است که به دلیل شباهت لفظی یا معنوی اش به چیز دیگر، تفسیر آن مشکل گردیده است. فقها می گویند متشابه چیزی است که ظاهرش خبر از باطنش نمی دهد و گویای مرادش نمی باشد.

«اشتباه» نیز به جهت شباهت دو یا چند چیز به یکدیگر رخ می دهد.

بنابراین متشابه - در اصطلاح قرآن - لفظی است که احتمال چندین معنا در آن وجود دارد؛ به همین جهت در آن شک و شبهه ایجاد می گردد، و همان گونه که امکان تأویل صحیح آن وجود دارد، احتمال تأویل فاسد نیز در آن می رود و همین احتمال باعث گشته است تا منحرفان در صدد تأویل آن متناسب با اهداف خویش برآیند. (۱) راغب اصفهانی در باره آیات متشابه گفته است: «متشابهات قرآن

ص: ۱۹۳

عبارتند از آیاتی که تفسیر آنها مشکل است؛ زیرا نشان دهنده معنای واقعی اشان نیستند و به چیز دیگر شباهت دارند» که در مورد قرآن، آن «چیز دیگر»، جز ضلالت و گمراهی نیست: (... فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ... (۱) طبق این تعریف، تشابه در قرآن، تشابه حق و باطل است و هرگاه کلام خداوند (قرآن کریم) نمودی جز حق داشته باشد و به باطل شبیه باشد، آن را متشابه گویند.

پس منظور از تشابه در آیات متشابه، تشابه حق و باطل است؛ به این صورت که سخن حق خداوند، باطل جلوه داده شود.

پس از بررسی دو اصطلاح «محکم و متشابه» به آیه اصلی باز می گردیم. در این آیه، آیات محکمت، «ام الکتاب» معرفی شده اند. أم از ریشه أمَّ يَوْمٌ به معنای قَصِيدٌ يَقْصِدُ است. از آن جهت که فرزند به مادر متوجه می شود و قصد او را می کند، «أم» می گویند. أم به معنای مرجع و مقصد است و «ام الکتاب»، یعنی آیاتی که برای آیات دیگر مرجع واقع می شود. محکمت به تصریح قرآن آیات مادر، مرجع و اساسی هستند؛ با این ویژگی که خود هیچ ابهامی نداشته، برطرف کننده ابهام و تشابه از آیات متشابهند. از همین آیه می توان استفاده نمود که گرچه بخشی از آیات قرآن «متشابه» می باشند؛ اما با ارجاع متشابهات به آیات محکم، از این دسته از آیات نیز رفع تشابه می گردد و مفهوم آنها نیز در سایه آیات محکمت معلوم می شود؛ به عبارت دیگر گرچه بخشی از قرآن را آیات متشابه تشکیل می دهد (بخش اندک) اما تشابه آیات، ذاتی و همیشگی نیست؛ زیرا قرآن خود، راه تبیین متشابهات را تعیین کرده، و در حقیقت راهکار رفع تشابه را نمایانده است.

ص: ۱۹۴

قرآن مجید کتابی ویژه و دارای امتیازات و اختصاصاتی است که آن را از سایر کتب جدا می‌سازد. بهره‌گیری از این کتاب آسمانی و دریافت معارف بلند و محتوای ارزشمند آن نیز متوقف بر برخورداری از مجموعه‌ای از امور است که هر یک به نحوی در فهم صحیح قرآن نقش داشته و بیگانگی از آن امور برابر با دوری از محتوای این کتاب مقدس است. از جمله این موارد، آشنایی با محکم و متشابه در قرآن است. این مسئله دارای چنان اهمیت و ارزشی است که هر مفسر قرآن کریم در جای جای این کتاب الهی، توجه به آن را برای خود لازم دانسته و غفلت از آن را موجب پیدایش انحراف در تفسیر قرآن می‌داند. قرآن به عنوان یک مجموعه به هم پیوسته و یک دست - که به تصریح خود هیچ‌گونه اختلاف و ناهماهنگی در آیاتش وجود ندارد - به دو بخش محکم و متشابه تقسیم می‌گردد. بعضی از آیات، آیات مادر، اساسی و مرجع هستند و بخشی دیگر نیازمند ارجاع به دسته اول. از این روست که نظر استقلالی به آیات دسته دوم در تفسیر قرآن انسان را به کلی از مسیر صحیح فهم قرآن منحرف می‌سازد و ناخواسته در جهتی مخالف با کتاب خدا قدم بر می‌دارد. تردیدی نیست که بسیاری از فرقه‌ها و نحله‌ها و انشعابات، که در حوزه امت بزرگ اسلام و دین مبین به وجود آمده، در اثر پیروی از آیات متشابه بوده است.

پیدایش مذاهب فاسدی چون مجسمه یا مجبره یا مفوضه، بر پایه همین دسته از آیات و بدون ملاحظه آیات محکم بوده است. این امر متأسفانه از صدر اسلام تاکنون ادامه داشته و در هر زمان به اقتضای شرایط زمانی و مکانی، گروهی بوده‌اند که با تمسک به چنین آیاتی بدعت‌آفرینی کرده و آیات نورانی قرآن مجید را

دستاویزی برای رسیدن به امیال و هواهای نفسانی خود آن هم در قالب و چهره دینی و قرآنی قرار داده اند. شاید به همین جهت است که موضوع محکم و متشابه از دیرباز مورد توجه مفسران و قرآن شناسان بوده و آرای گوناگون و مختلف مفسران از صحابه و تابعین و پس از آنان که در این زمینه ابراز شده، شاهدی بر این امر است. علاوه بر تفاسیر مفسران که این بحث را در ذیل آیه محکم و متشابه (۱) مطرح نموده اند، گروه بی شماری از مفسران و آگاهان علوم قرآنی آن را در ضمن مباحث علوم قرآنی بلکه در رساله ها و کتب مستقلی مطرح و عرضه نموده اند. (۲)

از آن چه ذکر شد اهمیت و جایگاه ویژه این بحث به خوبی روشن می شود. نیز در ضمن بحث های آینده معلوم می گردد که با درک صحیح از محکومات و متشابهات قرآن مجید، بهترین شیوه تفسیری قرآن، تفسیر قرآن به قرآن است؛ چرا که ارجاع آیات متشابه به آیات محکم و بهره گیری از این آیات برای فهم صحیح از آیات متشابه، یکی از مصادیق تفسیر قرآن به قرآن است و در سایر موارد نیز استفاده از آیات دارای مفاهیم روشن برای رفع ابهام از بعضی دیگر از آیات و یا تبیین حدود و ثغور آن آیات، بسیار راهگشا و مؤثر است. آری؛ این امر مستلزم تبحر و تمحض در قرآن است؛ یعنی عقابان بلندپرواز را سزد که در

ص: ۱۹۶

۱- (۱). آل عمران، آیه ۷.

۲- (۲). به عنوان نمونه می توان از کتب زیر نام برد: متشابه القرآن، علی بن حمزه کسائی (م ۱۸۳ ق.)؛ کتاب فی محکم القرآن و متشابهه، سوربن عبدالله اشعری (م ۳۰۰ ق.)؛ حقائق التأویل فی متشابه التنزیل، سید رضی (۳۵۹ - ۴۰۶ ق.)؛ متشابه القرآن، قاضی عبدالجبار بن احمد همدانی (۳۵۹ - ۴۱۵ ق.)؛ تفسیر المحکم والمتشابه، سید مرتضی علم الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ ق.)؛ متشابهات القرآن، صدر المتالیهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق.). ر. ک: دکتر سید عبدالوهاب طالقانی، علوم قرآن و فهرست منابع، ج ۱، ص ۳۹۱ به بعد.

آسمان بلند معارف قرآن به پرواز درآمده به لطایف و ظرایف آن دست یابند.

احادیث متعدد و فراوانی در زمینه نهی از تفسیر به رای وارد شده نیز قابل تأمل است. مفاد و مضمون این احادیث چنین است که: هر کس قرآن را به رای و نظر خویشتن تفسیر نماید، جایگاهش در آتش خواهد بود. (۱) از این دسته روایات بر می آید که نظر استقلالی به آیات قرآن و اعتماد به خود آیه، بدون رجوع به آیات دیگر، طریقی ناتمام و نارس برای فهم قرآن است و قرآن باید از طریق خود تفسیر گردد، (۲) که یکی از آن راه ها ارجاع آیات متشابه به آیات محکم است. (۳)

اقسام تشابه در قرآن

تشابه در آیات قرآن بر اساس منشأ به وجود آمدن آن به دو قسم تقسیم می شود:

۱. اصلی: تشابه اصلی آن است که به گونه طبیعی، یعنی به سبب کوتاهی لفظ و گستردگی معنا به وجود آمده باشد؛ یعنی از طرفی، الفاظ و کلمات موضوعه در لغت عرب، بیشتر برای إفاده معانی کوتاه و سطحی ساخته شده اند و برای إفاده معانی گسترده و عمیق کشش و گنجایش ندارند و از طرفی هم، قرآن ملتزم بوده که ز الفاظ موضوعه عرب و از شیوه های کلامی آنان استفاده کند:

(إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)؛ (۴) (که ما آن را خواندنی عربی (واضح)

ص: ۱۹۷

۱- (۱). «وَمَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ أَوْ بِمَا لَا يَعْلَمُ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ» - نسائی خراسانی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب، سنن الكبرى، ح ۸۰۸۵.

۲- (۲). الميزان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۷۶ - ۸۰.

۳- (۳). جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ص ۳۲۰. جهت آگاهی بیشتر در زمینه ارجاع متشابهات به محکومات، نک: رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، مبحث تفسیر قرآن به قرآن.

۴- (۴) زخرف، آیه ۳.

قرار دادیم، تا شاید شما خردورزی کنید.) لذا برای بیان معانی والا، به ناچار راه کنایه، مجاز و استعاره را پیمود و این خود بر عرب غریب می نمود.

آیاتی که در باره مبدأ و معاد، مسئله استطاعت (قدرت در اختیار) انسان، مقدار تصرّف او در جهان، آفرینش، علل تکلیف و مانند آن بحث می کنند، نوعاً از این قسم هستند؛ زیرا معانی، بلند، و دقیق است، ولی الفاظ بسیار کوتاه و نارساست. تعداد این قبیل آیات متشابهه نسبت به مجموع آیات قرآنی اندک و با مراجعه با آیات محکمه - که «أمّ الکتاب» می باشند - و نیز احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، پیشوایان دین و سلف صالح مفاهیم آنها معلوم می شود.

۲. عرضی: تشابه عرضی در اثر برخورد و تضارب آراء و عقاید، و پیدایش مذاهب و گرایش های مختلفی که بعد از عصر نزول قرآن رخ داد، به وجود آمد. این آیات در آغاز اسلام، متشابه نبود و مسلمانان با سلامت طبع و خلوص نیت با آن برخورد و عموماً معنا و مراد آن را به خوبی درک می کردند؛ ولی پس از به وجود آمدن مباحث جدلی و مسائل کلامی، رایج شدن برخی مطالب فلسفی - که جسته و گریخته و به گونه ای ناپخته و نارس از یونان به این دیار راه یافت - هاله ای از غبار برچهره بسیاری از آیات نمودار گشت. هر فرقه و گروه برای خود و پشتوانه سازی مذهب خود و یافتن دستاویزی عوام پسند، به سراغ قرآن رفته و باعث شدند آیاتی که تا دیروز از محکّمات بود، امروز در زمره، متشابهات در آید.

عمده تشابه در قرآن، تشابه عرضی است و بیشترین آیات متشابهه - که امروز مطرح است - از این قبیل می باشد. (۱)

ص: ۱۹۸

وجود متشابهات در قرآن کریم بهانه برخی عیب تراشی ها بر این کتاب مقدس شده است. آنان می گویند قرآن مدعی است که قول فصل است، فرقان و تمیز دهنده حق از باطل است، هیچ گونه باطلی در آن وجود ندارد؛ در حالی که آیات متشابه آن آیاتی هستند شبیه انگیز، دیریاب و مشکل آفرین. فرقه ها و مذاهب گوناگون اسلامی هریک برای اثبات حقانیت خویش به همین قرآن استدلال کرده آیاتی از قرآن را مورد استناد خویش قرار می دهند. دلیل این امر چیزی جز وجود متشابهات در قرآن نیست. آیا اگر این کتاب تمامش محکومات بود با اهداف تبیین شده از سوی خود قرآن سازگارتر نبود؟ و اصولاً فلسفه و حکمت وجود متشابهات در قرآن چیست؟

امام فخر رازی در تفسیر خود پنج وجه در این مورد بیان کرده که رشیدرضا در تفسیر المنار، پس از ناقص شمردن وجوه مذکور، (۱) سه وجه دیگر را از استادش «شیخ محمد عبده» نقل می کند؛ از جمله این که وجود متشابهات خود جنبه آزمایشی و امتحانی دارد: اگر قرآن تماماً محکومات بود همه کسانی که در ظاهر ایمان آورده بودند، ناچار آن را قبول می کردند؛ ولی قسمتی از آن به صورت متشابه نازل شد تا وسیله امتحان باشد.

فیلسوف بزرگ، ابن رشد اندلسی در پاسخ به علت وجود متشابهات می گوید:

مردم سه گروهند: علما و دانشمندان؛ عامه مردم که بهره ای از علم و دانش نبرده اند، و گروهی بین این دو گروه قرار می گیرند که نه در سطح علمی دانشمندان هستند و نه در مجموعه عوام. همین گروهند که «تشابه» برایشان پدید

ص: ۱۹۹

می آید و خداوند آنان را نکوهیده است؛ زیرا دانشمندان، در شرع مقدس تشابهی به وجود نمی آورند و می دانند هر آیه را چگونه به وجه صحیح مورد نظر شرع ارجاع دهند. عموم مردم هم که اساساً آگاهی از این شکوک و ایرادات ندارند و به همان ظاهر آیات بسنده می کنند.

وی اضافه می کند: تعالیم شرعی همانند غذایی است که برای اکثر بدن ها (نوع افراد) نافع و سودمند است و چه بسا برای اقلیتی ایجاد ضرر نماید و به همین جهت قرآن به این نکته اشاره نموده است: وما یضل به الا الفاسقین (۱) این تشابه برای اندکی از مردم در تعداد کمی از آیات قرآن که متضمن اعلام از چیزهای ماورای حسی است رخ می دهد. قرآن از امر غیر محسوس و غیبی به یک امر حسی، که از همه امور حسی دیگر به آن امر غیبی نزدیک تر است و شباهت بیشتری دارد، تعبیر می کند. برخی از مردم همین مثال محسوس را اخذ می کنند و دچار شک و تردید می شوند. (۲)

به نظر علامه طباطبایی القای مفاهیم و معانی به انسان جز از طریق معلومات ذهنی که در طول زندگی وی برایش فراهم گردیده، ممکن نخواهد بود. اگر فردی مأنوس با امور حسی باشد القا از طریق محسوسات، و اگر به معانی کلی نایل گشته باشد، از همان طریق، به میزان نیل به معانی صورت خواهد گرفت.

از طرفی هدایت دینی اختصاص به گروهی خاص از مردم ندارد؛ بلکه همه گروه ها و تمامی طبقات را در بر می گیرد. اختلاف سطح افکار مردم از یک سو و عمومیت امر هدایت برای همه از سوی دیگر باعث شده است که بیانات قرآن در

ص: ۲۰۰

۱- (۱). بقره، آیه ۲۶.

۲- (۲). نک: ابن رشد، الکشف عن مناهج الأدله، ص ۸۹ تا ۱۰۷.

قالب امثال صورت گیرد؛ بدین صورت که آن دسته از معانی و مفاهیمی که انسان به آنها آشناست و ذهنش با آنها معهود است انتخاب می شود تا از رهگذر این معانی، آن چه را نمی داند برایش تبیین نماید. (۱)

به عبارت دیگر:

از آن جا که انتقال مفاهیم عالی و معنوی قرآن به انسان ها جز از طریق الفاظ و عبارات امکان پذیر نمی باشد، این الفاظ مادی نمی توانند دربرگیرنده همه آن محتوا و معنا باشند. به همین جهت، تشابه پدید می آید و دلیل آن همان است که معانی در قالب این الفاظ نمی گنجند.

معانی هرگز اندر حرف ناید که بحر بیکران در ظرف ناید

بعضی از قرآن پژوهان در پاسخ به همین اشکال که چرا قرآنی که مثل اعلای فصاحت و روشنی و صراحت است، دارای متشابهات شبهه انگیز و دیریاب است؟ گفته اند:

قرآن در قالب و بر وفق موازین کلام طبیعی انسانی نازل شده است و در کلام بشری از ساده ترین تعابیر روزمره گرفته تا عالی ترین تعبیّرات و عبارات ادبی و هنری، انواع صورت های مجازی و استعاری و تمثیلی و کنایی را دارد و هر جا که مجاز باشد لامحاله تشابه و متشابه پیش می آید. (۲)

بنابراین در یک نتیجه گیری نهایی با توجه به القای دقیق ترین معانی در قالب الفاظ مادی از یک سو و استفاده قرآن از تعابیر رایج لفظی نظیر مجاز، استعاره، تمثیل و کنایه از سوی دیگر، وجود آیات متشابهات که چیزی حدود

ص: ۲۰۱

۱- (۱). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۰ و ۶۱.

۲- (۲). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۷۳۶ و ۷۳۷.

دویست آیه (۱) از کل قرآن را تشکیل می دهند، امری غیر قابل اجتناب و ضروری بوده است و در حقیقت اگر جز این بود جایی برای سؤال و ابهام وجود داشت.

تفسیر و تأویل

هر آیه ای؛ اعم از محکم و متشابه ابهامهایی دارد؛ اما در متشابهات، تشابه، علاوه بر آنکه بر چهره لفظ پرده ای از ابهام می افکنند، موجب شبهه نیز می گردد؛ بدین ترتیب باید برای درک مفهوم هر متشابهی، ابتدا ابهام آن را رفع و سپس از آن دفع شبهه کنیم؛ بیان ابهامات (که در محکم و متشابه وجود دارد) را «تفسیر» و بیان شبهات (که صرفاً در متشابه وجود دارد) را تأویل می گویند.

در تعریف تفسیر گفته اند: «تفسیر، بر گرفتن نقاب از چهره الفاظ مشکله است». هنگامی که پرده ای از ابهام، لفظ را فرا گرفته باشد و پوششی بر معنا افکنده باشد، مفسر با ابزار و وسایلی که در اختیار دارد در زدودن آن ابهام می کوشد. (۲)

تأویل از ریشه «اول» به معنای «رجوع و بازگشت» گرفته شده، لذا معنای لغوی تأویل، ارجاع دادن می باشد. تأویل در موردی به کار می رود که گفتار؛ مایه ی شبهه، حیرت و سرگردانی شده باشد و تأویل گر (کسی که راه تأویل صحیح را می داند) در جهت رفع شبهه اقدام می نماید و ظاهر شبهه انگیز آن گفتار را به جایگاه اصلی خود (وجه صحیح آن) باز می گرداند.

مصاحب موسی هنگامی که او را در شگفتی یافت، به وی نوید داد تا او را از سر کار خود با خبر سازد و تأویل درست کردار خود را با وی در میان گذارد:

ص: ۲۰۲

۱- (۱). ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۱۴.

۲- (۲). منابع و مبانی تفسیری، وسایل زدودن ابهام می باشند.

(... سَأَتَّبُكَ بِتَأْوِيلٍ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا) (۱) به زودی تو را از تأویل آنچه نتوانستی بر آن شکبیا باشی، آگاه خواهم ساخت». (۲)

با این توضیح، هر مشابهی علاوه بر تفسیر به تأویل نیز نیاز دارد. تفسیر، ابهام آن را برطرف و تأویل شبهه آن را دفع می کند؛ ولی آیات محکمه فقط به تفسیر نیاز دارند تا ابهام آنها برطرف شود. بنابراین تأویل نسبت به تفسیر، اخص مطلق است؛ یعنی هر جا تأویل باشد، تفسیر هم هست، زیرا تأویل نوعی تفسیر است. (۳) به نظر امام ماتریدی تأویل احتمالات موجود در تفسیر هر آیه است که نص صریح از جانب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و صحابگان در معنای آن آیه به ما نرسیده باشد. اما اگر روایت صحیحی در تفسیر آیه وجود داشته باشد، آن مفسر آیه خواهد بود. لذا به نظر ایشان تفسیر مخصوص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و صحابگان به عنوان ناقلان سخن آن حضرت و تأویل وظیفه سایر علما و دانشمندان است و تفسیر یعنی معنای قطعی آیه قرآن و تأویل معنی احتمالی آیه قرآن کریم می باشد. (۴)

تأویل مشابهات را چه کسی می داند؟

در آیه هفت سوره آل عمران، بعد از تقسیم بندی آیات قرآن به دو گروه محکم و متشابه آمده است: (... وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا

ص: ۲۰۳

۱- (۱). كهف، آیه ۷۸.

۲- (۲). تأویل علاوه بر معنای فوق، معانی دیگری نیز دارد. علوم قرآنی؛ ص ۲۷۶ - ۲۷۴.

۳- (۳). مشهور در بین قدما این بوده است که تأویل رای همان تفسیر، و مراد از کلام می دانسته اند؛ در حالی که متاخران گفته اند: منظور از تأویل معنای مخالف با ظاهر لفظ است و این عقیده چنان شایع گشته که تأویل بعد از آن که از جهت لغوی به معنای مطلق ارجاع یا مرجع بوده، حقیقت ثانوی در معنای مخالف با ظاهر لفظ گردیده است.

۴- (۴). ماتریدی، تأویلات اهل السنه، ج ۱، ص ۳۴۹.

بِه كُلِّ مَن عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) ؛ در حالی که تأویل صحیح آیات متشابه را جز خدا و راسخان در علم نمی دانند [آنان که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الاهی اند] می گویند: ما به همه آن ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ماست و جز صاحبان عقل متذکر نمی شوند».

طبق این آیه شریفه و دلایل دیگر، دسترسی به حقایق نهفته آیات متشابه، صرفاً منحصر به خداوند نیست (هرچند برخی مفسرین نظر مخالف دارند)؛ بلکه امکان دستیابی به این حقایق برای پویندگان و علمای راستین فراهم است، دانشمندان راستین برای فهم این آیات از راه خدایی رفته می گویند: تمامی آیات متشابه و محکم از یک سرچشمه نشأت گرفته، پس در پشت پرده ظاهر، حقیقتی نهفته است که باید آن را یافت و عاقبت جوینده یابنده است؛ البته این واقعیت را جز خردمندان یادآور نمی شوند.

بسته بودن راه برای رسیدن به حقایق نهفته قرآن - که گنجینه معارف الهی به شمار می رود - هرگز قابل قبول نیست؛ زیرا اگر فرض شود در قرآن آیاتی وجود دارد که آحاد مسلمانان، علما، دانشمندان، امامان و پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) تماماً از محتوای آن آگاهی نداشته باشند، مقام حکمت الهی زیر سؤال می رود. چگونه کتابی که برای هدایت بشریت تا ابدیت، نازل شده، مواضع ابهامی دارد که هیچکس، حتی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به کشف آن دسترسی نداشته است؟! قطعاً این فرضیه محالی است و از حکمت باری تعالی کاملاً به دور است.

بنابراین، امکان دسترسی به معانی و حقایق پنهان آیات متشابه برای همه دانشمندان راستین فراهم است. جمله «يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ...» در موضع حال است و حاکی از ایمان ثابت است. این امر موجب می گردد تا علمای راستین، موضع حکمت الهی را در نظر بگیرند و در پی جستن حقایق نهفته در پس آیات

متشابهه روند. آنان در سایه علم و دانش استوار بوده، هرگز مضطرب نمی شوند و در مقابل آیات متشابه نگران نمی شوند؛ زیرا ایمان دارند که آیات متشابهه از همان منبعی صادر گشته که آیات محکم نشأت گرفته است و چنین می اندیشند که باید در پس پرده چیزهایی باشد که ظاهر لفظ نمودار آن نیست؛ از این رو به تأویل آیات متشابهه پی می برند.

دلیل عقلی روشن بر این که راسخان در علم، تأویل آیات متشابهه را می دانند، این است که قرآن به زبان مردم و برای هدایت آنان نازل گردیده است و اگر عالمان و راسخان در علم از تأویل قرآن عاجز باشند، قرآن در زمینه آیات به صورت معمای لاینحل در می آید؛ در حالی که قرآن خود به تدبر و تعقل در آیاتش دستور داده است. عجیب تر آن که اگر علم به تأویل مختص به خداوند باشد، پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم از آن محروم خواهند بود؛ یعنی پیامبری که مهبط وحی است، تاویل آیات آن را نمی داند. (۱)

آیا حروف مقطعه از تشابهات است؟

اکثر دانشمندان علوم قرآنی بحثی را پیرامون حروف مقطعه مطرح کرده اند، هرچند این موضوع یکی از مباحث درون قرآنی و تفسیری است، اما می توان از آن جهت که حروف مقطعه یکی از مصادیق تشابهات ذکر شده به بررسی آن پرداخت.

آغاز ۲۹ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن با یک یا چند حرف از حروف الفبا شروع شده که با حذف موارد تکراری ۱۴ حرف (یعنی نصف حروف الفبای عربی که ۲۸ حرف است)، را شامل می شود.

حروف مقطعه در کتابت متصل با هم و به صورت یک کلمه نوشته می شوند،

ص: ۲۰۵

۱- (۱). جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ص ۳۲۴.

ولی هنگام خواندن جدا - جدا و قطعه - قطعه با اسم الفبایی آنها خوانده می شود. مثلاً: «المص» اینگونه خوانده می شود: «الف، لام، میم، صاد».

درباره معنی و تفسیر حروف مقطعه نظرات گوناگونی (حدوداً ۲۵ دیدگاه) مطرح شده است. (۱) برخی آن را از متشابهات می دانند که هرگز قابل حل نیست، عده ای آن را از رموز و اسرار میان خدا و رسول او دانسته اند. برخی نیز حروف مقطعه را تنها دارای خاصیت آوایی دانسته اند که هیچ گونه معنایی ندارند. بعضی بر این باورند که حروف مقطعه در هر سوره ارتباط معنایی با محتوای آن سوره دارد. عده ای آن را سوگند خداوند همانند تین، زیتون و شهر مکه ذکر کرده اند.

به نظر می رسد اکثر این نظرات با هم قابل جمع باشند، زیرا همینکه دارای احتمالات فراوان است می تواند یکی از مصادیق متشابهات باشد. از طرف دیگر هنگام تلاوت قرآن در آن روزگار، آوای این حروف سبب جلب توجه حاضرین می شد تا به قرآن گوش فرا دهند، زیرا مشرکین پیوسته تلاش می کردند با ایجاد سر و صدا مانع رسیدن صوت دلنشین قرآن کریم به مخاطبین شوند:

(وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ) ؛ (۲) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «به این قرآن گوش فرا ندهید و در (قرائت) آن (سخن) بیهوده سر دهید، تا شاید شما پیروز شوید.»

از سوی دیگر خداوند حکیم با انتخاب نصف حروف الفبا، عرب را به تحدی فرا خوانده می گوید: اگر قبول ندارید که این سخن خداست و می پندارید که ساخته بشر است، بدانید که این کلام معجزه آسا از همین حروفی

ص: ۲۰۶

۱- (۱). نک: تفاسیر قرآن کریم ذیل سوره هایی که با حروف مقطعه شروع شده است. اکثر مفسرین این موضوع را در آغاز سوره بقره مطرح کرده اند، اما برخی در سوره های دیگر قرآن کریم.

۲- (۲). فصلت، آیه ۲۶.

که در اختیار شماست ترکیب یافته است، پس شما با استفاده از همین حروف الفبا سخنی مثل آن بیاورید.

البته این منافاتی ندارد که این حروف دارای معانی و اسرار خاصی باشد که میان خدا و رسول مکرم اسلام باشد و کنه آن را فقط خدا و رسول بدانند.

نمونه هایی از آیات متشابه

اشاره

روشن ترین نمونه ها و مصادیق آیات متشابه را در قرآن، باید در میان آیات مربوط به صفات و افعال خداوند جست. این مجموعه از آیات در کنار آیات دیگری که به هدایت و ضلالت انسان، جبر و اختیار ناظرند و یا مسائلی نظیر وحی و موجودات غیبی را بیان می کنند، امر را برای عده ای مشتبه ساخته است. قبلاً بیان شد که تشابه در آیات قرآن دو گونه است: تشابه اصلی و تشابه عرضی. ذیلاً از هر نوع یک نمونه می آوریم:

۱- نفی تحیز از خدا

«تحیز» عبارت است از اشغال مکان و دارا بودن جهت خاص (راست، چپ، جلو، پشت، بالا- و پایین). این از ویژگی های موجودات مادی و لازمه جسمیت است.

«تحیز» از ذات حق منتفی است؛ زیرا موجودی است مجرد؛ یعنی موجودی ماورای ماده و از تمام ویژگی های جسمانی منزّه است.

عده ای از ظاهر گراها قائل به تحیز شدند و خداوند را دارای مکان و در جهت می دانند و شواهدی از آیات قرآن می آورند (۱) از جمله:

ص: ۲۰۷

۱- (۱). الف) التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۱۱۱ - ۱۱۳ - و ۱۱۵ - ۱۱۶ ب) اشعری، علی بن اسماعیل، الإبانة، ص ۲۶ - ۲۸.

(الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى) (۱)

(يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ...) (۲)

(يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ...) (۳)

اما اکثریت دانشمندان اسلامی با در نظر گرفتن آیه کریمه (... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ...) (۴) - که از آیات محکمه است - خدا را از هرگونه شباهت به مخلوق مبرا دانسته و آیات یاد شده را - که گروه مشبهه، متشابه ساخته اند - به تأویل می برند و آنها با توجه به معنای کنایی به تفسیر آن می پردازند؛ یعنی جایگاه خدا - اگر بتوان جایگاهی تصور کرد - در جهانی برتر و بالا از جهان مادی است که تمامی خیرات و برکات از آن جهان به خاکیان سرازیر شود؛ عمل صالح بندگان نیز به سوی او صعود می کند؛ و گرنه خداوند در جهت خاصی قرار نگرفته است. (... فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ...)؛ (۵) پس به هر سو رو کنی آنجا جهت خداست...» (۶)

آیاتی که مُشبهه در اثبات قول خود به آن تمسک بسته اند، در حقیقت جزو آیات محکمه بوده اند و مسلمانان عصر نزول با سلامت طبع، مفهوم کنایی آنها را درک می کرده اند؛ ولی بعدها این فرقه و هم فکران ایشان برای پشتوانه مذهبی خود به سراغ این آیات رفتند و با تفسیر خود، آنها را متشابه ساختند؛ از این رو تشابه در این گونه آیات، عرضی می باشد.

ص: ۲۰۸

۱- (۱). طه، آیه ۵.

۲- (۲). سجده، آیه ۵.

۳- (۳). نحل، آیه ۵۰.

۴- (۴). شوری، آیه ۱۱.

۵- (۵). بقره، آیه ۱۱۵.

۶- (۶). التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۱۲۶.

همان گونه که در تعریف تشابه اصلی گذشت، منشأ به وجود آمدن آن، بلند بودن معانی و کوتاهی الفاظ است. یکی از آیاتی که دارای این نوع تشابه است آیه (... وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...)؛ (۱) و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی بلکه خدا افکند...» می باشد.

عرب آن روز از این آیه مفهوم جبر را درک می کرد، در حالی که این آیه به قدرت ناچیز انسان در مقابل دیگر عوامل مؤثر در تحقق افعال اختیاری او - که همگی با اذن الاهی انجام می گیرد - اشاره دارد. درک این معنا برای مردم عهد رسالت دشوار و سخت بود؛ از این رو تشابه در آیه، اصلی می باشد. (۲)

ص: ۲۰۹

۱- (۱). انفال، آیه ۱۷.

۲- (۲). علوم قرآنی، ص ۳۱۷ - ۲۹۴؛ التمهید فی علوم القرآن، ج ۳.

۱. تعریف اصطلاحی محکم و متشابه را بیان کنید.
۲. اهمیت بحث محکم و متشابه را بیان کنید.
۳. وجود آیات متشابه چه حکمت هایی دارد؟
۴. اقسام تشابه در قرآن را ذکر نموده و منشأ به وجود آمدن هر کدام را بیان کنید.
۵. تفاوت تفسیر و تأویل را بیان کنید.
۶. به نظر امام ماتریدی تفسیر و تأویل چه تفاوتی با هم دارند؟
۷. توضیح دهید که چرا مختص بودن علم تأویل به خداوند، غیر قابل قبول است؟
۸. یک نمونه از آیات متشابه همراه با معنای حقیقی آن را بنویسید.

پژوهش

۹. چند نمونه از آیات محکم و متشابه را در یک موضوع بررسی نمایید.
۱۰. تحقیقی در زمینه حکمت تشابهات و «علم به تأویل» ارائه نمایید.

۱. قرآن کریم. ترجمہ محمد علی رضایی اصفہانی و همکاران، قم، موسسہ تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، سوم، ۱۳۸۳ش؛
۲. آمدی، علی بن احمد، الإحكام فى اصول الأحكام، بیروت، المكتب الإسلامی، بی نا، بی تا؛
۳. ابن اثیر شیبانی، علی بن ابی الکریم، الکامل فى التاریخ، بیروت، دارالکتب العربی، اول، ۱۴۱۷ق؛
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الاعتقادات، قم، کنگرہ شیخ مفید، دوم، بی تا؛
۵. ابن الجزری، شمس الدین ابوالخیر، النشر فى القراءات العشر، بیروت، دارالکتب العلمیہ، سوم، ۱۴۲۷ق؛
۶. - منجد المقرئین و مرشد الطالبین، بیروت، دارالکتب العلمیہ، اول، ۱۴۲۰ق؛
۷. - غایہ النہایہ فى طبقات القراء، مکتبہ ابن تیمیہ، بی نا، بی تا؛
۸. ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری فى شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفہ، بی نا، ۱۳۷۹ش؛
۹. - لسان المیزان، بیروت، مؤسسہ الأعلمی للمطبوعات، سوم، ۱۴۰۶ق؛
۱۰. - تہذیب التہذیب، ہند، مطبعہ دائرہ المعارف النظامیہ، اول، ۱۳۲۶ق؛

١١. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، بيروت، عالم الكتب، اول، ١٤١٩ق؛
١٢. ابن كثير دمشقى، إسماعيل بن عمرو، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالكتب العلميه؛ اول، ١٤١٩ق؛
١٣. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دارالفكر، سوم، ١٤١٤ق؛
١٤. ابن نديم، ابوالفرج، الفهرست، بيروت، دارالمعرفه، دوم، ١٤١٧ق؛
١٥. ابوالقاسم عذرى، شرح الشاطبيه (سراج القارى)، بيروت، دارالفكر، بى نا، ١٩٥٠م؛
١٦. ابو عيسى ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح سنن الترمذى، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى نا، بى تا؛
١٧. ابو عبدالله بصرى، محمد بن سعد، طبقات ابن سعد، بيروت، دارصادر، اول، ١٩٦٨م؛
١٨. ابى شامه، ابو القاسم شهاب الدين، المرشد الوجيز إلى علوم تتعلق بالكتاب العزيز، بيروت، دارصادر، ١٩٧٥م؛
١٩. الباقلانى، ابو بكر محمد بن الطيب، اعجاز القرآن، بيروت، دارالكتب العلميه، اول، ١٤٢١ق؛
٢٠. اشعرى، على ابن اسماعيل، الإبانه، عمان، دارالنفائس، بى نا، ١٤١٤ق؛
٢١. القسطلانى، احمد بن محمد، ارشاد السارى فى شرح صحيح البخارى، حسين افندى، بى نا، بى تا؛
٢٢. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، بيروت، دار ابن كثير، سوم، ١٤٠٧ق؛
٢٣. بغوى شامى، محمد بن فراء، شرح السنه، دمشق، المكتب الإسلامى، دوم، ١٤٠٣ق؛
٢٤. بغوى، حسين بن مسعود، معالم التنزيل فى تفسير القرآن، بيروت، دار الكتاب العربى، پنجم، ١٤٠٧ق؛
٢٥. بلاذرى، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، بيروت، دارمكتبه الهلال، بى نا، بى تا؛
٢٦. البيهقى، أبو بكر أحمد بن الحسين، سنن الكبرى، حيدرآباد، مجلس دائره المعارف النظاميه الكائنه فى الهند، اول، ١٣٤٤ق؛
٢٧. - دلائل النبوه، بيروت، دار الكتب العلميه، اول، ١٤٠٨ق؛
٢٨. جوادى آملى، عبدالله، وحى و نبوت در قرآن، قم، اسراء، بى نا، بى تا؛
٢٩. جوان آراسته، حسين، درسنامه علوم قرآنى، قم، بوستان كتاب، ششم، ١٣٨٠ش؛

٣٠. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله، المستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالكتب العلميه، اول، ١٤١١ق؛
٣١. خر مشاهى، بهاء الدين، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، تهران، ناهيد، بى نا، ١٣٧٧ش؛
٣٢. الخوئى، السيد ابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن، قم، موسسه احياء آثار الامام الخوئى، بى نا، بى تا؛
٣٣. دراز، محمد عبدالله، النبأ العظيم نظرات جديده فى القرآن، دوحه، دارالثقافه، بى نا، ١٩٨٥م؛
٣٤. ذهبى، ابو عبدالله، معرفه القراء الكبار على الطبقات والأعصار، بيروت، مؤسسسه الرساله، اول، ١٤٠٤ق؛
٣٥. ذهبى، شمس الدين، ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، بيروت، دارالكتب العلميه، بى نا، ١٩٩٥م؛
٣٦. رازى، فخرالدين، مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربى، سوم، ١٤٢٠ق؛
٣٧. راغب اصفهانى، حسين بن احمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران، مرتضوى، دوم، ١٣٧٤ش؛
٣٨. رافعى، عبدالقادر، اعجاز القرآن و البلاغه النبويه، بيروت، دارالكتب العربى، اول، ١٤٢١ق؛
٣٩. راميار، محمود، تاريخ قرآن، تهران، امير كبير، سوم، ١٣٦٩ش؛
٤٠. رشيد بن على رضا، محمد، تفسير القرآن الحكيم، مصر، الهيئه المصريه العامه للكتاب، بى نا، ١٩٩٠م؛
٤١. رضايى اصفهانى، محمد على، اعجاز علمى قرآن، رشت، كتاب ميبين، سوم، ١٣٨١ش؛
٤٢. روحانى، محمود، المعجم الإحصائى لالفاظ القرآن الكريم، مشهد، آستان قدس رضوى، بى نا، ١٣٦٨ق؛
٤٣. رومى، فهد بن عبدالرحمن، دراسات فى علوم القرآن، رياض، مكتبه التوبه، دوازدهم، ١٤٢٤ق؛
٤٤. زحيلى، وهبه بن مصطفى، التفسير المنير فى العقيدته و الشريعه و المنهج، بيروت، دارالفكر المعاصر، دوم، ١٤١٨ق؛
٤٥. زرقانى، عبدالعظيم، مناهل العرفان فى علوم القرآن، بيروت، دارالكتاب العربى، اول، ١٤١٥ق؛
٤٦. زر كشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، بيروت، دارالمعرفه، اول، ١٤١٠ق؛

۴۷. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی، سوم، ۱۴۰۷ق؛
۴۸. زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، تهران، دارمنظمه الأعلام الإسلامی، بی نا، ۱۴۰۴ق؛
۴۹. سجستانی، عبدالله بن سلیمان، المصاحف، قاهره، المطبعه الرحمانیه، بی نا، ۱۳۵۵ق؛
۵۰. سعیدی روشن، محمد باقر، آشنایی با علوم قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، دوم، ۱۳۷۹ش؛
۵۱. سکاکی خوارزمی، یوسف بن ابی بکر، مفتاح العلوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، دوم، ۱۴۰۷ق؛
۵۲. سیوطی، جلال الدین، لباب النقول فی أسباب النزول، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی نا، بی تا؛
۵۳. -، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتاب العربی، دوم، ۱۴۲۱ق؛
۵۴. -، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی نا، ۱۴۰۴ق؛
۵۵. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، بیروت، دارالکلم الطیب، اول، ۱۴۱۴ق؛
۵۶. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی، پنجم، ۱۳۷۲ش؛
۵۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه های علمیه، پنجم، ۱۴۱۵ق؛
۵۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش؛
۵۹. -، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البیت، اول، ۱۴۱۷ق؛
۶۰. طریحی، فخرالدین بن محمد مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش؛
۶۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق؛
۶۲. عوفی کوفی، عطیه بن سعد، تفسیر قرآن کریم، قم، دلیل ما، بی نا، ۱۳۸۸ش؛
۶۳. عهد قدیم (تورات)، سفر پیدایش، ترجمه فارسی، بی جا، بی تا.
۶۴. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، بی نا، ۱۳۸۰ق.
۶۵. فیروزآبادی، القاموس المحیط، بیروت، مؤسسه الرساله، هشتم، ۱۴۲۶ق.
۶۶. قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، اول، ۱۳۶۴ش.

۶۷. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح المسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی نا، بی تا.
۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۶۹ش.
۶۹. لاهوری، اقبال، کلیات اقبال لاهوری، فریدون اسلام نیا، ارومیه، انتشارات حسینی اصل، اول، ۱۳۸۹ش.
۷۰. ماتریدی، ابو منصور، تأویلات اهل السنه، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۶ق؛
۷۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۷۲. محمد علی الحسن، المنار فی علوم القرآن، بیروت، مؤسسه الرساله، اول، ۱۴۲۱ق.
۷۳. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگي التمهید، چهارم، ۱۳۸۱ش.
۷۴. -، التمهید فی علوم القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۵ق.
۷۵. -، صیانه القرآن من التحریف، تهران، وزارت امور خارجه، اول، ۱۳۷۹ش.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۷۴ق.
۷۷. موصلی، ابی الفتح ضیاء الدین، المثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر، بیروت، المكتبه العصریه، بی نا، ۱۹۹۵م.
۷۸. مورینسن، کرسی، راز آفرینش انسان، تهران، فتح، بی تا.
۷۹. مهدوی راد، محمد علی، سیری در نگارش های قرآنی، فصلنامه بینات، ش ۵.
۸۰. نوفل، عبدالرزاق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العربی، پنجم، ۱۴۰۷ق.
۸۱. نسائی خراسانی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، سنن الکبری، حلب، مکتبه المطبوعات الإسلامیه، دوم، ۱۴۰۶ش.
۸۲. واحدی نیشابوری، ابو عبدالرحمن، اسباب النزول، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، چهارم، ۱۴۰۸ق.
۸۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن، تهران، علمی فرهنگی، ششم، ۱۳۷۸ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

